

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۳۳ صفحه

پیکار

۹۰

سال دوم - دوشنبه ۲۹ دی ۱۳۵۹ بها ۳۰۰ ریال

در صفحات دیگر این شماره:

- چگونه رویز بونیستهای اکثریت با کارگران لهستان دشمنی میورزند؟ صفحه ۳
- توضیحی بر بیانیه رفتای پیکار خلق! صفحه ۱۱
- شهرک امام خمینی بدست دولت امام خمینی ویران شد! صفحه ۱۷
- بیروز باد جنگ خلق در السالوادور! صفحه ۲۱
- امضا با قلم یا تسمیح؟! صفحه ۳۰

مصاحبه "پیکار" و "۱۳ آبان" با رفیق حسین روحانی، عضو کادر رهبری سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر در باره:

بازگشایی دانشگاه و راهپیمایی ۲۳ دی

صفحه ۲۷



تظاهرات پرشکوه ۲۳ دیماه: مشت محکمی بر دهان ارتجاع و نوکرانش

صفحه ۱۴

خائنی از حزب جمهوری اسلامی

صفحه ۱۹

تجزیه طلبی در کردستان: سیاستی بر ضد خلق کرد

صفحه ۶



۵۷ سال از خاموشی آموزش کارکبیر و رهبر پرولتاریای جهان گذشت

لنینیسم: یگانه پرچم رها ئی بخش طبقه کارگر

صفحه ۹

سرمقاله

تظاهرات ۲۳ دی: تعرض انقلابی

اوجگیری جنبش انقلابی با بهای پوسیده تخت حکومتی را لزرا ن ساخته است. لیکن مبارزات توده ای اگر چه ابعاد وسیع و عمیقی یافته است، اما از خصلت هدایت شده توسط عنصر آگاه، از خصلت سراسری بودن و... برخوردار نیست.

در متن چنین شرایطی، ارتجاع مبارزات توده ها، خصلت تعرضی بخشیدن به آن و... از اهمیت بسیاری برخوردار است. این فعالیت ها از جانب نیروهای کمونیست در شکستن جوخفغان و اوجگیری با زهم بیشتر مبارزات نقش بسیار مهمی میتوانند بازی کنند. امروز جوخفغان و سرکوبی که از اردیبهشت ما سال گذشته، به قیمت خون آلود کردن سنگفرش دانشگاه ها لشکر کشی به کردستان و سرکوب سازمان یافته کلیه دستاوردهای قیام برقرار گشته بود، پس از گذشت قریب به یکسال با ردیگر می رود تا در هم شکنند با بد با فعالیت سازمان یافته و پیگیری این اوضاع را بسودرشد سریعتر انقلاب تغییر داد و بتانسیل جنبش توده ای را شکوفا نمود.

شرایطی که اکنون در آن بسر میبریم دارای ویژگیهای زیرین است:

بقیه در صفحه ۲

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ سرمقاله...

نظارات ۲۳ دی، دانشجویان کمونیست بخون کشیده شد ودها نفر دستگیر گردیدند

همه پیمان انقلابی، کارگران و زحمتکشان!
دانشجویان کمونیست برای اعتراض به
تعطیل کردن دانشگاه این سنگرزادی و انقلاب
در روز ۲۳ دی دست به یک نظارات افشاگرانه
زدند تا فریاد حق طلبانه شان را بگوش زحمت -
کشان برسانند.

رژیم زیکطرف نظارات را شدیداً سرکوب
کرد و از طرف دیگر ادعا کرد که گویا نظاراتی
صورت نگرفته و یا بسیار کم اهمیت بوده است!
اما واقعیت اینست که رژیم با بسیج حداقل
۲ هزار پاداروسیج و اوپاش حزب الهی، مسلح
به قمه، چاقو، ... با شلیک تیرهاوشی، گازاشک -
آوردید تا به نظارات دانشجویان کمونیست
حمله کرده عدیه زیادی را شدیداً مجروح و دها نفر
را نیز دستگیر کرد. حتی در یک مورد ما شش
سپاهیان را با سرعت زیاداً در پها دهرود،
چندین نظاره کننده را نیز گرفت مشخات ما شین
بقیه در صفحه ۲۵

از مبارزات دانشجویان برای احقاق حقوق
حقه خود، نقش موثری ایفا کند.

۲- بحثا به اعمالی مبارزات دانشجویی،
دانش آموزی را از صورت پراکنده، به صورت
منظم، گسترده و وسیع و همگانی سوق دهد.

۳- بعنوان یکی از حلقه های اصلی جنبش
انقلابی خلق، در این مقطع در ارتقاء مبارزات
توده ها، نقشی موثر داشته باشد.

۴- در برقراری پیوند بین عنصر آگاه و
جنبش خلق و ایجاد تکیه گاه متقابل برای رشد
و گسترش هر دو نقش قابل توجهی ایفا کند.

۵- با بسیج توده ای، رژیم را و در روی یک
نبرد عظیم توده ای قرار دهد و در شکست جوموجود
بس موثر افتد و ...

از اینرو با تکیه بر نقش اساسی که این
حرکت می تواند در روند خلق ایفا کند، ما
مبارزه برای بازگشائی دانشگاهها را به
مسئله ای محوری در طول هفته گذشته بدل ساختیم
و قایمی که در جریان برگزاری مراسم پیش
آمد، صحت نظرات ما را به ثبوت رساند. چه رژیم
با درک از نقشی که این حرکت می تواند در
روند جنبش خلق و در تضعیف حاکمیت او بگذارد،
با تمام قدرت به مقابله با برداخت رژیم بسیج
گسترده و همه جا جنبه خود را در طی دوران حیاتش
برای مقابله با یک نظارات انقلابی صورت داد.
تبلیغات مسموم کننده او را در این روز زمینه

۱- بحران اقتصادی سیستم حاکم، روزبه
روز بیشتر تراوج میکردد و دورنمای خطر فلاکت را
بصورت جدی برای توده ها به ارمان می آورد.
نا توانی رژیم، در حال بحران های اقتصادی -
سیاسی، بر نارضایتی توده ها بطور بسیار آوری
افزوده است و جنبش توده ای بر سترایس
محروریت ها و ستمگریها برداشته خود می افزاید.
۲- تضادهای جناحهای مختلف هیئت
حاکمه، پس از گذشت دو سال، همچنان به حدت یابی
خود ادامه داده و این امر عدم ثبات هیئت حاکمه
را تشدید نموده است. این موقعیت لزوماً پیش
از پیش ارتجاع را در مقابله با انقلاب نا توان تر
ساخته است.

مجموعه اثری! بی نظیر، بنا گزیر و بصورتی
جبری جنبش را رویه اعتلای بیشتر برده، توهم
توده ها را فرو ریخته و سی اعتمادی آنها نسبت
به رژیم را فروزتر خواهد نمود. مبارزات پراکنده
لیکن گسترده کارگران، واران جنگداننش -
آموزان و سایر توده های مردم در سراسر ایران گواه
فروزی توهم بخشهای وسیعی از توده ها است
پس از گذشت سه ماه از جنگ، توهمات شوینستی
نیز بشدت فرو ریخته، جنگ در نزد توده ها به
مسئله ای فرعی تبدیل گشته و تحت الشعاع
مبارزه طبقاتی داخل کشور قرار گرفته است.

در چنین شرایطی، برپا نمودن نظارات
سراسری و گسترده از سوی نیروهای آگاه جامعه،
نقش موثری در ارتقاء مبارزات توده ها، جذب
آنان بسوی خود، تشدید مبارزه طبقاتی و ایجاد
نقطه اتکالی برای توده ها و ... ایفا میکند.
می با یست با تکیه بر حلقه ای محوری تا گتیک
که در هر مقطعی میتواند دعوی شود، جنبش جنبش
را بدست آورده و حول آن به تبلیغ و ترویج
برداخت و بسین توده را بسیج و سازماندهی نمود.

۲۳ دی، روز بازگشائی دانشگاهها، دقیقاً
دارای جنبش نقشی بود. چه توده های آگاه،
بویژه دانشجویان انقلابی به تعطیلی دانشگاه
شدیداً اعتراض داشته و خواستار بازگشائی
دانشگاهها میباشند. خواست بازگشائی دانشگاه
خواستی توده گیر و همگانی بوده و ۲۳ دی نیز
روزی خاطره انگیز در نزد توده ها بحثا به سبب
مبارزات دمکراتیک - در مقطعی از واپسین
روزهای حیات حکومت پهلوی شمار مرفرت، چه
در اینروز به همت توده ها، دانشجویان مبارز،
سنگردان دانشگاهها را گشودند. بدین ترتیب
استفاده از جنبش روزی و با تکیه بر خواست باز -
گشائی دانشگاه که خواستی همگانی بود، می -
با یست نظارات سراسری برای بازگشائی
دانشگاهها برداشته و بدین ترتیب جنبش
نظاراتی می توانست:

۱- در ارتقاء سطح مبارزات دانش آموزی و
دانشجویی و به عنوان فتح باب آغاز دوره جدیدی

را برای سرکوب ماسد نمود. رژیم بدرستی درک
کرده بود که برگزاری موفقیت آمیز جنبش راه -
پیمائی، نقش سرنوشت ساز را در دور جدیدی از
معدلات مبارزه طبقاتی درون جامعه ایفا
خواهد کرد. کربن توانند آنرا سرکوب کنند، باز چند
گاهی - هر چند موقتی - خواهد توانست جو
اختناق موجود را حفظ نماید و به برکت جنبش
سرکوبی، آنرا تشدید نماید.

و اگر نتوانست آنرا سرکوب کند و این
نظارات پیروز گردد، جنبش دمکراتیک وارد
عرصه جدیدی از کارزار خواهد شد. با زهم موج
نظارات نیروهای سیاسی، با زهم اوچ مبارزات
جنبش توده ای، با زهم شکسته شدن جو خفگان و ...
باری بسج گشتن ارتجاع زرفی و استقبال
بخش وسیعی از توده ها از جنبش حرکتی، علیرغم
تعمای تهدیدهای رژیم از طرف دیگر، نشان دهنده
انتخاب بجا و درستی بود که عنصر آگاه -
ارتقاء مبارزات توده ای بدان دست بازده بود
بی شک درک مقام تاریخی این روز و درک همه -
جانبه از نا شیرانی که جنبش نظاراتی می -
توانست در جنبش دمکراتیک خلق بگذارد، می -
توانست کیفیت کار را افزایش دهد.

این واقعیتی است که نیروهای متزلزلی
چون راه کارگران مسئله را درک نکرده و با
وخت از "یجاد تشنج و درگیری" کناره گیری
خود را از برگزاری مراسم اعلام نمودند. لیکن
اگر اینان نتوانستند نقش و اهمیت و نا شیرانی
که این حرکت می توانست بر جای گذارد، را درک
کنند، رویزونیستها، لیبرالها و "زبیها"،
همگی با شامه قوی طبقاتی خود آنرا درک کرده
و در مد سرکوب، خنثی کردن، تحریم و تخطئه آن -
آمدند.

برگزاری این نظارات علیرغم ضعفها و
نارسائی های آن (که تحلیل آنرا به جای دیگری
موکول میکنیم) به رژیم همها نذکه نیروهای
کمونیستی مصمم هستند با درک شرایط موجود،
دست به تعرض زده و با همراهای جنبش توده ای
آنرا به زیره مونی خود در آورند. از اینروز رژیم
با درک جنبش واقعیتی، بیشک بیش از پیش خود
را برای مقابله با جنبش انقلابی آماده خواهد
ساخت. ما به کمونیستها همدار می دهیم که عدم درک
جنبش شرایطی، با ردیگر ما را از رهبری جنبش
خلق برکنار نگاه خواهد داشت و رهبری جنبش
را بدست لیبرالها و نیروهای ناپه سرخواهد
سپرد.

رفقا! جمعیتدی همه جانبه از آنچه در جریان
حرکت ۲۳ دی پدید آمد، نقش موثری در تعیین
و تحکیم گامهای بعدی برای دست زدن به
جنبش تعرضی خواهد داشت. بس بگوئیم با ما
زدن به مبارزه ایدئولوژیک حول دستاوردهای
این حرکت راه در دست گرفتن رهبری جنبش را
بیاوریم و خود را برای حرکت بعدی آماده سازیم.

به استقبال جنبش او جگیرنده توده ها بشتابیم

جنبش کارگری



اخبار کوتاه کارگری

آمل : روز ۴/۱۰/۵۹ کارگران آجرفشاری هراز بندنبا ل تصمیم گرفتند مبنی بر اخراج سه نفر از کارگران و گرفتن مالیات از حقوق ناچیز کارگران ، تصمیم میگیرند بعنوان اعتراضی نماینده فرماداری در این کوره پزخانه را به کیروکان بگیرند . بعد از جای این تصمیم یکی از نمایندگان سازشکاران هنگام اطلاع از این عمل سعی میکنند با تضعیف روحیه کارگران آنها را از تصمیم خودشان منصرف نماید . و همراه با کارگران به محل نگهداری نماینده فرماندار رفته و از کارگران میخواهد که او را آزاد کنند . نماینده فرمادار در جواب یکی از کارگران اخراجی که علت اخراجش را پرسیده بود از آنجا که هیچ بهانه ای نداشت ، واقعاً نه میگوید : "تو سرباز هستی و با بدبوی جیبه جنگی !" (اینهم یکی دیگر از خیرات "جنگ برای کارگران است که آنها را بخاطر جنگیدن برای سرمایه داران اخراج میکنند!) به حال کارگران بعلاوه نداشتن رهبری قاطع و انقلابی ، تحت تاثیر نماینده سازشکاران نماینده فرماندار را بعد از ۱۲ ساعت آزاد میکنند!

گرسار : حدود دو هفته قبل کارگران کاخانه کشت و صنعت "گرسو" (تولیدکننده رب گوجه - فرنگی ۰۰۰) برای گرفتن سود ویژه خود به مدیریت خلی کاخانه مراجعه میکنند . مدیر طبق معمول قانون رابرخ کارگران کشیده و صحبت از بی پولی دولت میکند ، کارگران بدرستی مطرح میکردند که اگر دولت بی پول است چرا آقای رفسنجانی ۲۰۰ میلیون تومان خارج می - کند؟! کارگران ضمن محکوم کردن اعمال ضد - کارگری رژیم ، اعلام داشتند در صورتیکه حق آنها را ندهند دست به اعتصاب خواهند زد .

**از
انتشارات
جدید
سازمان**

زندگی يك کارگر قهرمان"

ابوالبابوشکین

تلفن: بابوشکین

برای آزادی ۶ تن از نمایندگان شورای کارکنان جنگزده صنعت نفت بپا خیزیم!

با درگیر شدن جنگ ارتجاعی ایران و عراق رژیم با آزادی عمل بیشتری به وارد کردن فشار بر کارکنان صنعت نفت و سرکوب مبارزات آنها پرداخت ، نمونه هایی از این اعمال چنین اند :
- کم کردن حقوق کارکنان و بسویزه کارکنان زیر پوشش و ندادن مسکن ، سوخت و غیره غذایی ،
- صدور بخشنامه هایی مبنی بر اخراج دستجمعی کارکنان البته بر اثر مبارزات کارکنان ، رژیم موقتاً آنها را پس گرفته است
- اقدام دولت جهت باز نشکنگی اجباری کارکنان بدون رعایت حقوق و مقررات

مردم قهرمان ایران :
بخاطر درازیم که چگونه کارگران مبارز صنعت نفت در مقابل رژیم شاهنشاخ به مبارزه ای قهرمانانه دست زدند و در مقابل مزدوران آن رژیم چه حماسه هایی از مقاومت و دلوری آفریدند تا اینکه سرانجام با اعتصاب یکپارچه و گسترده خود کمرا میریالیسم آمریکا و رژیم کارگزارانرا خرد کردند . اما با روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی که نتیجه قیام بوده بلکه حاصل سازش "رهبران" جنبش با امپریالیسم بود ، فشارها و تضیقات بر روی کارگران صنعت نفت ادا می افتد .

بقیه در صفحه ۴

چگونه رویونیستهای اکثریت با کارگران لهستان دشمنی میورزند؟

آن که در سراسر جهان طنین افکند ، رویونیستهای اکثریت را مجبور کرد تا به بررسی این رویداد بپردازند . چرا که سکوت در مقابل آن به معنای اعتراف به درماتنگشان در توجیه "تضاد بین این جنبش و اردوگاه سوسیالیستی" مورد ادعا - نشان تلقی میگردید . بعلاوه وظیفه رویونیستها چیزی جز آرایش بورژوازی و نظیر آن نیست . بدین جهت رویونیستهای ما دست بکار شدند تا با توجیه رویدادهای لهستان به خیال خود جلوی آگام شدن کارگران ایران نسبت به ما هیت سرما به دارانه سوسیال امپریالیسم شوروی واقعا را بشکینند . اما این تلاشهای مذبوحانه تنها نتوانستند (و نخواهد توانست) موشرواقع شوند ، بلکه بیش از پیش ما هیت ضد کارگری رویونیستها را آشکار نمودند .

رویونیستهای اکثریت که تحلیل مشخص و ریشه ای مبارزات طبقه کارگر لهستان را به سود خود نمی بینند ، طبق معمول با تکیه بر

مبارزات گسترده و کم سابقه کارگران قهرمان لهستان که چند ماهی است آغاز شده ، علیرغم ضعفهایش (خود بخودی بودن و سوار شدن سازشکاران و لیبرالها به رهبری آن ۰۰۰) چنان ضربات کوبنده ای بر پیکر نظام فرتوت سرما به داری جهانی و بخصوص سرما به داری دولتی لهستان وارد کرده است که دولت بورژوا - رویونیست لهستان هنوز نتوانسته است ولو اندکی ، کم خود را راست کند ما در شمارهای قبل پیکار کوشیدیم تا به بررسی این جنبش بزرگ کارگری بپردازیم (۱) اما آنچه اینک مورد نظر ماست نظرا فکندن به برخورد رویونیستها و بطور مشخص رویونیستهای اکثریت نسبت به این جنبش میباید چه کاره مبارزات کارگران لهستان قبل از همه مدح رویونیستهای خروشچی را در سراسر جهان با زشت کرده و در واقع آب سردی روی تمام عوامی مغربیهایی اینان در باره اردوگاه سوسیالیسم "شان" ریخت!

گسترش جنبش کارگران لهستان و اهمیت

بقیه در صفحه ۲۴

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



گزارشی از تجمع کارکنان مبارز و جنگزده در ماهشهر

اراجیف گفته شده توسط "شمسری" نماینده شرکت نفت در ماهشهر، کارکنان اجتماع کننده فریاد میزدند که: «اولا این پول تنها جزئی از حقوق واقعی ما است که در ازا ۳۰ سال کار طاقت فرسایمان در پالایشگاه به ما میدهند تا بنا دولت با بدیه زحمتکشان شادگانی، کارگران شهرداری و نماینده زحمتکشان که بخصوص در جنگ مدتها فراوان خورده اند، حتی بیشتر از اینم بدهند!

یکی از نمایندگان کارکنان کارگران موقعیت فعلی کارکنان جنگزده صنعت نفت را اینچنین شرح کرد: «هم اکنون دو مسئله مهم یعنی با ز-نشستگی اجباری و تعهدنا مهرورروی ما ست بر مبنای فرمای زشتگی اجباری که از طرف دولت پخش شده است. حدود ۷۰۰۰ کارگر و کارمند بدون پرداخت پاداش، سابقه خدمت و مستمری کامل، با زشتخواهند گردید. بنا بر این ما با این طرح مخالفت می‌کنیم» (کارکنان یکمدا تا شید کردند) (وی سی اس اده مه داد که رژیم میخواهد تعداد زیادی از کارکنان را نیز اخراج نماید، گما - اهنکه قبلا حدود ۲۰۰۰ بزرگ اخراج آماده کرده بودند که با اعتراض کارکنان لغو شد، اما اینک وزارت نفت از طرف دیگر وارد شده است آنها اساسی گروههایی از کارکنان را برای اعزام به آبادان اعلام میکنند و هر کس که از رفتن خود - داری میکند اخراج میشود، تازه کسانی هم که به آبادان میروند، کاری برای انجام نمیدارند و فقط با بد هفته ای ۲ روز برای حضور و غیاب به سرکار میروند. (رژیم کارکنان را فقط برای گوشت دم تنوب کردن به مناطق جنگی میبرد!) بقیه در صفحه ۲۵

روز ۱۰/۱۰/۵۹ بدعت "شورای هماهنگی کارکنان جنگزده"، حدود ۱۰۰۰ نفر از کارکنان جنگزده در محل حضور و غیاب کارکنان در ماهشهر اجتماع کردند، یکی از نمایندگان کارکنان در سخنان خود به فضای برخورد مسئولین وزارت نفت در ماهشهر پرداخت، و گفت که "شمسری" نماینده نماینده نام لاختیا وزارت نفت در ماهشهر در جواب نمایندگان کارکنان که خواسته های آنها را مطالبه میکردند، چگونه شرمناکانه اظهار داشته است که: "من کسی را بعنوان نماینده کارگر برسمیت نمی شناسم. کارگریک نماینده دارد و آنهم آقای رجائی است!؟ این گفته شمسری موجب خشم کارکنان گردید، آنها بدرستی می - گفتند که "رجائی را که ما انتخاب نکرده ایم که نماینده ما نباشد!" نماینده کارکنان در ادامه سخنانش گفت: "زما نیکه ز مسئول وزارت نفت خواستند برای پاسخگویی به سئوالات کارکنان در این اجتماع شرکت کند، او با کسختی (که شیوه نامی - مزدور را رژیم است)، نه تنها از آمدن امتناع کرده بلکه به کارکنان که در این اجتماع شرکت کنند توهین نمود. "کارکنان شرکت کنند در اجتماع از شنیدن چگونگی برخورد مسئولین به خواسته هایمان بمراتب تنفر خود را نسبت به آنها ابراز داشته و بیش از پیش به ما هیت ضد کارگری رژیم بی میبردند.

شمسری مزدور به نمایندگان کارکنان گفته بود که: "این ۴۰۰۰ تومانی که شما میگیرید حقان نیست و حق با برهنه های شادگانی است!" و اینکه فردا ممکن است کارکنان شهرداری هم از ما ۴۰۰۰ تومان بخوانند!... در جواب این

اصفهان: اخراج کارکنان مبارز سیمان - سیاهان بدنیا ل دستگیری ۱۸ نفر از کارکنان کارخانه سیمان سیاهان، رژیم با گرفتن تعهد آنها را بتدریج آزاد میکند اما کارکنان انقلابی به پاره کردن تعهد نامه ها مبادرت میورزند. فقط چند کارگر هوادار رومیونیستهای اکثریت که شبها "دستگیر شده بودند" (؟) تعهد نامه را امضا کرده و سایرین را نیز به مضای آن شوق میکردند.

از ۱۸ نفر مذکور ۱۶ نفر اخراج کرده اند و این عمل بدنیا ل اخراج ۳۰ تن از کارکنان این کارخانه انجام گرفته است کارکنان کارخانه احتمال اینرا میدهند که رژیم برای سرکوب مبارزاتشان با زهم به اخراج بیشتر آنان مبادرت ورزد.

زنجیان: روز ۱۹/۹/۵۹ حدود صد نفر از کارکنان بیکار را این شهردر مقابل اداره کار جمع شده و انتخاب نماینده ای خواسته های خود را مطرح میسازند، اما رئیس مترجم اداره کار با برخورد تحقیرآمیز به نماینده زحمتکشان بیکار، بسا فحاشی و سیسپانیدن برجسب رایج "فدا انقلاب" او را از طاقش بیرون میکنند و زهرپاشی میخواند که او را دستگیر سازند. ما مورین شهریانی این کارگر زحمتکش را به دادگستری برده و بعنوان "فدا انقلاب" او را ۲۴ ساعت بازداشت میکنند. کارکنان بیکار که خبر دستگیری نماینده شان را میشنوند، در دادگستری تجمع کرده و یکپارچه و استوار خواها ن آزادی وی میشوند، ارتجاع بواسطه وحشت از قاطعیت کارکنان را آزاد میکند

بقیه از صفحه ۳ برای ...

بازنشستگان - اعزام اجباری ویی روه کارکنان به مناطق جنگزده صرفا برای گوشت دم تنوب کردن آنها و در صورت امتناع، اخراج آنها - رفتارها نبت با روتحقیر آمیز با کارکنان جنگ زده ("فدا انقلاب" و "فراری" خواندن آنان در شیراز، ما شهرو اصفهان) - اعمال انواع و اقسام فشارها بر کارکنان برای بهانه ای جهت اخراجشان فراهم شود ...

بدین لحاظ کارکنان قهرمان صنعت نفت برای بدست آوردن حقوق خویش و خشنی کردن توطئه های رژیم سرما به داری حاکم! قدام به تشکیل شورای سراسری کارکنان جنگزده صنعت نفت نمودند. این شورا که در واقع ادامه مشکلات سابق نفتگران جنوب میباشد شورائی

پی بردن هر چه بیشتر به ما هیت رژیم جمهوری اسلامی، روز افزون گردیده است، دلیل ناتوانی و عجز رژیم در سرکوبی مبارزات توده ها و خفه کردن انقلاب است. کارکنان و زحمتکشان!

با تمام قوا از مبارزات کارکنان جنگزده صنعت نفت و شورای سراسری شان پشتیبانی کنیم و برای آزادی شان از نمایندگان این شورا تلاش نمائیم. به فضای توطئه های ضد مردمی رژیم بر علیه زحمتکشان جنگزده و بیخوش نفتگران قهرمان، بپیرد رژیم، مبارزات خود را هر چه گسترده تر و متنوع تر به پیش ببریم!

نمایندگان زندانی شورای سراسری کارکنان جنگزده صنعت نفت آزاد با بد گردند! هر چه رسوا تر با توطئه های رژیم بر علیه کارکنان مبارز! برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق! سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

است که در جریان مبارزات گوناگون آبدیده شده و با طرد هر گونه سازشکاری امتحان خود را نزد کارکنان صنعت نفت داده است. به همین دلیل هم رژیم قصد تفرقه اندازی در میان کارکنان و سرکوب شور را دارد. او اخیرا مبادرت به دستگیری شش تن از نمایندگان شورا نموده است در این راه رومیونیستهای توده ای و اکثریت این خائنین به طبقه کارگر، همصدا و همگام با رژیم در جهت به انحراف کشاندن مبارزات کارکنان صنعت نفت، به تلاش مذبحانه دست می - زنند. بلندگوهای تبلیغاتی رژیم و روزنامه های جیره خوارش نیز کوشیدند تا با سمیاتی بر علیه شور و آوازه نمایندگان رژیم سرکوب آترافرا هم نمایند. اما رژیم و تمامی مرتجعین که کمتر خدمت به سرمایه داران و امپریالیسم راسته اند، کورخوا شده اند! او جگیری ناروا یعنی و مبارزات حلق طلبانه توده های خلق که بر اثر فقر و فلاکت شدیدشان و

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

خلق ها و مسئله ملی



حماسه مقاومت مردم روستای ایندرفاقش و اهالی روستاهای اطراف آن

هم میهنان مبارزان!

همچنانکه اطلاع دارید، مدتی قبل در روز ۱۳ آبان ۵۹ با سداران و افراد بسیج مستضعفین طی یورش وحشیانه ای که به روستای ایندرفاقش نمودند، ۳۶ نفر از اهالی بی دفاع ده را بشیوه فجیعی قتل عام نموده و عده ای را با جوب و چماق و تبر زخمی نمودند. در جلو چشمان ما در بیست و دخترش تاجا و زکریه و بیخا طرا اعتراض مادرش وی را نیز برگیبا ربستند. نیروهای سرکوبگر رژیم در آن روز حتی مقدار زیادی علوفه زمستانی و سوخت اهالی روستا را آتش زده و دست رنج یک سال کارچندین خانوادها را بگارت بردند. نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی برای دومین بار در تاریخ ۵۹/۱۰/۱ حمله خود را به روستای ایندرفاقش آغاز کرده تا با ردیگر بیسه قتل عام این روستا بپردازند. ساعت ۶ صبح ۱۷ ماهین حامل با سداران و جاشها در اطراف ایندرفاقش مستقر شده و سنگربندی کردند.

تانکهای مستقر در تپه های بین روستای "ده ریاز" و "یوسف کند" حدود ۱۰۰ نفر از افراد پیاده ارتش نیز

بطرف روستا پیش روی کردند. اهالی ایندرفاقش که یکبار وحشیگری با سداران ارتجاع و مزدوران رژیم جمهوری اسلامی را در روستای خویش دیده بودند و زنان و کودکان و پیر مردان را از ده خارج نموده و دوش به دوش پیشمرگان کومله که در داخل روستا بودند آماده مقاومت شدند. زنان و پیر مردان هنگام خروج شدن از روستا به پیشمرگان میگفتند هر چه که در ریم در خدمت مقاومت شاست.

یک ساعت بعد پیشمرگان کومله مستقر در پایگاههای نزدیک به ایندرفاقش کمک اهالی روستای پیشمرگان شتافتند تا آن هنگام با سداران و جاشها و نیروهای ارتش مشغول سنگربندی و گاه و بیگاه تیراندازی بودند.

در این لحظات را دیومها با دبیبا مستشار مشترک سپاه سداران و ارتش را چندین بار خطاب به اهالی ایندرفاقش بخش نمود که طی آن از اهالی میخواست روستا را ترک نموده سلاحهای خود را تحویل دهند تا بتوانند ضد انقلابیون مستقر در داخل روستا را سرکوب نمایند. غافل از اینکه مردم کردستان کشتار و قتل عام دست جمعی زحمتکش روستای ایندرفاقش را هرگز از یاد نخواهند برد.

طی این مدت پیشمرگان سازمان پیکار و بقیه در صفحه ۲۶

تجزیه طلبی در کردستان: سیاستی بر ضد خلق کرد

اخیرا نغمه های شومی مبنی بر تجزیه طلبی و ایجاد کردستان خود مختار ازاد توسط حزب دمکرات در کردستان بگوش میرسد. تردیدی نیست که هیچ نیروی کمونیستی از نظرا مولسی نمیتوانند مخالف حق تعیین سرنوشت و آزادی خلق کرد باشد چه وقتی که میگوئیم حق تعیین سرنوشت حق مسلم خلقهاست، بیانگر آن است که خلقها از جمله خلق کرد با بدسرنوشت خود را بدست خود تعیین کنند، اما مسئله اینجاست که آیا تجزیه طلبی کنونی در کردستان خواست و اراده خلق کرد و یا در حقیقت تعیین سرنوشت بدست

بقیه در صفحه ۱۸

جنبش مقاومت خلق کرد در روزه خود برای نیل به پیروزی نیا ز مندمحما بیت همه جا نبه کارگران و زحمتکشان و خلقهای آگاه سراسر ایران بوده و پیوند دادن مبارزات خلق قهرمان کرد با مبارزه زحمتکشان سراسر ایران از نیازهای مبرم جنبش مقاومت و از عوامل اصلی پیروزی آن بشمار میرود. هر سیاست تجزیه طلبی نه در قبال وحدت مبارزاتی خلق کرد با خلقهای سراسر ایران، توطئه ای بر علیه خلق کرد محسوب شده و امتیازی برای رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در جهت سرکوب فشرده جنبش خلقها از جمله خلق کرد و در مجموع انقلاب بشمار میرود.

سی و پنجمین سالگرد اعلام حکومت خود مختار کردستان گرامی باد



کردستان ۱۳ اعلام موجودیت کرد و برهبری قاضی محمد هدایت مبارزات خلق کرد را بعهده گرفت. پس از قیام قهرمانان نه خلق آذربایجان جنبش خلق کرد نیز با وجود گرفتاری و در ۲ بهمن ۱۳۲۴ حزب دمکرات کردستان برقرار شد. حکومت خود مختار را در کردستان اعلام کرد.

در اولین اطلاعیه "حزب دمکرات کردستان" از "آزادی و خود مختاری ملت کرد در داخل ایران برای انجام کارهای محلی"، "رواج زبان کردی" بقیه در صفحه ۶

دوم بهمن مقارن است با برقراری جمهوری دمکراتیک کردستان "در مها با دک به جمهوری مها باد" نیز معروف است. خلق قهرمان کرد علاوه بر ستم طبقاتی و فشارها شیکه از طرف رژیم ارتجاعی پهلوی بر همه خلقهای ایران اعمال میشد از ستم ملی نیز رنج میبرد. وجود فئودالها و عشاری که اغلب سرکردگی زحمتکشان کرد را بدست میگرفتند باعث سرکوب جنبشهای آزادیخواهان خلق کرد میگردد و نبودن یک سازمان انقلابی سرتاسری در کردستان سبب میشد که حکومت رضاخان قلدر بطور وحشیانه ای خلق قهرمان را سرکوب نماید.

شرایط سالهای پس از شهریور و بنیاداری دوباره خلقهای ایران که در مبارزات دمکراتیک و انقلابی متبلور گردید نمیتوانست در جنبش خلق کرد بی تاثیر باشد. در سال ۱۳۲۴ حزب کومله به زیا نه و دیه کورد "که به کومله زک" مشهور شد در کردستان بوجود آمد. از این سازمان بود که در سال ۱۳۲۴ "حزب دمکرات

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



خلق ها و مسئله ملی

بقیه از صفحه سی و پنجمین...
"وحدت و برادری با خلقهای دیگر" بخصوص ملت آذربایجان، "پیش بردن کشاورزی و بازرگانی کردستان و گسترش آموزش و بهداشتی، "دادن آزادی مبارزه همه خلقهای ایران" و... صحبت شده است.

جمهوری دموکراتیک کردستان "بعلمت محتوای طبقاتی" حزب دموکرات "ووچود مالکان و تجار در رهبری آن و فقدان تشکیلات کمونیستی که بتوانند مبارزه انقلابی خلق قهرمان کرد را پیش ببرند، نتوانست دستاوردهای قیام خلق کرد را حفظ و تعمیق بخشد. وجود چنین رهبری موجب شد که "حزب" نتواند بر خورده

انقلابی به مسئله زمین که از مهمترین مسائل کردستان فئودالی بود پاسخ انقلابی بدهد در برنامهایش از "توافق" بین "دهقانان و مالکان" صحبت شده است، بی توجهی به نقش دهقانان و

زحمتکشان در مبارزه راهی بخش ملی و اختلاط طبقاتی حزب دموکرات نتوانست مقاصد و مبارزه خلق کرد را پیروزی مواجها زدودلآوری- های قاضی محمدنیز نتوانست خلق کرد را در برابر یورش وحشیانه ارتش شاه به موفقیت نهائی برساند و در سالهای ۲۵-۲۶ جنبش ملی خلق

کرد را در شرکتها روحیانه رژیم مزدور شاه از هم پاشیده شد. اما سنت های انقلابی "جمهوری کردستان" در دل های پر شور خلق کرد همچنان حفظ گردید و شعله خشم انقلابی خلق کرد هرگز خاموش نشد. امروز خلق قهرمان کرد با زنده داشتن سنت های انقلابی گذشته و با مرزبندی با اشتباهات آن دلاوران و کوه دلان مزدور شاه - های انقلاب میگوید، رشادگاه های خلق زحمتکش کرد و وجود سازمانهای انقلابی کمونیستی که بر

دل های خلق کرد را بافته اند، خلق کرد را در مقابل توصیه ها و دسیسه های ارتجاع و نسیز سازش های خیانتکارانه رهبران کتونی "حزب دموکرات کردستان" شکست ناپذیر کرده است. خلق قهرمان کرد و پیشمرگه های دلاوران علیرغم سرکوب وحشیانه ارتش جمهوری اسلامی و پاسداران

جهل و سرمایه، حماسه های پیروز مندان نه راهی زحمتکشان را می آفرینند. امروزه جنبش انقلابی خلق کرد علاوه بر مقاصد خونین و قهرمانانه در برابر رژیم جمهوری اسلامی و قداره بنسدان مسلح، با هشیاری انقلابی ضربات وارد از طرف رویز بنیستهای خائن "توده ای" و "اکثریت" (فدائیان) را نیز دفع کرد، و توطئه های خیانتکارانه آنان را نیز با شکست روبه رو ساخته اند.

خلق قهرمان کرد با مقاصد انقلابی و رزم دلاورانه خود از "جمهوری دموکراتیک کردستان" تحلیل مینماید.

یادش زنده باد!

"تجاوز به دختران قهرمان کرد، گوشه ای از جنایتهای سپاه پاسداران و ارتش ضد خلقی جمهوری اسلامی!"

"در عرض یک ساعت ۲۱ نفر از پرسنل شما به من تجاوز کرده اند" و گریه کنان آنجا را ترک میگوید. این حرکت فاشیستی سحبی جانتکارانه بوده است که فرمانده واحد خود را مجبور به استعفا میکند. آری اینست ارتش اسلام، اینست آن ارتشی که آیت الله خمینی آنرا غسل تعمید میدهد و اسلامیت مینامد. این است ارتشی که بی صدر خائن افتخار فرماندهیش را دارد.

اما با وجود چنین جنایاتی بدست مزدوران رژیم خلق قهرمان کرد، به همراه سایر خلقهای ایران با مقاصد دلیرانه و حماسه آفرین خود در مقابل رژیم ضد خلقی حاکم و ارگانهای سرکوبش، به مبارزه خود در راه بدست آوردن خواست های برحقش ادامه میدهد. تنگ و نفرت بسر رژیم ضد خلقی و ارتش و سپاه پاسداران مزدور شاه

منجا و زبیه دختران قهرمان کرد گوشه ای دیگر از رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی برای تسلیم کشیدن جنبش مقاومت خلق قهرمان کرد سیاستهای خائنه و جنایتکارانه اش را بوسیله ارگانهای سرکوبش در کردستان به پیش میبرد. ارتش شاهنشاهی که رژیم ضد خلقی هم اکنون آنرا ارتش اسلام مینامد از کوچکترین حرکات فاشیستی برای درهم شکستن روحیه مقاومت جویانه خلق کرد غافل نمی ماند. نمونه زبرگوشه ای از حرکات فاشیستی و جنایتکارانه ارتش در کردستان قهرمان میباشد. در شهر قهرمان "بانه" پس از ورود ارتش و کشتار خلق کرد و میمباران خانه ها، دختر قهرمان کردی با لباس پارهای ربه محل استقرار ارتش ضد خلقی آمده و فرمانده و احدا را میخواد. پس از دیدن او بمورتنش تف کرده و میگوید:

حمله فانتومهای جمهوری اسلامی به روستای "ههلوی" سردشت و شهادت ۵ زحمتکش

نه تنها خلق مبارز کرد را در ادامه راهشان منصرف نکرده است بلکه در ادامه مقاصد این خلق رزمنده را هر روز گسترده تر کرده است. اما می شهادت:

- ۱ - محمد ملارحمان (آب بسته) ۲۳ ساله - ۲ - فاطمه رسول عایشه خول ۴۵ ساله - ۳ - خدیجه دختر فاطمه ۴ - زنی بنام مریم ۶۰ ساله.

اسامی زخمیها:

- ۱ - یک مریم عثمانی ۲ زهرا خضری ۳ - سالار خضری ۴ - شهبان خضری ۵ - عایشه خضری ۶ - آمینه عبدالهی ۷ - فاطمه ملارحمان ۸ - گل محمدی ۹ - زهرا عثمانی.

در همین روز شهرک ربط خمیاره باران شد و در نتیجه ما بت خمیاره چند ساحتیمان غیر مسکونی آسیب دید و همین مزدوران رژیم روستا - های اطراف کانی گریزو "هورموزا و" (همز آباد) را خمیاره باران و توپ باران کردند.

(خبرنامه ۱۰۲ کولمه)

سردشت: ۵۹/۹/۲۸ - فانتومهای رژیم جمهوری اسلامی از ساعت ۱۰ صبح با ریدیکس روستای "ههلوی" را بمباراکت بستند. در اثر اصابت یک راکت به یک خانه مسکونی، یک مادر همراه دختر ۲۰ ساله و عروسش در دم شهیدت رسیدند، و دست و پای ۳ کودک خردسالشان قطع گردید. در این حملات کاک محمد ملارحمان (آب بسته) هوا - دار فعال کولمه نیز شهید شد و جمعا ۵ نفر شهید و ۹ نفر زخمی گردیدند و ۳ خانه بکلی ویران و ۵ خانه دیگر آسیب دیدند در روستای "وهه گیل" هم یک نفر بر اثر اصابت راکت فانتوم شهید شد. بیش از یکماست فانتومها و هلیکوپترهای رژیم جمهوری اسلامی روستاهای اطراف سردشت را بمباراقت می بندند و تاکنون چندین نفر را بشهادت رسانده و عده زیادی را زخمی کرده و دهها خانه را ویران کرده اند. این حملات خشم و نفرت زحمتکشان این منطقه را نسبت به رژیم جمهوری اسلامی افزایش داده و عزم آنها را در ادامه مقاصد را سختتر کرده است. جنایات رژیم

گرامی باد یاد رفیق شهید "مختار"

رفیق پیشمرگه شهید از سازمان چریکهای فدائی خلق (اقلمیت) در ۱۸ آذر ماه در روستای بهرام آباد مروان در درگیری با سپاه مزدور رزکاری بشهادت رسید.

رفیق مختار نیز چون دیگر شهیدان راه آزادی خلقهای ایران در قلب زحمتکشان مازنده است.



مبارزه انقلابی دانش آموزان در شهرک ولی عصر

روزیکنشبه ۱۴ دی برآشپا زه شدن متنسی از بهیکا رزحمتکشان (تشریبه رفقای هوا دارسا زمان در شهرک ولیعصر) در دبیرستان توحید، دانش آموزان بدفتر مدرسه رفته ونسبت به این عمل اعتراض میکنند. مدیر مدرسه با توهین به دانش آموزان، آنان را تهدید به اخراج مینماید و خبر اخراج ۴ تن از دانش آموزان انقلابی در مدرسه می بیجد. با سداران به حمایت از مسئولین مرتجع مدرسه در جلودر جمع میشوند و تا به ع ماه زندان برای تعدادی از دانش آموزان و تترساندن آنها اعلام میشود. اما دانش آموزان انقلابی بدون توجه به این تهدیدات و حضور سداران مزدور دست به افشاگری میریزند یکی از دانش آموزان فریاد میزند: "اینها در راه آزادی اخراج میشوند، شما را ارتجاع اخراج میکند، افتخار بر شما دانش آموزان انقلابی و...". سرود آزما ن که بنها دم سربهای آزادی فضای مدرسه را پر میکند و بدنبالش شعارهای "مرگ بر آمریکا، مرگ بر ارتجاع"، "دانش آموزان را حمایت میکنیم"، "فعالیت سیاسی شعار انقلابی، تعطیلی مدارس شعار ارتجاعی"، "زندانی سیاسی به همت توده ها آزاد باسد گردد"، "اخراج دانش آموزان رزحکوم است"، و فالانزهای انجمن اسلامی شعارهای "مرگ بر بهیکاری"، "عزا، عزا است امروز، روز عزاست امروز، بهیکاری بیچاره! ما حب عزاست امروز"، و "منافق، بهیکاری، پیوندتان مبارک را میدهند در روز شنبه ۱۶ دی بعد از زوروش مدیر شروع به صحبت کرده و به فحاشی به نیروهای انقلابی و بطور مشخص به بهیکاری می پردازد. دانش آموزان نیز میخواستند که صحبت کنند اما مدیر مرتجع این اجازت را نهمیدهد. دانش آموزان در مقابل این حرکت بد اخلاص ختمان رفته و حدود ۳۰۰ نفر از آنان جلوی دفتر مدرسه تحصن میکنند و شعارهای چون: "اخراج دانش آموز، توطئه ارتجاع، علیه زحمتکشان" و "اتحاد، مبارزه، پیروزی" را میدهند و سپس قطعنا مه خود را بدین شرح میخوانند:

- ۱- با زگشت اخراجیها
- ۲- ایجا دشورا های واقعی از نما بندگان دانش آموزان
- ۳- معرفی مسببین حمله به نما یثکا ه و سرقت بوسترها و کتا بها (نما یثکا ه مزبور متعلق به انجمن اسلامی بوده و آنها ادعا کرده اند که بهیکا را بها اینکا ررا کرده اند).
- ۴- اخراج افراد غیر مسئول از مدرسه روز چهارشنبه هم با تحصن دانش آموزان



میگذرد. در روز پنجشنبه با زهم با سداران جلوی مدرسه جمع شده سعی میکنند درگیری بوجود آورند. دانش آموزان با هوشیاری از اینکار جلوگیری کرده و در مدرسه متفرق میشوند و به بحث می پردازند و دانش آموزان اخراجی را با خود به سرکلاس میبرند. اما وقتیکه مسئولین مدرسه خواستار اخراج دانش آموزان اخراجی از کلاسها میشوند، دانش آموزان مقاومت کرده و بنا شعار "یا همه یا هیچکس" بازگلاسها میروند. میریزند. در مورد ادما تحصن دانش آموزان هوا دارما هدین بر خورد راست کرده و مطرح می کنند که اخراجیون برگ انتقالی بگیرند و بروند! و تحصن را بشکنیم. اما تحصن ادما پیدا میکند. در روز شنبه ۲۰ دی، از اولیاء دانش آموزان خواسته میشود که برای رسیدگی به مسئله به مدرسه بیایند. در جمع اولیاء مسئولین شروع به تبلیغات زهر آگین کرده و دانش آموزان را فاسدو... میخوانند. اما عده ای از مادران آگاه دانش آموزان به همراه خود دانش آموزان انقلابی دست به افشاگری آنان میزنند. مسئله دیگری که در این روز فاش میگردد، این بود که مدیر مدرسه خیال اخراج دوتن از معلمین مبارز را نیز در سر میپروراند که جرات اجرای آنرا پیدا نمی نماید. مقاومت دانش آموزان انقلابی در مقابل اخراج همچنان ادامه دارد و در جریان مبارزه عثمان راسخ ترمیشود.

آگاهی نایبوندکننده ارتجاع است!

**حزب توده خائن و
رویزیونیستهای "اکثریت"
بهمراه انجمن اسلامی
دانش آموزان مبارز را
شناسائی میکنند!**

دردبیرستان ایراندخت اراک، حزب توده خائن و رویزیونیستهای خائن اکثریت بهمراه

عوامل انجمن اسلامی دست در دست یکدیگر دسته های جاسوسی تشکیل داده و در مدرسه هرکس را که علیه حزب جمهوری اسلامی بحث کند و یا شعار نوشته و اعلامیه بخشد، بدفتر مدرسه معرفی میکنند. در پی خیانت این خائنین، دانش آموزان مبارزی که جاسوسان گزارش داده بودند هوا دار بهیکا را ست و چند دانش آموز دیگر به جرم هوا داری از ما هدین بدفتر مدرسه حاضر میشوند. مدیر مدرسه رویه دانش آموزان مبارز کرده و میگوید: "به ما اطلاع داده اند که تو کمونیست هستی! و بچه ها را علیه جمهوری اسلامی تحریک میکنی و بسیاری از دانش آموزان را جذب کرده - ای، اع! فاکن که چرا اینکار را انجام میدهی؟" دانش آموزان زردپا سخ میگویند: "اول شما بگوئید که چه کسانی این حرفها را به شما اطلاع داده اند و چه مدرکی دارید؟ هدفشان چیست؟" مدیر مدرسه میگوید: "ما خودمان ندیده ایم و میدانیم در ضمن نیروهای انقلابی (انجمن اسلامی و حزب توده) خائن و رویزیونیستهای اکثریت!، به ما خبر داده اند. "قاضی زاده رئیس آموزش و پرورش هم که در آنجا بوده در تکمیل حرف مدیر مدرسه میگوید: "هما نظور که اما مان گفته هدف ما پاکسازی ادارات از افراد ضد انقلابی است. شما ضد انقلابی و ضد آمریکا کمک میکنید و یا دشمنان را از مدرسه اخراج کرد. "دانش آموزان زردپا سخ میگویند: "این شما و همپا لکی ها بتان هستی که به نفع آمریکا کار میکنید، نه ما! شما دست به تفتیش عقاید میزنید، و جلوی فعالیت سیاسی انقلابیون را میگیرید، شما کمیته جی ها را برای دستگیری دانش آموزان انقلابی و ضد امپریالیست به مدرسه میفرستید، شما میخواهید جوخه فاش را به مدرسه حاکم کنید و تا زه ما آنها ضد انقلابی میزنید، ولی بدانید مبارزه انقلابی پایان نمیکرد. ما حتی از گلوله نیز باکی نداریم، نه شکنجه و نه زندان و نه فحش و کتک شما نمیتواند در مبارزه انقلابی ما تا ثیری داشته باشد." در همین موقع یکی از جاسوسان "اکثریت" که در دفتر بود رویه رئیس آموزش و پرورش کرده و میگوید: "من به شما گفتم که اینها چقدر شعار نویسی میکنند و بچه ها را علیه روحانیت مبارز تحریک میکنند. "بعد از این توضیح جاسوس اکثریتی، رئیس آموزش و پرورش حکم اخراج دانش آموزان انقلابی را امضاء میکند و دانش آموزان مبارز در ما هدین حکم اخراج را ریزریز کرده و میگوید: "ما اجازه نمیدهیم به همین سادگی حکم اخراج ما را بدید و منافع دانش آموزان انقلابی را قربانی منافع خودتان نکنید" بدنبال برخورد های انقلابی دانش آموزان دیگر و مقاومت یکپارچه شان توطئه مسئولین نقش بر آب شده و حکم اخراج لغو میگردد. پیروزی مبارزه دانش آموزان انقلابی!

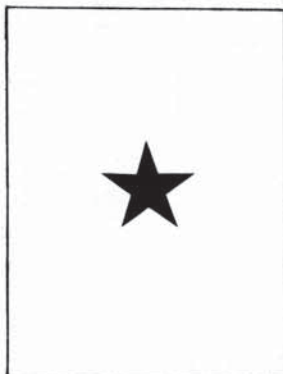
دانشجو، محصل، پیش بسوی پیوند با مردم زحمتکش!

گرامی باد یادرفقای شهید



محسن بطحانی

■ از اعضای علیی سازمان پذیرفتن مارکسیسم-لنینیسم و پیوستن به بخش منشعب س.م.خ.ا. ■ ادا مه مبارزه انقلابی در شاخه نظامی سازمان ■ دستگیری و تحمل شکنجه های طاقت فرسای ساواک ■ تیرباران در ۳ بهمن ۵۴ به همراه دیگر همزمانش .



محمد طاهر رحیمی

■ فعالیت در س.م.خ.ا. ■ با پذیرش مارکسیسم-لنینیسم به بخش منشعب سازمان مجاهدین خلق ایران پیوست ■ فعالیت انقلابی در شاخه نظامی سازمان ■ دستگیری در تابستان ۵۴ بر سر قرار با یک "سمیات" ■ تیرباران در ۳ بهمن ۵۴ پس از تحمل شکنجه های فراوان همراه با یاران همزمش



منیژه اشرف زاده کرمانی

■ اولین زن انقلابی ایرانی که به جوعه اعدام سپرده شد ■ در یک خانواده مرفه دنیا آمد ■ در دوران دانشجویی در "مدرسه عالی بازرگانی" بمبارزه پیوست ■ قراردادن تمام مکانات و توان در خدمت مبارزه انقلابی و سازمان مجاهدین خلق ایران ■ پذیرش مارکسیسم-لنینیسم و پیوستن به بخش منشعب س.م.خ.ا. ■ دستگیری در تابستان ۵۴ ■ پس از تحمل شکنجه های وحشیانه مزدوران ساواک در ۳ بهمن ۱۳۵۴ بدست مزدوران امپریالیسم در ایران تیرباران شد .



جواد چایچی عطری

■ فرزند انقلابی زحمتکشان ■ پیوستن به سازمان مجاهدین خلق ایران در سال ۵۲ ■ پذیرش مارکسیسم-لنینیسم در جریان تغییر و تحول درونی سازمان ■ ادا مه مبارزه انقلابی در بخش منشعب "س.م.خ.ا." و فعالیت خستگی ناپذیر در بخش ارتباطات سازمان ■ دستگیری در اول بهمن ۵۶ پس از گذشتن از مرز ترکیه، بدست مزدوران رژیم شاه ■ حفظ کلیه اطلاعات تشکیلاتی در زیر شکنجه های وحشیانه ساواک ■ شهادت زیر شکنجه

یادشان گرامی

و رزمشان با یاداری!

دانش آموزان با شعار "اتحاد، مبارزه، پیروزی" صفوف خود را فشرده تر کرده و مجدداً شعار میدهند: "زحمتکشان ایران، برمیخیزند فریاد، دیگر بیست است گران، دیگر بیست است بیکاری"، "کمکهای ارسالی برای آوارگان پرداخت بایدگردد"، "مسکن آوارگان تا مین بایدگردد"، "پس به خواندن قطعه نامه مشغول میشوند که با ردیگر چاقو در آن رژیم به صفوف آنها حمله میبرند در این حمله یکی از دانش آموزان دستگیر میگردد که بعداً او را آزاد میکنند.

پس از راهپیمایی دانش آموزان، عده ای حدود ۲۰ نفر با سدا روجا قدار در همان مسیر برای افتاد و شعار میدهند "مرگ بر بیکاری" و پس از لجن پراکنی و فحاشی نسبت به نیروهای انقلابی و کمونیست و بیوزها سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر، که با ابراز انزجار مردم روبرو میشوند محل را ترک میکنند و به این ترتیب راهپیمایی دانش آموزان با حمایت زحمتکشان مجلس سلیمان با موفقیت به پایان میرسد . به نقل از "خبرنا به جنگ" ۱۳ کمیته خوزستان

گردد" و به حمایت از معلمین انقلابی که اخراج شده اند، شعارهای زبرداده میشد: "دانش آموز انقلابی، معلم انقلابی، بیوندندان محکم بساد" "معلم خراجی انقلابی، بر سر کار سابق ابقا بایدگردد".

در مسیر راهپیمایی عده ای از زحمتکشان جنگزده مستقر در مجلس سلیمان به صف دانش آموزان پیوستند، راهپیمایان با خود پلاکاردهای حمل میکردند که بر روی آنها نوشته شده بود: "جنگ غیر عادلانه ایران و عراق جنگی است بر علیه خلقهای دو کشور"، "جنگ برای زحمتکشان دو کشور فقر و بدبختی همراه میاورد"، "رژیمهایی که خلقهای خود را سرکوب میکنند نمیتوانند در جنگی به نفع زحمتکشان خود، شرکت کنند"، "گشتا روسرکوب دانش آموزان و معلمان انقلابی را در شهرهای تهران، آمل و مسنی محکوم میکنیم" و...
راهپیمایان پس از طی مسافتی مورد هجوم چند تن از مزدوران رژیم قرار میگرفتند که با چاقو و قمه به صفوف دانش آموزان حمله نمودند

راهپیمایی دانش آموزان انقلابی مسجد سلیمان

رژیم زترس مبارزات دانش آموزان علیرغم اینکه مجلس سلیمان جزو مناطق جنگزده محسوب نمیکردد، اما زنده نداد است مدارس این شهر کار خود را شروع کنند، بدنبال اعتراضات چند هفته ای دانش آموزان انقلابی مجلس سلیمان نسبت به این مسئله و اجتماع آنان در روز چهارشنبه ۵۹/۱۰/۳ که با حمله گروهی از جماعت بدستان رژیم مواج گردید، در روز چهارشنبه ۵۹/۱۰/۱۰ حدود ۳۰۰ نفر از دانش آموزان دختر و پسر این شهردست به راهپیمایی زدند.
"دانش آموزان انقلابی در طول راهپیمایی شعار میدادند: دانش آموز میروم، ارتجاع، امپریالیسم میلرزد"، "با زکشی مدارس حق مسلم ماست"، "فرهنگ استعماری نابود باشد

زنده و جاوید باد یاد شهیدان خلق

۵۷ سال از خاموشی آموزگار کبیر و رهبر پرولتاریای جهان گذشت لنینیسم: یگانه پرچم رهائی بخش طبقه کارگر



"وراهت را می آموزم
را رهائی کارگران
ستمکشان
و تمام انسانها را
آزادگی انسانی آموزم
آزادگی انسانی
ای انسان آینده
که در گوی آزادیهاخته ای
آزادگی انسانی
که متقی است برای
انسان آزاده فردا
تا بسا موزد ترا
و در آغوش تولدی نو یابد
آن آینده ای که هر انسانی
خود و ولادیمیری است"
"سرتسوک"

دراول بهمن ۱۹۲۴
خبری دردناک ابتداء
شوروی و سپین سراسر جهان
را در نوردید، آموزگار
زحمتکشان چشم از جهان
فریست، داغی که مرگ
زودرش بر دل کارگران
جهان نهاد، وصف ناشدنی
است، میلیونها تن از
کارگران به خیابانها

ریختند و با پرچمهای سرخ، جشنی
گریبان در حالیکه سوگند میخورند، شاگردان جان
بر کف لنینیسم با شد، با رهبر جان و نه کارگران
وداع کردند، اما لنین و لنینیسم هرگز نسپرد
است، لنین و لنینیسم در نبرد بی امان طبقاتی
زحمتکشان جهان برای نابودی امپریالیسم و
ارتجاع و بنای استوار سوسیالیسم، جاودانه
شده است، در تمام عرصه های مبارزه طبقاتی،
قیامها و انقلابات بزرگ تاریخ او را میبینیم
که راه بسوی سوسیالیسم نشان میدهد آری:

"از لنین زنده تر، انسانی نیست
از لنینی که خود قدرت ما بود و
دانش ما"

و سلاح بی تردید نبرد ما
("لنین" ترا یا کوفسکی)

اما چرا؟ راجعاً وادانگی لنین و عشق بی
با با ن زحمتکشان جهان به او در چیست؟ چرا حتی
تا مثل لیزه براندا مبرما به داری جهانی می -
افکنند؟ چرا آنقدر عظیم است که دشمنانش،
روزیونیستهای خائن نیز برای ضربه زدن به
انقلاب و به لنینیسم، خود را شاگردا و مینامند؟

چرا مدتها هزار کمونیست در سراسر جهان هنگام
شیرانان فریاد میزنند، زنده باد انقلاب، زنده
با لنینیسم؟ چرا بیرونی را هفت راجعاً بس
خاطر مظلوعان را در بسیاری از کشورهایی
جهان میکشند؟ و چرا عظیمترین انقلابات جهان
بروهرتلاشی برای نابودی سرمایه داری ورهائی
زحمتکشان با نام او کرده خورده است؟

لنینیسم، مارکسیسم عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتری است

لنین درجه اول یکی از آموزگاران کبیر
پرولتاریای جهان است او اندیشه را با رسیده
طبقه کارگر در همه عرصه ها پیشنگاه بخشیده
است. در زمینه فلسفه و آنچه که مارکسیسم و
اسکلس در زمینه ما تریالیسم دیا لکتیک فرمولد
کرده بودند، غنا بخشید، اثر برجسته او "ما تریا -
لیسم و امپریالیسم" درباره ای کاری سبب
ایده آلینی که کوشش نمود خود را با چه سره ای
"علمی" میا را بد، بوده است. در زمینه اقتصاد،
لنین کتاب ارزشمند "امپریالیسم به مثابه
بالاترین مرحله سرمایه داری" را جهت توضیح

مشخصات و مختصات عصر امپریالیسم و انقلابات
پرولتری به تنگاتنگا در می آورد، او این دوران
را عصر کنشگری و اضلال سرمایه داری نامید،
فا نومیتهای متغی و آنرا با عصر پیشین
(سرمایه داری کلاسیک) نشان داد و آنگاه بیان
کرده که در بین امپریالیسم و سوسیالیسم دیگر
هیچ دورانی دیگری نمی تواند وجود داشته باشد
و به عبارت دیگر، عصر امپریالیسم و انقلابات
پرولتری بیکیگر جوش خورده است. در زمینه
جزء سوم، مارکسیسم یعنی سوسیالیسم علمی،
لنین، دستاوردهای عظیمی را برای زحمتکشان
جهان بسا دکا رکذا شده است او درک مارکستی
اردولت را غنا بخشید و بخصوص اندیشه
دیگما توری پرولتاریا را به مثابه یگانگه
الطوب سیادت پرولتاریا و نابودی سرمایه،
فرموله کرد، او انقلاب تهر امپریا به مثابه
تا لوده و با س مارکسیسم در زمینه برخورد به
دولتلهای ارتجاعی به اشیا رسانند، لنین
کبیر، امکان با سوسیالیسم در یک کشور
و نیز امکان احیای سرمایه داری در کشورهای
سوسیالیستی را بیان نمود و اولزوم لسطه
پرولتاریا برای انقلاب دمکراتیک را بعنوان
یک شرط بیرونی قطعی انقلاب دموکراتیک
عنوان نمود و در زمینه مبارزات خلقهای تحت
ستم جهان، تزهائی را هنگام پیش بردن
مبارزات ملی و مستعمراتی بیان نمود. در
زمینه حزب پرولتاریا، آنچنان ما مارکسیسم را غنا
بخشید، که فرمول او در زمینه، با حزب طبقه
کارگر، یگانگه ستاره را برای بیرونی طبقه
کارگر و تحقق کمونیسم است. لنین اندیشه ای
منجم در تمام عرصه های نبرد طبقاتی از خود
بسا دکا رکذا شد او مارکسیسم را بطور همه جانبه
ای در عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتری
سبب داده، پیش از پیش حکیم بخشید، بدون
لنینیسم، این مکتب و فز زنده خف ما مارکسیسم،
هرگز نمی توان طبقه کارگر را از ستم سرمایه
رهائی بخشید.

لنینیسم در مبارزه قاطع علیه اپورتونیسم قوام گرفته است

"بلشویسم در مبارزه با همه دشمنان داخلی
جنش کارگری رشد یافت، تحکیم بدبیرت
و آندیده شد؟ ولا بطور عمده در مبارزه بر
خدا پورتونیسم که در سال ۱۹۱۴ با لمرهینه
سرمال شوبنیسم بدل کردید و با لقطوع
تله پرولتاریا به پورتواری سیوست، این
جریبان با لقطوع دشمن عمده بلشویسم در
داخل جنش کارگری بود، این دشمن در
مقیاس بین المللی هم، همچنان دشمن
عمده ای می مانده است، بلشویسم نسبت به
این دشمن پیش از همه ترحم معطوف میداشت
و میدارد." (تا کیدا زما ست)

لنین قاطعانه بیان داشت مبارزه علیه
امپریالیسم بدون مبارزه با فرزند خرا مزادش

رویزونیسم مکان نا پذیر است، او بیان داشت که رویزونیسم "دشمن طبقاتی کارگران" و نفوذ بورژوازی در صفوف پرولناریاست، او قائل به آنست که بورژوازی ارتجاعی است، این دشمن خونی ما رکیسم که نتوانسته و نمی تواند کنسار و سرکوب بر ما رکیسم چیره شود با ما رکیسم ظاهر می شود تا بدینگونه از درون به آن ضربه بزند و بدینسان با سرشتین و برنشتانیم و با کائونیک و کائونیکس، با منشویکیا و دارو - دسته ارتجاعی و خاشاک انترناسیونال دوم (از ۱۹۱۴ بعد)، که خود را مارکسیست می نامیدند، در حالیکه دشمن ما رکیسم و طبقه کارگر بودند، پیروزی درخشان و عظیمی برای طبقه کارگر جهان است به کارگران جهان آموخت که چگونه رویزونیستها را بشناسند، آنها را رسوا سازند و به آنها بعنوان جزئی از اعمال امپریالیسم و سرمایه داری جهانی کینه بورژوازی و ضربات کتبی برای پورتونیسم راست و چپ، بر رویزونیسم و آنتا ریشم وارد آورد، لنین هم چنین ضربات کتبی بزرگ بر ما رکیسم، بر مائتات طلسمی و آنتی - جوشی با رویزونیسم وارد آورد، و نشان داد که مبارزه علیه رویزونیسم، نمی تواند بدون مبارزه علیه مائتت ریشم که میکوشد مانع از دردم کوبیده شدن رویزونیسم گردد نیست، او و ترنکی را در سالهای (۱۱ - ۱۹۰۸) که میکوشید مانع از رسوایی اپورتونیسم منشویکیا گردد و در جهت وحدت منشویکیا، بلشویکیا تلاش میوزیست - ندیدند مورد حمله قرار داد، او مائتت ریشم را که در انترناسیونال دوم میکوشیدند کمونیستها را با چوک (رویزونیسم) و وحدت بخشند رسوا ساخت لنین هرگز به رویزونیستها و نیز هیچ کرایش رویزونیستی رحم نکرد، هیچکس نمی توانست ادعا کند، لنینیت تا به آخر است، مگر آنکه قاطعانه با رویزونیسم و همه جلوه های اپورتونیسم مرزبندی شما بدو این دشمنان پرولناریا افتد سازد.

لنین: انسان کمونیست

لنین، این شورسین کمپروا بورژوازی کارگران جهان و این سازمانده و رهبر انقلابات پرولتری، نمونه کاملی از یک انسان کمونیست بود پیروان راستین راه لنین نه تنها با بیستی آموزشهای درخشان در درازمنیسه پیشبرد مبارزه طبقاتی بیا موزند و بکار برند، بلکه با بیستی کمونیست بودن را نیز از او بیا موزند، لنین عاشق زحمتکشان بود و این عشق بی پایان را در مبارزه اش با دشمنان رنگارنگ طبقه کارگران میدان داد، او به انقلاب عشق میوزید، او به تشکیلات کمونیستی عشق میوزید و در زبدها و تحلال طلبان را که میخواهند با بسن سلاح کبیر پرولناریا را بسازند، بسازد حملات شدیدی میگرفت، اما برای ایدئولوژی همواره بر تشکیلات مقدم بود و هرگاه که تشکیلاتی را برخلاف منافع پرولناریا میدید.

من ما روزه طاعنم آید، از اشعاب هم رویگردان نشود عشق او به تشکیلات، برای این بود که میدانست بدون یک حزب آنتیسن و سبب انطباق پرولتری پیروزی طبقه کارگر محال است، اما آنکه که میدید بختی از حزب را در حلقه مینمایا بدو پس از مبارزه با بدلولوژیک خود را تصحیح نمی کند، در طرفداری از لفظی درنگ نمی کرد، او به یوده ها ایمان داشت پس از شکست انقلاب ۱۹۰۵ و تنها چهار ماه استولینی، در زمانیکه بسیاری از انقلاب طلبان چپ و راست که آیدهاش میخواستند دوباره زده بودند، لنین تزلزل رویزونیستی وی ایمانی آنان را نسبت به یوده ها و انقلاب زبیر شلاق گرفت، او در پس کرا و اشعاب استولینی (اصطلاحی کسه در مورد جوسه های دار کمونیستها بکار میرفت) و در پس رکود و خموشی و اختناقی که امیرجا مفسه، تا کزیری انقلاب و خروش نه چندان دور طبقه

از منشویکیا بشتیانی نمود، کائونیکها اجازه چاپ به توضیحات لنین در مورد اشعاب را نداد روزا لوکرا مورک بر علیه او مفا له نوشت و بپیل وکلارا زانکین از منشویکیا دفاع کردند - بررکتترین کمونیستهای آن زمان در مقابل جنبه گرفتند، اما حق با لنین بود، ولی در مقابل زمانی که لنین در می یافت، امری اشتباه است بیدرنگ از آن انتقاد میکرد، لنین انتقاد و انتقاد را خود را بعنوان یک پرنسب اساسی و ضروری برای جنبش کمونیستی در مبارزه با بدلولوژیک قاطع بود، اما در مقابل دشمنان سر سخت و آنتی ناپذیر بود، اما در مقابل رفقاییش، کارگران و کمونیستها، فروتن و مهربان بود، او بصورتی و به پریان در ارتقا بلشویکیا میکوشید و رفیقاها را تحرافشان را رفع میکرد، او به رفقاییش عشق میوزید، رفیق سیلیا در خاشاک شریف میکند که لنین

● لنین انتقاد و انتقاد از خود را بعنوان یک پرنسب اساسی و ضروری برای جنبش کمونیستی در آورد . لنین در مبارزه با بدلولوژیک قاطع بود .

● تاریخ قرن بیستم نشان داده است پرافتخارترین انسانها لنینیت بود، اند . شوروی لنین و استالین، چین مائو، ویتنام هوشی مین، آلبانی گدشته و حال و مبارزات کمونیستها در سراسر جهان آنچنان جلوه درخشان و پرافتخاری را نشان میدهد، که هرگز خواهد گفت شاگرد لنین بودن، لنینیت بودن چه افتخاری بزرگی است .

چگونه برای رساندن او (که یک کمونیست معمولی بود و در حالیکه لنین رهبر حزب بود) به خانه اش با عتبه وقت تلف میکند در حالیکه او خود می توانست به خانه برود اما لنین بخاطر احترام او را همراهی میکرد (تاریخ بیست سال کارمخفی در روسیه) لنین فعال بود و پیشکار روانسروزی سرشاری داشت، او با تمام توان در خدمت پرولناریا قرار داشت، گاه میشد که روزهای بیابایی، حداکثر ۴ ساعت میخواست بیدگهی اوقات از شدت کار، بیمار میشد حتی پس از سوختن و اوسعی کرد فوراً از بیمارستان خارج شود و به کابیردازد، در حالیکه کاش هنوز خوب نشده بود، شوری کارگران پتروکرا، در این هنگام نامهای برای لنین نوشتند و در آن گفتند، حکومت شوروی، دیکتاتوری پرولناریاست و ما بنا م دیکتاتوری پرولناریا به رهبر و آموزگار خود دستور میدهم بخاطر حفظ سلامت که برای طبقه کارگران بسیار حائز اهمیت است یکما در مزمخمی و استراحت برداخته و به هیچوجه مجاز به شروع کار نیست .

هیچ افتخاری بالاتر از لنینیت بودن نیست

راه لنین، یگانه راهی است که به نا بسودی بر ما به داری و تحقق جامعه بی طبقه می انجامد لنینیتیم پرچم پرافتخار طبقه کارگران است، از زمان پیدایش ما رکیسم و بخصوص پس از اشعاب حقا نسبت ما رکیسم در انقلاب کبیرا کتبر، کسه

بقیه در صفحه ۱۳

توضیحی بر بیانیه رفقای پیکار خلق!

ما در شماره قبل اطلاعیه وحدت گروه انقلابیون ما رکیست - لنینست (پیکار خلق) با سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر را درج نمودیم. در ادامه مطلب قبل در اینجا "توضیحی بر بیانیه رفقای پیکار خلق" و نیز "بیانیه گروه انقلابیون ما رکیست لنینست" (پیکار خلق) را منتشر می نمایم:

از آنجا که وحدت رفقای پیکار خلق روند نسبتاً طولانی و پیچیده‌ای را طی نمود که آنرا از بسیاری دیگر از وحدت‌ها بی‌گانه‌تر از سرگذرانده ایم، متمماً می‌نمودیم، لازم است در اینجا آثار رای به نکات برجسته این وحدت بنماییم تا بعداً در جمع‌بندی کل وحدتها بی‌گانه‌تر از سرگذرانده ایم، این تجربه را نیز بصورت همه‌جانبه‌تری مورد بررسی قرار دهیم. در طی پروسه وحدت از یک طرف ما موظف بودیم که برای حفظ پتانسیل ایدئولوژیک سازمان از گرایش‌ها و راست‌روان‌ها و تا کید بردستارده‌های کنگره دوم و برهیزان هرگونه برخورد اشتباهی بر مواضع خود تا کید نموده و تلاش نماییم تا متوجه آن‌ها را از زمان افشای مصلحت‌جویی‌های مقطعی و ملاحظه‌کاری‌های پراگماتیستی ننموده و بر اصول اعتقادی - ما را قاطعانه نپایه‌های کنگره و از طرف دیگر علیرغم اینکه ما در برخورد به رفقای پیکار خلق در بسیاری از مسائل پایه‌ای وحدت داشتیم ولی اختلاف نظرانی نیز بین ما و رفقا وجود داشت که اتفاقاً به ما میل مورد تأکید ما بر می‌گشت توضیح اینکه طبیعتاً در دوران فعلی جنبش کمونیستی که دوران گذار از فعالیت‌های گروهی به فعالیت‌های حزبی، دوران پایه‌ریزی و بنا نهادن تشکیلات حزب کمونیست واقعی است، هرگونه دید و نظر اشتباهی می‌تواند به استحکام و آبدیگی پرولتری حزب آینده و استواری ایدئولوژیکی آن لطمه بزند، و از این نظر با آن اهمیت ویژه‌ای است دلیل اصلی طولانی شدن امر وحدت را نیز درنگه فوق باید جستجو نمود.

یکی از مهمترین مسائل مورد اختلاف تحلیل از پراکتیک گذشته رفقای پیکار خلق چه در خارج و چه در داخل و تحلیل از بحران درونی گروه بود از آنجا که به استنباط ما ریشه این بحران اساساً به یک گرایش راست و اگونیستی در رفقای پیکار خلق مربوط می‌شد، از آنجا که این اختلاف منحصراً به یک مقوله ایدئولوژیک که ویژگی اثر کم‌بها دادن و کم‌رنگ کردن عناصر ایدئولوژیک در تحلیل قضاای سیاسی و سازمانی بود، بر - می‌گشت این انحراف که عملکردهای مشخص و معینی در مسائل گروهی داشته‌است، ما را موظف مینمود که آن را بی‌گانه‌نگشته و یک مبارزه ایدئولوژیک رفیقانه‌ای را، با خواست طرفین چه از طریق کشی و چه مذاکرات حضوری و چه شرکت

در کنگره‌های رفقا پیش ببریم. این مبارزه ایدئولوژیک، در کنار مبارزه ایدئولوژیک درونی گروه منجر به نتایج دست - آورده‌های مثبتی شد که در بیانیه خود رفقا نیز منعکس شده‌است.

علیرغم اینکه ما موفق به حل اختلافات فی - ما بین مشخصی شدیم ولی در برخی مسائل جزئی اختلافاتی باقی ماند، اما اختلافات باقی مانده دیگر نمی‌توانست مانع وحدت باشد و در رابطه با مقتضیات و منافع همه‌جانبه‌آیی که وحدت جنبش کمونیستی را ضروری مینمود، نمی‌توانست مسئله‌ای بشمار آید. این اختلافات از طریق مبارزه ایدئولوژیک درونی نیز قابل بر خورد بودند.

اختلافات ما با رفقا در سه نکته خلاصه می‌شود **نکته اول:** رفقا در عین حال که مطرح میکنند، خرده‌پوروازی مرفه در شرایط فعلی در صفت ضد انقلاب قرار دارد، اعتقادشان بر اینست که در آینده مکان با زنگشت این فشرده‌صفت انقلاب، علیرغم تمامی نزلت‌ها و ناپایداریها پیش وجود دارد. منتقابلاً نظر ما همانطور که در نقلات ما به کنگره دوم مطرح گردیده، بر اینست که این فشرده از قیام به اینطرف، بطور استراتژیک در صفت ضد انقلاب قرار دارد.

نکته دوم: در مورد مسئله مورد مشاجره "سکتاریسم" یا "انحلال طلبی"، اختلافاتی در مورد ارزیابی از چگونگی این یا آن همکاری باقی مانده که به استنباط ما انعکاس بقایای دیدگاه اگونیستی و انحلال طلبانه در خود رفقا می‌باشد. شاید قبلاً برای بسیاری این مسئله که ما چرا بر روی مبارزه علیه دیدگاه‌های اشتباهی و انحلال طلبی با فشاری و تا کید مینمودیم، سؤال انگیز بوده لیکن اکنون حداقل تجربه جنبش کمونیستی این امر را ثابت نمود که با فشاری ما بر روی این مسئله منحصراً از یک حقانیت ایدئولوژیک بر - خوردار زبوده‌است. ما همچنان در شرایطی که جنبش کمونیستی ما دوره‌ی ریزی حزب طبقه کارگر را بنا مینهد، در دوره‌ای که فقط پاکیزگی ایدئولوژیک جنبش کمونیستی و قوام بخشیدن به مبنای ایدئولوژیک برای ایجاد حزب طبقه کارگر، از اهمیت عظیمی برخوردار است، بر این مسئله تأکید داشته و عمیقاً معتقدیم که - جریان‌هایی که بر این بافتاری ما تا سکتاریسم می‌گذاشتند، دچار اگونیسم، انحلال طلبی و دیدگاه‌های اشتباهی بوده‌هستند.

متأسفانه گرایش راست و اشتباهی در جنبش

کمونیستی بویژه در گذشته چنان قوی بود که در حالی که خود ما هم تا اندازه‌ای به این انحراف در غلبه دیدیم و در یک مقطع با قبول کنگره‌ای وحدت به حرکت اشتباهی تن دادیم و با "دانش - جویان مبارز" تا دوره‌ای دما زدیم، وقتی خواستیم با این انحراف مقابله جویی و مبارزه کنیم، بسیاری از گروه‌ها نام آنرا سکتاریسم گذاشتند!، و این البته با توجه به وجود دیدگاه‌های راست و انحلال طلبانه در جنبش کمونیستی اهری طبیعی بود.

به این ترتیب به استنباط ما اصطلاح سکتاریسم، در عین اینکه بیان انحلال اگونیستی، راست و انحلال طلبانه یک جریان موجود در جنبش کمونیستی را نشان میداد، در کنار درست‌روان‌ها را نیز از مقوله سکتاریسم را شمه می‌داد. این جریان هیچگاه به مضمون ایدئو - لوجیک این سکتاریسم که آیا ناشی از گرایش راست یا "چپ" است نزدیک نمی‌شود و در حالیکه ما دچار انحرافات راست‌روان‌ها و جمله در این زمینه دچار گرایش‌ها تا انحلال طلبی بودیم، این جریان "سکتاریسم" را که گرایش چپ‌روان‌ها است به ما نسبت میداد.

از آنجا که سکتاریسم خود عارضه نمودی است که عمدتاً از انحرافات ایدئولوژیک "چپ" نظیر تروتسکیسم، آنارشیسم، آنارکوسندیکالیسم نشات می‌گیرد، ظاهراً ما "چپ" بوده ایم. ولی واقعیت امر این بود که حتی خود ما هم علیرغم مرزبندی با دیدگاه‌های اشتباهی راست و مبارزه علیه آن دچار همین انحراف راست بودیم و در نظرات و برخوردها به آن رگه‌های انحراف با لا موجود بود. انحراف ما آنجا بود که قاطعاً طعنه‌روی - گیر تروتسکیسم را به انحرافی که به ایدئولوژی کم‌بها میداد برخورد ننمودیم. انحراف ما در اینجا نه از مقوله سکتاریسم بلکه از مقوله انحلال طلبانه بصورت گرایش ضعیف بود، در حالیکه به اعتبار وجود یک گرایش راست قوی در جنبش کمونیستی، این انحراف راست ما یک انحراف "چپ" بصورت سکتاریسم قلمداد می‌گردد!

با این توضیح روشن می‌شود که چرا ما تا آن اندازه برای مسئله تا کید داشته‌و در سکتاریسم معتقدیم برای پالایش ایدئولوژیک جنبش کمونیستی و قوام گرفتن با به‌ای ایدئولوژیک سیاسی حزب با بدترین پای فشرده‌های عقب - نشینی و سازش در این مورد روانداشت.

نکته سوم: مسئله بحران گروهی یکی دیگر از مسائل مورد اختلاف ما بود. ما در تحلیل بحران درونی گروه با دقت نظر به موجود در گروه مرزبندی داشتیم اول: نظریه‌ای که در یک مقطع، تمام بحران گروه را معلول انحراف حاکم بر آن می‌پنداشت و نقش وضعیت معینی و پوسته‌تنگ گروهی را - در ایجاد بحران در گروه نمیداد. بر این اساس مبارزه

پیش‌بوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

ایدئولوژیکش را جدا از جنبه انداز حرکت نکات مصلحتی و درست حرکت مستقل گروهی به پیش میبرد این نظر طبیعتاً از آنجا که نظارت بر حل همه جا نسیه مسائل گروه نداشت، در نهایت به انحلال طلبی و بن بست می رسید. بخشی از جاملین این نظر بعداً با نظریات فریاد می نمودند.

نظریه دوم: تزبیایان رسیدن دوران فعالیت گروهی را مطرح مینمود و این عامل را سبب بحران گروه بشمار می آورد، این نظریه نیز به نظریه ای اگنومستی و توجیه گرایانه بود و نقش انحراف را کاملاً بر گروه را در ایجاد بحران در نظر نمی گرفت. ما در عین حال کسه

وضعیت کل جنبش کمونیستی را بمناسبت به وضعیت عینی و بعنوان یک عامل عمده در مسائل و بحران گروه دیدیم. مبنای ما، مستحکم بر انحراف ایدئولوژیک کاملاً بر گروه نداشتیم و برای آن نقش تشدید کننده بحران قائل بودیم و معتقد بودیم که این دو عامل در تناقض متقابل خویش توضیح دهنده عوارض و بحران گروه بوده است.

در پایان تا کید بر این نکته را در اینجا لازم می آید که به شمر رسیدن این وحدت با آنکه به آن پایه های اساسی وحدت بوده است که در طی پراکنش مجموعاً انطباق خویش را نشان داده و نزدیک شدن دیدگاهها نیز به آنجا آن بوده است.

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
۵۹/۱۰/۱۶

اگر چه که به حال این دوگانه انحرافی درون گروه بر مواضع و عمل ما تا شریکها ده و میروشان خود را بر آن میگویند، اما گروه ما توانست علیه تمام نیروی تا جیمز در بسیاری موارد نقش مثبتی ایفا نماید "پیکار رخلی" ارکان گروه توانست چه در رابطه با انحرافات درون جنبش و چه در رابطه با تدوین و توضیح مواضع گروه و مسائل جنبش نقش مثبتی ایفا نماید و در مجموع با مرتب و ترتیب و سازمانی مارکسیست لنینیست در عرصه ما رزده طبقه کارگری را رساند.

اکنون میسر در این دینا لهری، خرده کاری و کمبها دادن به مبارزه ایدئولوژیک درونی یکی از مهمترین عارضه های ما تا لمد درون گروه بود که خود ناشی از دو عامل می باشد: الف - کرایشات ایدئولوژیک غیر پرولتری (حتی در برخی موارد غیر انقلابی) موجود در گروه که اساساً ناشی از مناسبات طبقاتی افراد تشکیل دهنده می باشد که البته در پراکنش گروه هم میسر نمی خوردند. ب - پوسته تنگ فعالیت گروهی که ما را عملاً از جنبش توده ها برکنار کرده می داشت و در مقابل وظایف گسترده ای که جنبش بطور واقعی مطرح می ساخت، عملاً دچار خرده کاری و بی برنامگی می شدیم بی برنامه ای درون گروه در زمینه جلب و سازماندهی کارگران و کم اهمیت دادن به مبارزه ایدئولوژیک درونی در طی مدتی از حیات گروه در داخل کشور (بصورت عدم نظارت بر چگونگی پیشرفت مسائل مورد بحث ذرون گروهی و قناعت به ارسال این یا آن نوشته و نظر)، موضع اشتقاقی به رسمتله دا نشجویان سباز و ترهسته های مختلط کمونیستی از هواداران و اعضای نیروهای مختلف کمونیستی در درون کارخانه ها، از دیگر جلوه های انحراف اگنومستی در درون گروه می باشد که بصورت مانعی جدی در جهت تحقق وظایف گروهی در قبال جنبش کارگری و توده ای در حد توان لازم می آید.

یکی از بارزترین جلوه های اگنومیسدر گروه ما، دیدگاهی بود که گمان می برد که فعالیت مستقل گروهی با فشار می نمود و حتی با شین آوردن این فعالیت تا سطح محفل و تا حد تعطیل فعالیتها یا خارجی گروه و از جمله ارگان و غیره مطالبه مینمود و به آنجا مختلف با برنامه گروه مبتنی بر متمرکز کردن تمام فعالیتها جهت تحقق وحدت مخالفت مینمود. این نظرگاه اگر چه هیچگاه نتوانست بر گروه کاملاً گم کرده، اما نتوانست پیرو و وحدت را تا اندازه ای بتعمیق بیندازد.

بدینصورت از یکسوا انحراف ایدئولوژیک بر عمل و فعالیت ما سبب افکنده بود و از سوی دیگر اشکالات و ضعفهای ناشی از چهره چوب تنگ فعالیت گروهی که عدم کفایت خود را در مقابل وظایف گسترش جنبش بیش از پیش نشان میداد، بطور همه جانبه ای ما را دچار خرده کاری و دنباله روی مینمود.

بیانیه
گروه انقلابیون
مارکسیست -
لنینیست
(پیکار خلق)



هنوز چند ماهی از فعالیت گروه نگذشته بود که اختلاف نظر بر روی مسئله شوروی ارتجاعی سبب جهان به مسئله اساسی درون گروه تبدیل گردید. این مبارزه درونی چندین ماه به طول انجامید و در این مدت دو نظرگاه و دو بینش انقلابی و ضد انقلابی در برابر یکدیگر ایستادند. اگر چه نخست بصورت اختلاف نظر در برخی مواضع متظاهر میگردیدند، اما بزودی بصورت دو نظریه درآمده دو نظریه ای که نمی توانستند در کنار هم همزیستی نمایند و حیات گروه در گرویک تصفیه سیاسی بود. تمام رهبری گروه با اتفاق اکثریت شکننده اعضا و هواداران گروه توانستند با موضوعی قاطع و بموقع به طرفداری از نظریه ارتجاعی برداشته و با تصفیه و اخراج چند عنصر انگشت شمار با کیزکی ایدئولوژیک گروه در این زمینه را حفظ نمایند (یکی از مهمترین و مثبت ترین عمل گروه که در این منته تا شیر آن فقط بخود گروه محدود نمیشد همین مبارزه و تصفیه سیاسی بود).

با انتقال گروه به داخل کشور دوره جدیدی از فعالیت گروه آغاز میگردید، دوره ای که بر اساس قرار گرفتن در متن مبارزات طبقاتی میتوانستیم به زودن برخی از انحرافات و اشتباهات ایدئولوژیک سیاسی درون گروه نشان دادیم. اما گروه در مجموع و بویژه رهبری آن نتوانست با مصلح نمودن خود به مشی و بینش پرولتری انحرافات عقیدتی و نظری خود را به انتقاد کشیده و بطور اساسی اصلاح نماید. اپورتونیسم راست این بار در قالب دو انحراف لیبرال و اگنومیسراسی ای گروه را فرا گرفته بود.

حیات متشکل گروه ما از اوائل ۱۳۵۶ بر زمین مبارزات دانشجویی خارج از کشور آغاز گردید.

گروه ما از همان بدو پیدایش با دو ضعف اساسی روبرو بود:

الف - عناصر تشکیل دهنده آن روشنفکرانی بودند که مارکسیست لنینیست را پذیرفته و لسی پراکنش آنها به عرصه جنبش دانشجویی محدود میگردید. برای اساس بود که استخوانبندی گروه غشته با یکسری کرایشات ایدئولوژیک - سیاسی غیر پرولتری شکل گرفت.

ب - از آنجا که گروه همان بدو شکل گیری در جهت قرار گرفتن در متن یک پراکنش انقلابی یعنی کار و سازماندهی در میان طبقات زحمتکش بطور عموم و طبقه کارگر بطور خاص حرکت نمی کرد، لذا ضعفها و انحرافات ایدئولوژیک حاصل از نکته اول با لاش نمی یافت و بر زمین مبارزات دمکراتیک دانشجویی محیط زیست مساعدی می یافت.

در ارتباط با دو عامل فوق گروه ما از همان بدو پیدایش در زیر سیطره یکسری ضعفها و انحرافات ایدئولوژیک قرار گرفت که بصورت انحرافات عمیقاً راست روانه هم در برابر نسیک گروه و هم در استنباطات و تئوریک و منی سیاسی گروه خود را به بارزترین نحوی نشان میداد.

انعکاس این اپورتونیسم راست در عمل عبارت بود از استنکاف از انتقال سریع گروه به ایران و رفتن در میان طبقه کارگر که اساسی ترین و طبقه کمونیستها را تشکیل میداد و غرق شدن در مبارزات دانشجویی خارج از کشور را انعکاس آن در عرصه منی و سیاست عبارت بود از تبلیغ الگو - و ارتشوری نیمه فئودال - نیمه مستعمره، تحلیل نادرست از ترکیب طبقاتی رژیم و ساخت جامعه و در این ارتباط مناسبات بین طبقات (مسئله بورژوازی لیبرال).

گروه از همان اوایل تشکیل بر ضرورت مبارزه ایدئولوژیک بعنوان حلقه مرکزی برای رسیدن به وحدت جنبش کمونیستی تکیه نموده و مبارزه با انحرافات موجود در جنبش خارجه و از جمله تئوری اختلاف که "تحادیه کمونیستهای ایران" مبلغ و حامی اصلی آن بود، برداشت



بودند برخی از رفقا شیکه با ما قادر به درک تا شرمناک این عوامل نبوده‌ام - ابتدا شنیدیم که کوبا با فلان یا بهمان برنا مریزی جزئی و با فلان و بهمان تغییرات تشکیلاتی، قادر به رفع این انحراف و زدودن تمامی بافتل اکثریت شکننده این کمبودها خواهد بود. گروه در مجموع بدین نتیجه رسید که چنین پنداری بیپایه است و چیزی جز خیال پردازی زبانی است. روشنگران نیست، زیرا آن دردناک‌ها را رنج می‌دهد و مانع تحقق وظایفمان می‌شود، پوسته تنگ گروهی است، پوسته‌ای که در تنگنای وظایفی که در پیش پای خود نهاد قرار دارد. ما با برنامریزی در جهت وضع درونی گروه زدودن این بافتل کمبود و کوشش در جهت خلاصی از انحراف اکتونومیستی بعنوان انحراف غالب در گروه، هیچگاه قادر نخواهیم گردید به چنان برنامهای دست یابیم که بتوانیم وظایف خود را در قبضه جنبش طبقه کارگر تحقق بخشیم زیرا پوسته تنگ گروهی مانع تحقق این وظایفمان می‌شود. ما بدین نتیجه مشخص رسیدیم که باید با تمام توان در جهت زدودن انحرافات و کمبودهای درون گروهی کوشا باشیم ولیکن ضروری است بین دو نوع انحراف تفاوت بگذاریم، انحرافیکه خاص گروه است، یعنی از اجزای تشکیل دهنده آن برمیخیزد و وظیفه در زدودنش داریم و وضعیها و کمبودهایی که ناشی از تضاد عینی بین وظایف گسترده جنبش و پوسته تنگ فعالیت گروهی که دیگر مختص گروه ما نیست بلکه میان به پایمان رسیدن یک دوره از حیات تکاملی جنبش کمونیستی میهنمان میباید بود برای ما برداری در راه - طرف ساختن این انحراف نیز میباید مبارزه ایدئولوژیک را برای تحقق امر و جدت تشدید نموده و پوسته تنگ گروهی خود را دریده و وحدت کنیم. پس وحدت بعنوان عالیترین وظیفه نه تنها در سطح تئوریک بلکه بعنوان عملی بلا واسطه در برابر ما قرار میگیرد و میبایستی به آن با سخی فوری و درخور میاندازیم.

جنبش کمونیستی میهن ما کماکان در برابر کندی تشکیلاتی که ناشی از تشتت ایدئولوژیک سیاسی میباید سر میبرد.

جنبش کمونیستی میهن ما اما با هنوز دارای بافت روشنفکری بوده و هنوز نتوانسته پیوند فشرده‌ای با مبارزات شده‌های زحمتکش برقرار سازد. جنبش کمونیستی میهن ما اما هنوز نتوانسته تئوری انقلاب ایران که حاصل پیوند حقیقت غامد مارکسیسم-لنینیسم با شرایط خاص ایران میباید شد را تدوین کند

جنبش کمونیستی میهن ما با بدبختیها ضعیفها فائق آمده و جزئی بلشویکی برپا شده کارآئی تئوریک، آبدیدگی در برابر تیک و پیوند فشرده با توده‌های وسیع مردم موجود آورد، حزبی که هم پیمشقا اول مبارزات سوسیالیستی پیروان را بوده و هم نیروی رهبری کننده در مسال مبارزات دیگران شیک و فدا مبریا لیستی خلقهای ایران

لنینیسم

باقیه از صفحه ۱۰

با زمانهای ورهیری آن را لنین کمبربر عهد داشت، هیچ ایدئولوژی درجهان قابل نیست مقابله با آن را ندارد. انقلاب کمبریا کمبر، صحت اندیشه دورا ساز، مارکس و لنین را بعین نشان داد. از آن پس هر چند که مبریا لیسم حملاتش را به لنینیسم افزایش داد، اما هرگز نتوانست، لنینیسم را بی اعتبار سازد. کمبر روبرو نیستیهای خروجفی، سوسال امبریا لیسم روس - بورژوا روبرو نیستیهای اقمار شوروی، اروکمونیستها و دارودسته‌های ارتجاعی چون حزب توده و فداشبان (اکثریت) که در اکثر کشورهای جهان به سیمایی غلبه مارکسیسمی - بردارند، همراهِ روبرو نیستیهای مرتده‌جهانی که دولت ضد خلقی چین، و دارودسته‌های ارتجاعی چون رنجبران که در کشورهای دیگر نیز هستند بزرگترین حملات را برای بی اعتبار سازدن لنینیسم آغاز کرده اند. آنها تحت پوشش مارکسیسم از عشقی که توده‌های آگاه جهان به لنینیسم دارند، میخوابند بر ضد طبقه کارگر و لنینیسم استفاده کنند همچنانکه خود لنین نیز این امر را در زمان زندگیش در برخورد روبرو نیستیها به مارکس شا هدیود، و میگفت: "در مورد آموزش مارکس اکنون همان رخ میدهند که در تاریخ با رها در مورد آموزشهای متفکرین انقلابی و پیشوا بآن طبقات ستمکش بهنگام مبارزه آنان در راه آزادی رخ داده است. طبقات ستمگر، انقلابیون بزرگ را در زمان حیاتشان همواره در معرض بیکرد قرار میدادند و آموزش آنها را با خصمی سیمانه، کینه‌ای بس دیوانه و روسیلی از آکا ذیب و افتراات کاکاملا گستاخانه، استقبال مینمودند پس از مرگ آنها، کوششهای بی عمل می‌آید تا بتشاهی بی زبانی از آنان بسا زندو آنها را به اصطلاح تقدیس کنند، شهرت معینی برای نام

آنها، بمنظور "سلی" طبقات ستمکش و تحمیق آنان قابل نبود در عین حال این آموزش انقلابی را از مضمون بی سارند، برندگی آنها را بل نمابند و خود ترا متذل کنند. در مورد یک جنبش "عمل آوردن" مارکسیسم، اکنون بورژوازی و بورژوئیستها داخل جنبش کارگری با یکدیگر همدا ساند. جنبه انقلابی این آموزش و روح انقلابی آنها فراموش میکنند و محسوس و تحریک می‌نمایند، به آن چیزی که برای بورژوازی پذیرا بوده و با بدبختی نظر میرسد، اهمیت درجه اول میدهند و آنها را تحمیل میکنند (دولت و انقلاب)

آری روبرو نیستیهای خاص خروجفی و سیمایی! لنین با لنینیسم چنین میکنند، اما لنینیسم نکست تا بدبخت است. تاریخ نشان داده است هیچ راهی صحیحتر از لنینیسم نیست تا رخ نشان داده است بر افتخار ربرین انسا نهال نیست بوده اند. شوروی لنین و سالیسین جین ما شو، و سیمایی مین، آلمانی گذشته حال و مبارزات کمونیستها در سارحان آنجمنان جلوه درخشان و بر افتخاری رانسان میدهند که کسی خواهد گفت تا کرد لنین بودن لنینیست بودن چه افتخار بزرگی است هر جا که تپردی علمه امبریا لیسم و ارتجاع است هر جا که هدف در کور کردن سرما به داری است فریب دزنده بساد لنینیسم بکا نه بر چهره‌های بخش طبقه کارگر بکوش میرسد، بزرگداشت لنین، این انسانی از سار جا معاً ینده فردای کمونیست بسا سوگند هر کمونیستی همرا ه است: که رفیق لنین، می - کوشیم تا کرد و فادار راه سرخ و خونین طبقه کارگری سیم، همان راهی که، نولین بزرگ به زحمتگان نشان داده‌ای. افتخار لبر لنین فرزند کمبر ما رکن و نکلس! افتخار لبر لنینیسم! افتخار ربر سیمایی لنینیستها تا رخ!

با شد، در غیر اینصورت راه برای هرگونه خطر تهدیدآمیز محدودی که جنبش آنگاه بسا بسنده میهنمان را بیکراه کشانده و آنها را به سازش و شکست دوبا ره منجر سازد، باز میماند، نبود ستاد رهبری کننده بیرونی را، کشانده شدن جنبش به زیر نفوذ روبرو نیستیها و همچنین خطر فریب طبقه کارگر، زحمتگان و نیروهای انقلابی غیر - پرولتری را بسوسله نارهبران دیگر دنبال دارد. هر روز شاهد تشدید موج نا رفا بیستی میباشیم جنگ نا عا دلانه کنونی اوج توانست در اینستاد موج اعترافات توده‌ها و تورا انقلابی مردم را منحرف نموده و برخی از نیروهای نا بیگرنش را بسوی مواضع انحرافی سوق دهد، اما ادامه جنگ و لطعات مصیبت بار ناشی از آن که بیش از همه برگردد زحمتگان سنگینی میکند، کم کم این توهم را از زمین برده و میبرد، عوام فریبیهای بورژوازی حاکم تحت‌الوای "دفاع از میهن" دیگر رنگ باخته و نمیتوانند ما نند روزهای اول شروع جنگ توده مردم را تحمیل کنند، اعترافات موج انقلابی، روبرو شدو اعتلا میباید، تفاد -

های درون جناحهای حاکمه نه تنها فروکش نکرده بلکه در زمان جنگ با زهم شدت یافته است، مسئله کروکاتنها و آزادی آنها در جهت تشدید و بستگی به امبریا لیسم نیز برده‌ها هر "فدا مبریا لیست" بودن رژیم مرتجع را با شن کشیده و توهم توده مردم را نسبت به این مسئله نیز گاهش داده است در مجموع فاکتورهای زیادی دلالت بر اوج گیری جنبش روبرو شده‌ها که موقتا تا حدودی فروکش کرده بود، میکنند، اما از سوی دیگر ما شاهد اوضاع نا مطلوب نیروهای کمونیستی میهن که با ایجاد حزب کمونیست با بیستی بکان رهبری کننده انقلاب آری را در دست داشته باشند، میباشیم واضح است که نیروهای کمونیستی با این وضعیت کنونی نه تنها با سخگوی رهبری و هدایت انقلاب آری نخواهند بود، بلکه حتی کارآئی هدایت ورهیری یک اعتما بر ساری را نداشته و با طره مین بر آکندگی قادر به ساختن سیمایی سارها ی کنونی جنبش توده‌ها نمیباید سارهم - اکنون نیز کماکان دچار خرده کاری، هرز دادن نیرو... میباید.

ادامه دارد

آرشیو استاد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

تظاهرات پرشکوه ۲۳ دیماه : مشت محکمی بردهان ارتجاع و نوکرانش



بیش از ۹ ماه است که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی درهای دانشگاهها این سنگرزادی را بسته است. رژیم، با بستن دانشگاهها در پی آن بود تا یکی از سنگرهای مبارزات انقلابی را درهم کوبیده و کمونیستها و انقلابیون را از این سنگر انقلاب محروم نماید. اما ارتجاع کوراست، او هرگز نمیتواند بفهمد که مبارزه طبقاتی خاموش شدنی نیست. امروز، سراسر جامعه ما را اعتراضات و مبارزات مردم فرا گرفته و دانشجویان کمونیست در پیوند نزدیک با توده های ستمدیده همچنان به مبارزات قهرمانانه خود ادامه میدهند.

لجن برآکنی ارتجاع و روزیونیستها علیه راهبیمائی کمونیستها

سازمان ما معتقد است در شرایطی که ارتجاع مذبحخانه میکوشد جامعه را در سکون نگاهدارد، وظیفه کمونیستهاست تا بیش از هر زمان دیگر با منتهجین توده های را بسط داده و پیوند دانشجویان کمونیست و انقلابی را با زحمتکشان مستحکمتر نماید. در همین ارتباط از چندین پیش سازمان ما اقدام به تائید انقلابی تظاهرات موضوعی نمود. هواداران سازمان ما همواره با سیاست مبارزاتی کمونیست برای گشودن سنگردانشگاه و افشای چهره کریه ارتجاع و ضد انقلاب فرهنگی او، در چهره رشتنه ۵۹/۱۰/۱۷، تظاهرات با شکوهی را در خباثینهای اطراف دانشگاه برپا نمودند. این تظاهرات که با فریاد "اتحاد، مبارزه، پیروزی"، "علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد دیکتاتور توده ها" و "آغازگردیده بود، چکمه پوشان مزدور رژیم جمهوری اسلامی را به لیزه در آورده، در چارچوب همین سیاست هواداران سازمان بهای برگزاری یک تظاهرات مشترک با مبارزین و دانشجویان کمونیست رفتند. در این رابطه سازمان دانشجویان و دانشآموزان همواره با همراهِ دانشجویان و دانشآموزان همواره در رزمندگان، دانشجویان پیشگامان و دانشجویان هواداران را که در گذشت روز ۲۳ دی، "روز بازگشت دانشگاه"، نمودند. میبایست با تظاهرات در این روزها شکوه به ارتجاع نشان داده میشد که کمونیستها راه اهداف جنبش خلق و جنبش انقلابی دانشجویان، هرگز از مبارزه دست نخواهند کشید. میبایست به ارتجاع نشان داده میشد که کمونیستها وفادار به آرمان انقلاب میباشند.

برپای تظاهرات جلوه گیری نماید. لیکن علیرغم کلیه اقدامات ضد انقلابی و تحریکات مرتجعانه، دهها هزار نفر از هواداران نیروهای کمونیست و انقلابی و مردم مبارز تهران در دست سربازان ارتجاع به علامت حمایت از بازگشتی دانشگاه جمع شدند. این تجمع مشت محکم دیگری بود بردهان رژیم مرتجع جمهوری اسلامی و نوکران پاسدا روزیونیستش.

در این هنگامها توجه به تمرکز نیروها و دشمن، راهکار گرد در کمیته ها هنگامی اعلام داشت که با بدلتورا هییمائی را اعلام نمود. اما رفقای ما و دیگر نیروهای کمیته ها هنگامی، این موضع تسلیم طلبانه را رد کرده و بر ضرورت برگزاری تظاهرات موضوعی با فشاری نمودند. آنان در مقابل عقب نشینی و حرکت عمیقاً راستروانسه راهکار را ایستادگی کرده و سپس با خروج راهکار را از کمیته ها هنگامی بر مقام و مت در برابر ارتجاع و افشای آن از طریق تظاهرات موضوعی تاکید کردند. بدنبال این تصمیم گیری راهکار - بیمائی در دو نقطه صورت گرفت.

شروع تظاهرات، حمایت مردم و وحشیگری پاسداران

هواداران سازمان ما و رزمندگان در ساعت ۴:۵۰ دقیقه در خیابان جمهوری - کارگرو رفته اقلیت از جلوی پارک دانشجو تظاهرات را شروع نمودند. لیکن بدلیل جو موجود و عدم اعلام علنی تغییر مکان تظاهرات، تنها بخشی از تظاهرات کنندگان (در حدود ۵۰۰ نفر) نتوانستند از محل برگزاری عبور و روشن شوند. بدین ترتیب بخش وسیعی از مردم مبارز تهران و هواداران نیروهای کمونیست که به محل آمده بودند با صفوف تظاهرات پیوسته و چهره ارتجاع را افشا کنند نتوانستند به صفوف تظاهرات پیوندند. بهرحال علیرغم کلیه تشنات رژیم مزدوران جیره خوار و نوکران روزیونیستش و علیرغم برخورد کاملاً غیر مسئولانه و تظاهرات شکنانه راهکارگر که با گرفتن مقوا و با بطور شفا هی راهبیمائی را لغو شده اعلام مینمودند، راهبیمائی موضوعی اصلی در خیابان جمهوری صورت گرفت راهبیمائی با دردست گرفتن پلاکاردها میبایست برخواست با زنگشائی دانشگاه و با شعارها میبایست "زندانی سیاسی، به همت توده ها آزاد با بدگسرد"، "دانشگاهها این سنگر انقلاب، به همت توده ها گشوده با بدگسرد"، "اتحاد، مبارزه، پیروزی" تعطیلی دانشگاه و توطئه ارتجاع، بنفع امپریالیسم علیه زحمتکشان، "سربکوب در دانشگاه، کشتار در کردستان، بنفع امپریالیسم، علیه زحمتکشان" و با مشت های گره کرده به تظاهرات پرداختند. بلافاصله ساعت ۴ بعد از ظهر حمله و با نشان کشید جمهوری اسلامی به صف تظاهرات کنندگان

در برابر این تعرض انقلابی بود که همه جناحهای ارتجاع، ارگانهای وابسته به آن و روزیونیستهای رنگارنگ نوکر صفت به لحن - برآکنی وسیعی علیه کمونیستها و بویژه سازمان ما دست زدند. آنان کوشیدند تا با تبلیغات موزورانه ما ننند: "دعوت گروه های مسلح مارکسیست برای اشغال دانشگاه"، "این تظاهرات بنفع آمریکا است" و غیره. اهداف کمونیستها را وارونه جلوه داده، بوخواست بازگشتی دانشگاه که خواست تمامی توده های آگاه کشور است را الوت نماید. لیکن علیرغم کلیه لحن پراکنش و خط - و نشانها، توده های وسیعی از مردم تهران به ندای کمونیستها پاسخ مثبت داده و در جلوسوی دانشگاه گرد آمدند.

رژیم جمهوری اسلامی که بشدت بهسراسر افتاده بود، از موضع استقبال کوشید تا با بسیج نیروهای پاسدار، بسیج و فالانز که همگی مسلح به زنجیر، چاقو، پنجه بوکس و چماق بودند به مقابله با تظاهرات بپردازد. در این ارتباط حزب توده خاش و فدائیان اکثریت خاش، به حمایت از دولت سرمایه داران به تبلیغات وسیعی علیه سازمان ما و سایر نیروهای کمونیست دست زده و به همکاری فعال با پاسداران مزدور پرداختند. نیروهای پاسدار و فالانز، که تعداد آنها به حدود ۲۰۰۰ نفر میرسد، محوطه جلوسوی دانشگاه را به اشغال خود در آورده و با رژه رفتن نماز خواندن و شعارهای ضد انقلابی کوشیدند از

دانشجوی مبارز، به یاری توده ها، سنگر خود را بگشا!

شروع شد. چندین بار حمله آنان توسط نظامیان کنتراکس دفع شد. در ساعت ۴ و ربع پاسداران کمیته منطقه ۹ در خیابان جمهوری متمرکز شده و عده زیادی از آنان در لباس شخصی شروع به حمله نمودند. در این هنگام پاسداران مزدور با ماشین های خود به صف نظامیان حمله کرده و به برتا با کازاک اورا قدام کردند. و در همان حال او با شان جمهوری اسلامی با پاره آجر، زنجیر، چاقو، پنجه بوکس به رفقای انقلابی حمله کرده و عده زیادی از آنان را زخمی نمودند. در برابر این وحشیگریها مردم به حمایت از نظامیان کنتراکس در بساتین آزادی و خانه ها را با زکدا شدند و برای خنثی کردن کازاک اورا، کاغذی آوردند آنها بدین ترتیب حمایت خود را از کمونیستها و خواست بحق آنان و نفرت خود را نسبت به رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی و مزدوران نش به نمایش می گذاشتند.

جنایت دد منشا نه پاسداران پوشیده نمی ماند

پاسداران در ادامه حملات دد منشا نه خود در تقاطع جمهوری - فلسطین به برتا با کازاک اورا و شلیک تیر هوایی پرداخته و در همین هنگام یک ماشین سپاه پاسداران در تعقیب نظامیان کنتراکس با سرعت بسیار در خیابان جمهوری حرکت می کند. این ماشین آنچنان سرعت داشت که از خیابان گذشته و به پیاپی ده روکشیده شده و در جلو با زار کاخ چند نفر را مورد ضربت خود قرار داده و حتی یکی از آنان را زیر میکوبد. این فرد جوان ۲۵ ساله ای بود که پای چپش در زیر چرخهای ماشین پاسداران له شده بود و از آن شدت خون میرفت. در همین موقع مردم ماشین را به عقب هل داده و او را از زیر چرخ ماشین بیرون کشیدند. بلافاصله افراد کمیته و پاسداران سر رسیده و اعلام کردند "در ماشین بمب است، کسی نزدیک نشود". آنها که میکوشیدند تا مردم را از این جنایت هولناک پاسداران با خبر نشوند، مردم را به عقب رانده و در همین هنگام مرا ننده ماشین که از پاسداران بود، نا پدید شده و پاسداران شروع به تخلیه ماشین نمودند. پاسداران مزدور برای پوشانیدن جنایت تروریستی خود عوام فریبانه داد میزدند که هیچ اتفاقی نیفتاده و ما شیمن "شخصی می باشد، آنها بلافاصله پلاک ماشین را کهنه و مسلسلی را که در داخل آن بود، خارج می کنند. اما مسئله روشن بود و این ماشین متعلق به مزدوران رژیم بود و مشخصات آن چنین بود: نورلت ایملای آمریکا، رنگ زیتونی،

پلاک - ۳۸۶۷۲ تهران - سن ۲۰ در آری رژیم خیانکار جمهوری اسلامی برای خاموش کردن صدای اعتراض دانشجویان انقلابی از هیچ جنایتی روگردان نیست. پاسداران در همان موقع کوماشین را تخلیه می کردند تا اقدام به دستگیری افرادی مینمودند که پاسداران را مجرم میدانستند. پاسداران میگفتند اینها

"نا بعهما ز" و "مذا انقلاب" هستند و بلافاصله آنان را در ماشینهای خود می انداختند و به کمیته می بردند.

در طی این نظامیها، پاسداران مرتجع ده ها تن از نظامیان کنتراکس را میکوبیدند و میکشیدند. دهها تن از آنان را مجروح نموده و خیال خود نظامیان را "سکوب" نمودند. اما سرکاری این نظامیان مبت محکمی بودیدها در رژیم حاکم و مزدوران کشیش سرکاری این نظامیان نشان دادند که کمونیستها از سلاحها پاسداران، جماعتی و زنجیر قلابها، عملیات تروریستی کمیته جی و از دستگیری و ضرب و شتم نمی هراسند کمونیستها با این نظامیان مبت محکمی نیز بردها و یاوه گویان رویونیست کوبیده و نشان دادند که همچنان و تا به آخر قدامت در ربه طبقه کارگر و انقلاب میباشند.

به مناسبت این راهپیمایی، توسط کمیته هماهنگی قطعه نامه ای صادر شده بود که متن کامل آنرا می آوریم. لازم به تذکر است که این قطعه نامه قبل از خروج راهکار گسترش شده بود و پس از خروج از کمیته هماهنگی اسم "راه" - کارگر" از زیر قطعه نامه حذف می گردد:

قطعه نامه مراسم ۲۳ دی

هم میهنان انقلابی، دانشجویان و دانش آموزان، کارگران و زحمتکشان!

امروز که در آستانه دومین سالگرد بازگشایی دانشگاهها بدست توده های زحمتکش هستیم، شش ماه تعطیل دانشگاهها توسط حکومت جمهوری اسلامی میگذرد و دانشگاهها عرصه تاخت و تاز ضد انقلاب قرار گرفته است. مبارزات انقلابی دانشجویان همراه با مبارزات توده های زحمتکش اوج بیشتری می یابد و یک بار دیگر نشان می دهد که نه سرکوب و کشتار و اوردیبهشت، نه تصفیه و اخراج ضد مردمی عناصر و نیروهای انقلابی از دانشگاهها و نه به تعطیل کشاندن این سنگرهای آزادی و آگاهی انقلابی، هیچکدام در به بند کشیدن جنبش انقلابی دانشجویان توفیقی نخواهند یافت.

اکنون یک بار دیگر جنبش دانشجویی در راه گسترش پیوند با جنبش کارگران و زحمتکشان کام بر میدارد و نشان میدهد که حکومت جمهوری اسلامی در تحقق بخشیدن به انگیزه های اساسی خود از سرکوب دانشجویان نا کام مانده است. حکومت که از میان آتشکار مدافعان از سرکوب دانشگاهها همواره وحشت داشته و دارد، نا بودی فرهنگ استعماری و انجام انقلاب فرهنگی را بهانه ای برای سرکوب جنبش بی توان دانشجویان قرار داده است اما کیست که از خود نبرد آبا کسانیکه در طول دو سال حاکمیتشان سیستم منحط و ارتجاعی آموزش و پرورش آریا مهری را برین

نبرده، بلکه آنرا ترمیم و با زاری کرده و به خدمت گرفته اند نمی توانستند ادعای نابودی فرهنگ استعماری را داشته باشند؟

آیا کسی که همان کتب بیوسیده و کهنه را با اندک تغییراتی در مراکز آموزشی، به آموزش کداشته اند نمیتوانند خواهان قطع فرهنگ استعماری در دانشگاهها باشند؟

نتیجه ماهها کار "ستاد انقلاب فرهنگی" و "جهاد ساندکی" بروشنی نشان میدهد که طرح های بی محتوا و سرهم بندی شده حاصل "بررسی و ارزیابی های مکتبی - علمی" فریبی بیش نیست.

اما امروز خطری نیز ما را تهدید میکند. آزادی - خواهان دروغین، بنی مدرولبرالها با انگاه به ورشکستگی سیاستهای حزب جمهوری اسلامی بر آنند که خود را بر مجدا رما رزه در راه بازگشایی دانشگاهها قلمداد کنند، اینان که به تریبیست

متخصص در خدمت به بازاری نظام سرمایه داری وابسته می اندیشند شک خواهند کوشید تا مبارزه انقلابی دانشجویان را منزوی و بی اعتبار سازند و خود نقش بر مجدا را ایفا کنند.

رشد هر چه بیشتر مبارزه انقلابی و افشای لیبرالها این است پاسخ ما به لیبرالها

بر بستن آنچه گفته شد امروز در این راهپیمایی ما با صدای بلند اعلام میکنیم:

۱ - حکومت جمهوری اسلامی دانشگاهها را تعطیل کرده است تا از گسترش پیوند جنبش دانشجویی با جنبش توده های جلوگیری نماید. وظیفه انقلابی و دانشجویی است که در افشای این نیت جمهوری اسلامی نقش ارزنده خویش را ایفا کند.

۲ - خواست برحق بازگشایی انقلابی دانشگاهها این خواست میلیونها توده زحمتکش با بد تحقیق باید است. آن چه تضمین عملی برای اجرای چنین خواستی است گسترش هر چه بیشتر مبارزه انقلابی دانشجویان و انگاه هر چه بیشتر توده ها

۳ - ما قطعاً نه انحلال "جهاد دانشگاهی" این وسیله سرکوب و تصفیه استادان و دانشجویان مترقی و انقلابی را خواستاریم. بی ریزی نظام آموزشی نوین نه بر عهده این ارکان ارتجاعی بلکه بر عهده توده دانشجویان و استادان است.

۴ - زندانیان سیاسی که در میان آنان دانشجویان این فرزندان مبارز خلق حضور چشمگیری دارند در معرض شکنجه و ترور و اعدام قرار دارند و اینهمه در حالی است که رژیم به ما دگی جاسوسان ضد خلقی و آمریکائی را آزاد میکند. ما با صدای بلند اعلام میکنیم تمام دانشجویان و دانشگاهیان مبارزی که در دفاع از دستاوردهای قیام به بند کشیده شده اند و تمامی زندانیان سیاسی انقلابی باید آزاد شوند.

۵ - تصفیه و اخراج عناصر انقلابی از دانشگاهها و مدارس و ادارات همچنان ادامه دارد. مقابله با این سیاست ضد انقلابی بر عهده دانشجویان انقلابی و توده های زحمتکش است.

۶ - در ضمن اعلام پیوند عمیق جنبش دانشجویی و جنبش

تصفیه در صفحه ۲۳

اخبار جنگ

از بکت کمکهای رژیم! به آوارگان،
کودکان جنگ زده در اهواز
مجبور به گدائی میشوند

اهواز ۵/۱۰/۵۹ عده‌ای از مردم در یکی از خیابانهای حصرآباد در دوردختر بچه ۲-۳ ساله‌ای که گریه میکرد جمع شده بودند و با صداهای مناسبتی صحبت میکردند. ابتدا تصور میکردیم که والدین خود را کم کرده، یکی از زنان رحمتکش محل کوبه کنان جنین میکت: "این طفلک با خانواده اش مثل بقیه جنگ زده‌ها از شهر به اینجا آمده و در مدرسه کلاس ۳ حصرآباد منبرل کرده‌اند. پدرش به خدمت رزمی می‌رود و مادرش خانه نشین را به اهواز برده و دولت را بر او است خیاره گشته میشود. خانواده آنها که نان آورخانه را درست میدهند به دلیل فقر شدید و نداشتن پوشاک و غذا ناچار شده‌اند که نان می‌فروشند و در کردک ناچار این طفل را به خیابان فرستاده‌اند تا گدائی کند و مردم مسئول جمع آوری کمک برای آنها هستند."

این صحنه عماد نکیر و صحنه‌های زیبا دنیای آوارگان است. برای ما هیبت مردمی از رژیم جمهوری اسلامی و تبلیغات عوام فریبانه این دروازه با کمک به آوارگان.

کودکان آوارها از بکت بیستم‌نوازیهای رژیم‌حاکمی مستعفی برای سیر کردن شکم خود و خانواده‌شان مجبورند دست نکندی بسوی مردم دراز کنند و رژیم و قیقا نه‌با نشان دادن صحنه‌های بیستم‌نوازی‌های رجاتی نخست وزیر مرتجع خود صحنه‌های شعوع آوارها زبده‌های "فرح خائن را تکرا می‌نماید.

به نقل از "قریبا آوارگان" ۱۰
(کمیته خورستان)

صیادان زحمتکش بیاری آوارگان جنگ شتافتند

در اثر جنگ نا عادلانه‌ای که رژیم فاشیستی بعث عراق و رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی بخاطر اهداف فئودالی و ارتجاعی بسوی علیه‌نوده‌های زحمتکش ایران و عراق بسراه انداخته‌اند، هزاران نفر از مردم زحمتکش آواره شده‌اند. مدتی است که حدود ۵۰۰۰۰ نفر از هم‌وطنان زحمتکش آواره به انزلی آواره شده‌اند در شرایط بدی بسر می‌برند. صیادان زحمتکش انزلی مبلغ ۲۵ هزار تومان جمع آوری نموده و با خریداری ۲۵۰ عدد چراغ و غیره بیاری آوارگان شتافتند و این درجالی است که

موظف می‌شود و رفوژ بسط به نظامی که برک محور حینت خوچ آرا هواز، در اختیار رندارند اکتدا خودداری نماید.

فرماندهی دژبان لنگر در اهواز
آری ایستک دیکر سلسلهات شهادت در راه پهن
و دفاع از رژیم جمهوری اسلامی، با افساد ن
نجات از چهره بلید سردمداران رژیم، انگری
ندارد و سزبان فهمیده اند که آنها و سربران
تقاضی تنها بخاطر سرما به داران دو کتورایان و
عراقی گشته‌ند و یکدیگر را می‌کشند و بهمن جهت
حاضر نیستند در این جنگ ارتجاعی شرکت کنند.
خلاصه‌شده از "خبرنامه جنگ" ۱۳
(کمیته خورستان)

منقضیان ۵۶ به کردستان نمیروند

تعداد ۸۰۰ نفر از منقضی خدمت‌های سال ۵۶ که در تاریخ ۵۹/۹/۲۹ بین اربک دوره‌ها نرسیده روز برای بخت آمدن بوده‌اند از رفتن به واحدهایی که سرکوب سارزات خلق کرده‌اند بعهده‌دارند مانند لنگر ۶۴ ارومیه و لنگر سنج و... سرایز میزنند فرماندهان مزدور برای جلوگیری از مقاومت جمعی آنان، آنان را بدسته‌های دوتا سه‌نفری تقسیم کرده و به پدگانهای مختلف میفرستند.

بدین ترتیب نوده‌های ارتش بندر بیج درخواهند یافت که نه تنها رژیم از آنها بسرای کشتار خلق کرده‌اند ستفا ده میکنند، بلکه در یک جنگ ارتجاعی با دولت ارتجاعی عراق نیز از آنها بعنوان گوشت دم‌نوب سرما به‌داران استفاده میکنند.

مسکن، حق مسلم آوارگان

اممال اولین بارانهای شدید زمستانی درحالی‌باریدن گرفت که بخش اعظم کارگران و زحمتکشان خورستانی، در آوارگی ناشی از جنگ بین دو رژیم ضد خلقی ایران و عراق بسر می‌برند. زحمتکشان جنگ زده همواره یکی از مهم‌ترین مشکلاتشان ندانشن مسکن مناسب بوده‌است آنان تا مدت‌ها مجبور بودند حتی در شهرهای سردسیری همچون بروجرد در کنار ربه‌ده‌ها بدون بالابوس و زیر اندازت را به صبح رسانند و با چوب آلونک‌هایی برای خود بسازند و دریا دریا با نه‌ای خورستان و... در برزند و در تمام این مدت رژیم‌نه‌شنها در راه‌ها تا مسکن برای آوارگان بقیه در صفحه ۲۶

زما مداران رژیم، بولنهای جمع شده برای آوارگان را به حینت می‌رسانند. بسیاری مالی صیادان زحمتکش با رد نگرا سبب انبساط زسارا اثبات میکنند که زحمتکشان جا میان و انجمنی نوده‌های زحمتکش در اینجا آوارگان جنگ زده می‌باشند. در دورنچ بوده‌های زحمتکش را تنها کارگران و دیکر زحمتکشان دژ که می‌کنند چرا که زندگی روزمره آنان بهم‌گردد خورده‌است و هم بسکی طبقای آنها ار همین نا می‌شود.
بمنقل از "ماد" از انتشارات "خوزه برلی"
۵۹/۱۰/۱۰ کمی تبسیرو

هدیه آوارگان جنگ زده یا غارت خانه‌های جنگ زدگان!

- در تاریخ ۵۹/۱۰/۱۳ با ساداری که از مرز شهر سرگشته بود به همراه خود تعداد زیادی بتوی خارجی، چند ضبط صوت، دو عدد قالی کران قیمت و تعدادی وسایل دیگر، آورده بود و میگفت که این وسایل را جنگ زدگانی که شهر را ترک کرده‌اند به او داده‌اند! جنگ زدگانی که سرسرفتن یک بتو هر روز با مزدوران سپاه درگیر میشوند و فلاکت و بدبختیهای جنگ را بیش از همه منحمل میکنند، چطور توانسته‌اند این وسایل را با خود آورده و تا زده‌ها به‌داران ارتجاع هدیه کنند! آیا این غیر از غارت خانه‌ها و زحمتکشان در جنوب می‌باشد؟ با این غیر از غارت وسایل ارسالی برای جنگ زده‌ها می‌باشد که مردم می‌فرستند؟ رژیم مزدوران آن یکدم از غارت مردم غافل نیستند، حتی غارت جنگ زدگان

فرار سربازان از جبهه دهن کجی به عوام فریبی‌های رژیم

اهواز در روز سه‌شنبه ۵۹/۱۰/۲ در شرکت مسافربری لوان نورا علامه‌ای در پشت تریه نظر مسافران وحشی عراق را جلب کرده بود. متن اعلامه چنین بود:
"فرماندهی دژبان لنگر در اهواز بسبب شرکت مسافربری لوان نور، موکدا اخطار میدهد چون عده‌ای از درجه‌داران و سربازان از جبهه جنگ خارج و دیکر با زعم کردند، لذا آن شرکت

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده‌های ایران و عراق

شهرک "امام خمینی" بدست دولت امام خمینی ویران شد!

گزارشی از تخریب آلودگیهای زحمتکشان در تهران پارس

"اینجا اصدا م حسین بهاران نگرده است شهرداری خراب کرده است"
سخن یک زحمتکش منتقل از کیهان ۲۲ دی



آلودگیهای بیش از ۱۵۰۰ خانوار را ویران می -
سازد. پس از آنما تخریب آلودگیها، اهالی محل
سندریح جمع شده و بطرف شهرداری حرکت میکنند
آنها در طول راه شعار میدادند: "جمهوری اسلامی
کا زخلات میکند، دولت مستمعان خانه خراب
میکند" در طول راه هیما بی رئیس یا سدااران
منطقه لباس شخصی افراد فعال را شنا سایی
کرده و پس از رسیدن زحمتکشان سی ممکن به شهر
- داری، به پاسدااران دستور دستگیری افسراد
شنا سایی شده را میدهد. آنروز زحمتکشان بی -
سکن در آن هجوم با سدااران متفرقی میشوند.
بیش از ۲۰ نفر از آنها دستگیر میشوند که بفرار از
۱۰- ۸ نفر، بقیه تاکنون در زندان بسر میبرند
دوستانه ۲۲/۱۰/۵۹: در اینروز حدود ۱۰۰۰ نفر
از زحمتکشان سی ممکن به طرف هفت حوض تا رمک
را هیما بی کرده و با شهردا ر منطقه صحبت نموده
و میگویند که چرا چنین ظلمی را در حق آنها کرده
- اند؟ شهردا ر همچون دیگر حیره خواران رژیم
طبق کوال همیشگی با وعده بوج و عوا مفریانه
آنها را دست بسر کرده و رسیدگی به تخریب خانه ها
را به ساعت ۹ صبح فردا موکول میکند.

سه شنبه ۲۲/۱۰/۵۹: در این روز زحمتکشان
خانه خراب شده از ساعت ۸ صبح در محل حاضر
شدند و عده زیادی از آلودگی نشینهای خاک سفید
نیز با این تصور که امروز اهالی شهرک خراب شده
"امام خمینی" قصدرا هیما بی دارند به کمک
آنها آمده بودند. مردم زحمتکش، از این اقدامات،
ضد مردمی رژیم شدت ابراز تنفر میکردند عده ای
میگفتند "با بد شهرداری و بولدوزرهاش را با
کوکتل مولوتف آتش بزیم" عده ای دیگر: "اگر
مقدور باشم می رویم کردستان و همراه کردها با
دولت می جنگیم" یکی از زحمتکشان میگفت:
"حدود ۲۰ ساله که کارگریم، اهل اردبیل، مستاجریم
در یک زیرزمین سمنک... اما مدارا روندارم را
فروختنم فرس، گوشواره و انگشتری زیم، ضبط -
صوت و همراهم را پس اندازم شده ۴۰ هزار تومان.
آجر و گل، فرغون، سیل و کلنگ خریدم و سه کارگر و
معما ریول دادم خودم و بچه ها هم اسر شدیم آب
بیا رو خاک بیا رو آجر بیا ر، خانه را تمام کرده
بودم فقط مانده بود در و پنجره که شهرداری همه
را خراب کرد حالا جواب زن و بچه مرا چطور بدهم؟"
دیگری میگفت: "ما دوسرا در زمین تازه از سر -
بازی آمده و در یک کارخانه کار میکنم وقتی از
سریازی آمدن ما مرد کردیم ما ۲ هزار تومان پول
تصمیم به ساختن آلودگی گرفتیم و شروع به فروش و
- فوله کردیم از دوست و آشنا، حدود ۱۵ هزار
تومان تا حالا خرج کرده ام لاقل دلم خوش بود
که صاحب خانه شده ام و زمین را هم می آرم خانه و
بواش بواش قرض را میدهم حالا چه کار باید کنیم؟
با این خرج کران بدکارم را چگونه بدهم،
فکر میکنم مسائل نتوانم زمین را بخانه سازم،

بقیه در صفحه ۲۲

هما نظور که ختم طبیعت میتوانند شهری را
ویران کنند و بولدوزهای رژیم جمهوری اسلامی
نیز میتواند شهری را با خاک یکسان کنند.
براستی که در نگاه اول به آلودگیهای زحمتکشان
بی خانمان شده تهران پارس، آدم چنین فکری -
کرده که در این گوشه ز تهران زلزله آمده است.
از حدود دو ماه پیش عده ای از زحمتکشان بی خانه
متوجه زمینی در محدوده تهران پارس شده و پس از
تقسیم آن بین خود و اختصاصی دادن قطعاتی از آن
برای حمام، مدرسه، مسجد، مصالح ساختمانی
خریده و شروع به ساختن آلودگیهای بی خود
میکند طبی این مدت پاسدااران و ماسورا ن
با رها این زحمتکشان را مورد آزار و اذیت قرار
داده و بصورتهای مختلف آنها را تهدید میکنند
به این عنوان که در این مکان خانه درست نکنید
حرام است و خلاف شرع و... اما در مقابل هر بار
بیورش پاسدااران، زحمتکشان بی ممکن بویژه
زنان آنها شدت مقاومت میکنند و مردان رژیم
پس از تیراندازی هوایی و... به عقب نشینی
مجبور میشوند.

روز یکشنبه ۲۲/۱۰/۵۹ عده زیادی سر بسازو
پاسدااران از ساعت ۵ صبح فلکه چهارم تهران پارس
تا دانشگاه کار را محاصره کرده و رفت و آمد بیابده
و سوارها را در دو طرف خیابان ممنوع میکنند. سر
- هر کوجه نیز عده ای پاسداور سباز ز مستقر شده
و از خروج مردم را خانه هایشان جلوگیری میکنند
از ساعت ۷/۵ صبح شروع به ویران کردن
آلودگیها میکنند. آنروز رژیم جمهوری اسلامی

هم تاکنون تنها در تهران هزاران نفر از
زحمتکشان ما در آلودگیها و بیغوله های کهنی -
توان اسم "محل زندگی" بر آنها گذاشت زندگی
میکند، رژیم جمهوری اسلامی که با بوق های
تبلیغاتی نیش در هر کوی و برزن از "حمایت از
مستضعفین" دم میزند بنا به ما هیت ضد خلقی
خود به تنها در حل مسئله ممکن برای ای -
زحمتکشان گامی بر نداشت، بلکه تلاش آنها را
برای یافتن سرپناهی برای خانواده های خود
شدت سرکوب کرده است. مبارزات زحمتکشان
بی ممکن بر علیه رژیمهای ضد خلقی سابقه
طولانی دارد. بعنوان نمونه مبارزات گسترده
آنها در سال ۵۶ را میتوان نام برد که در تار سب
مبارزات کارگران و زحمتکشان ما حای مهمی
را اشغال میکند، مبارزاتی که آغاز جنبش
شده ای شوی به قیام پیرنگوه بیمن ۵۷ انجامید (۱)
بی ممکن از جمله عوارض نظام فلالکت سبار
سرما به داری و بسته برای زحمتکشان ما است
نظامی که هم تاکنون رژیم جمهوری اسلامی حافظ
و پاسدااران میباشند. آنچه میخواهند گزارشی
است از ویران کردن آلودگیهای زحمتکشان
تهران پارس و مبارزات آنها بر علیه رژیم
جمهوری اسلامی، که توسط یکی از رفقای
ما تهیه شده است:

(۱) - رجوع شوی به کتاب "مبارزات زحمتکشان
خارج از محدوده" سال ۱۳۵۶ از انتشارات سازمان
پیکار در راه آزادی طبقه کارگر.

فان، مسکن، آزادی



بقیه از صفحه تجزیه طلبی ...

خلق کرد است یا خواست و اراده حزب دمکرات و دارودسته‌های ارتجاعی و استهزاکاری، نقشبندی، هتارا مادی‌ها؟ برای روشن شدن این مسئله اول باید ببینیم که این سیاست تجزیه - طلبانه که رنگ و لعاب "خودمختاری" و آزادی خلق کرد "بخودگرفته"، اولاً زیر پرچم ویا انکاء به منافع کدام طبقه بوده چه اهداف و خواسته‌هایی را دنبال میکند؟ تا نیا در روند خود چه زیان‌هایی برای جنبش مفاومت خلق کرد و در مجموع جنبش خلق‌های ایران بر علیه ارتجاع و امپریالیسم در بر خواهد داشت؟

تجزیه طلبی: ناسیونالیسم بورژوازی
بر علیه جنبش خلق کرد

ناسیونالیسم بورژوازی کردا دامنه و سرنوشت جنبش مفاومت را از دیدگاه تا میهن منافع تنگ نظران و ضد انقلابی بورژوازی آریایی میکند. این سیاست بنا به ماهیت بورژوازی خود در روند خود خواسته‌های برجست و عادلانه خلق کرد و کلیه دستاوردهای مبارزاتی آن را زیر پا گذاشته و جنبش خلق کرد را وحشه - المعامله سازش خود با رژیم‌های ارتجاعی برای برآوردن خواسته‌های محدود و حقیر خود قرار میدهد. اکنون جلوه‌ها رز چنین سیاستی، در کلیه حرکات و عملکردهای حزب دمکرات عیان شده است. سیاست تجزیه طلبی این حزب نتیجه ناگزیر سیاست‌های ضد انقلابی و سازشکارانه او میباشد. چه حزب دمکرات در طی دو سال جنبش مفاومت، وقتی بر سر کسب امتیازات محدود از رژیم جمهوری اسلامی، نتوانست بخاطر حدت و رشد مبارزه خلق کرد مبارز برسد، اکنون پرچم تجزیه طلبی را علم کرده و جنبش مفاومت را ابزار سازش خود با رژیم ارتجاعی و ضد خلقی عراق قرار داده است. شرکت حزب دمکرات در درگیری‌های مسلحانه خلق کرد بر علیه رژیم کامنیزم به این معنی نیست که او خواهان رفع ستم‌مندی - طبقاتی از خلق کرد میباشد، بلکه به این خاطر است که حزب دمکرات میخواهد از فشار بورژوازی حاکم بر خود کاسته و میدان وسیعتری جهت تأمین منافع طبقاتی بورژوازی کرد، فاشودالها و مالکین زمین‌های مناسبی جهت بیکه تازی در کردستان و تأمین منافع سلطه طلبانه خود کسب کند. چه تفا د این حزب با رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی از مقوله تشاذهای درون بورژوازی بوده و بهیچوجه از آن مضمونی برچورداری نیست که زحمتکشان ستمدیده کردستان را به نبرد مسلحانه با رژیم حاکم واداشته است. در حقیقت این ناسیونالیسم تنگ نظران حزب دمکرات است که ورا به تعارض با بورژوازی و دولست حاکم واداشته است، نه منافع و اساسی ترین

خواستهای توده‌های زحمتکشان خلق کرد. اما اینکه حزب دمکرات با تمایلات تجزیه طلبانه بورژوازی خود نتواند جنبش مفاومت خلق کرد را به انحراف کشیده و در سیطره قدرت خود قرار دهد، به کیفیت مبارزه طبقاتی در کردستان رند نیروهای انقلابی بویزه کمونیست‌ها و کسب رهبری جنبش خلق کرد توسط آنها بستگی دارد.

تجزیه طلبی: تخریب وحدت مبارزاتی
خلقه‌ها و شکست جنبش مفاومت

بدرستی دهها بار تا کید بر روی این مسئله ضروری است که بگوئیم پیوستگی جنبش مفاومت و جنبش خلق کرد در کردستان و همبستگی خلق کرد با خلق‌های سراسر ایران و پیروزی طبقه کارگر و زحمتکشان ایران در سرنگونی ارتجاع حاکم و کسب قدرت سیاسی است. لنین آموزگار کبیر زحمتکشان میگوید: "اگر بر انداختن ستمگری ملی در یک جامعه سرمایه‌داری امکان پذیر باشد، این فقط هنگامی است که در کشور نظام جمهوری دمکراتیک پیگیری، حکمفرما باشد." (قطعنامه در باره مسئله ملی).

نظام جمهوری دمکراتیک پیگیر نظامی است که تنها و تنها طبقه کارگر قدرت برپایی آنرا دارد. این واقعیت بمثابه اصلی است که باید همواره مورد توجه و تا کید سازمانهای انقلابی خلق کرد و بویزه کمونیست‌ها در هر گام از مبارزه شان قسرا رعایت، حال آری میتوان اعتقاد داشت که در شرایط حاکمیت رژیم ارتجاعی و ضد خلقی مثل رژیم جمهوری اسلامی، جنبش مفاومت خلق کرد بطور مجرد نمیتواند به پیروزی کامل و تأمین خود مختاری واقعی دست یابد؟ مسلماً خیر. اما این پاسخ هرگز نمیتواند نا فی ادا مه سرخشانه جنبش مفاومت و شرکت فعال کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی در آن گردد. اینکه جنبش مفاومت خلق کرد بطور مجرد از جنبش خلق‌های سراسر ایران نمیتواند به پیروزی کامل و تأمین خواسته‌های خلق کرد برسد به دو علت اساسی است:

الف - جنبش مفاومت خلق کرد اگر مجاز از مبارزه و حمایت طبقه کارگر و زحمتکشان و خلق‌های تحت ستم سراسر ایران ادا مه یابد، سرکوب آن برای بورژوازی بر ما تبا تترخواهد بود. ب - جنبش مفاومت خلق کرد جزئی از جنبش دموکراتیک - ضد امپریالیستی خلق‌های سراسر ایران بوده و مبارزه طبقاتی - ملی خلق کرد بخشی از مبارزات طبقاتی کارگران و زحمتکشان بر علیه ارتجاع و امپریالیسم میباشد. بنا بر این پیروزی انقلاب توده‌ها به رهبری طبقه کارگر بر علیه رژیم حاکم در برگیرنده پیروزی خلق کرد نیز میباشد.

در هر دو مورد فوق، ادا مه جنبش مفاومت مستلزم وحدت مبارزاتی خلق کرد با خلق‌های سراسر ایران و به تبع آن پیوند خلق کرد با کارگران و زحمتکشان سراسر ایران میباشد. آنچه که میتواند مانع از تلاش برای ایجاد چنین

وحدتی بین خلق‌های گشته و اتحاد طبقاتی کارگران و زحمتکشان ستمدیده ایران را تخریب کند تجزیه - طلبی بورژوازی - ناسیونالیستی است که در خدمت بورژوازی، مالکین و فئودالهای کردستان میباشد. به علاوه با توجه به مضمون این حرکت تجزیه - طلبانه و ماهیت طبقاتی رهبری آن، از یک طرف و عقب ماندگی مفرط اقتصادی کردستان از طرف دیگر، کردستان خواهنا خواه - به رژیم‌های مرتجع نظیر بعثت عراق وابسته خواهد شد.

به موازات اردوئی انقلابی تجزیه طلبی از طرف کمونیست‌ها، بورژوازی حاکم، رویزیو - نیست‌های خروشقی و سهجانی، مرتجعین و تمامی خائنین به خلق، در بر خورد به جنبش مفاومت همواره تلاش کرده و میکنند تا جنبش مفاومت خلق کرد را از مضمون انقلابی طبقاتی - ملی آن خالی کرده و با برچسب‌های نظیر "تجزیه - طلبی" و "عدا انقلابی"، کشتار زحمتکشان ستمدیده کردستان را عوام فریبانه توجیه کنند. دشمنان خلق کرد در هر رنگ و لباس - سادارای اهداف مشترکی هستند و آن سرکوب جنبش، تأمین منافع بورژوازی حاکم و حفظ با زارهای سرمایه - داران و تداوم استعمار زحمتکشان کردستان توسط بورژوازی، ارتجاع و امپریالیسم میباشد. بنابراین اطلاق "تجزیه طلبی" و... به خواسته‌های عادلانه خلق کرد از طرف بورژوازی حاکم ایران و نوکران آن امری عادی بوده و سیاستی است که دولتهای مرتجع سرمایه داری در طول تاریخ مبارزه طبقاتی همواره در قبال جنبش‌های ملی اتخاذ کرده اند.

سیاست کمونیست‌ها
در قبال تجزیه طلبی در کردستان

نیروهای کمونیستی در هر گام از حرکت خود با بدگرایش ضد انقلابی تجزیه طلبی را افشا کرده و به توده‌های خلق کرد توضیح دهند که تجزیه طلبی به معنای رهایی از انقیاد ستم‌مندی - طبقاتی امپریالیسم و ارتجاع نیست بلکه توطئه ایست که زحمتکشان کرد را در زیر سیوغ استعمار و ستم سرمایه داران، فاشودالها و مالکین بزرگ کردستان و ارتجاع و امپریالیسم نگه میدارد. کمونیست‌ها باید به زحمتکشان کردستان توضیح دهند، پیروزی جنبش مفاومت در سایه پیوند دادن آن با مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران و اتحاد آنها با طبقه کارگر و مبارزه حول برنا مه حد اقل طبقه کارگر حاصل میشود، نه در جادای و دوری آنها از زحمتکشان کرد با بدیدانندت‌ها و تنها رهبری طبقه کارگر و کمونیست‌ها برای انقلاب توده‌ها و حاکمیت آنهاست که حق تعیین سرنوشت را به ارمان خواهد آورد کمونیست‌ها وظیفه دارند ضمن افشای سازشکارانه و سیاست‌های ضد انقلابی بورژوازی ناسیونالیست کرد، زحمتکشان کردستان را به این حقیقت آگاهانما بپند که شرکت بورژوازی ناسیونالیست در جنبش نه برای تأمین اساسی ترین خواسته‌های

بقیه از صفحه ۱۸ تجزیه طلبی ...

خلق کرد بلکه در جهت منافع حقیروتنگ نظراته بورژوازی و ضد انقلابی خودش میباید. مبارزه کمونیستها با ناسیونالیسم بورژوازی و تجزیه طلبی هرگز بنا بدنا فی مبارزه آنها برضد رویزیونیستها و خائنین به خلق که آنها نیز تحت عنوان مبارزه با "تجزیه طلبی" به تخطئه مبارزات خلق مشغولند، نباشد. کمونیستها با بد تفاهت دیدگاه و موضع انقلابی خود را با موضع ضد خلقی و ارتجاعی رژیم ونوگران رویزیونیست آن در قبال تجزیه طلبی برای توده خلق کرد بشکافند آنها با بدبا شرکت فعال در جنبش مقاومت خلق کرد و جانشینی در راه آنها برای این خلق قهرمان نشاندند که میتواند آنها و تنهها حاکمیت طبقه کارگر است که میتواند آنها را بی خلقهای تحت ستم را تضمین نماید کمونیستها ضمن مبارزه و افشای پیگیری و قاطعانه ناسیونالیسم بورژوازی و تجزیه طلبی، با بد همواره این رهنمودها را به ناسیونالیست ها و ارتجاعی عملی تبلیغ و ترویج خود در کردستان و سایر استانها قرار دهند که: "نمای کاملاً حقوق ملتها، حقیقت ملتها در تعیین سرنوشت خویش بهم اختیارات کارگران کلیه ملتها اینست آن برنامهای که ما رکنیم به کارگران می آموزد"

(در باره حق ملل در تعیین سرنوشت خویش)



رژیمی که برخلاف ادعای "فدائیمیلیتاریستی" و برخلاف این ادعا که "حکومت مستضعفین" است به مبارزاتی نظام سرما به داری وابسته مشغول میباید، رژیم که انقلاب توده های زحمتکش ما را که انقلابی دموکراتیک و ضد امپریالیستی است با ناکامی روبرو ساخته است و با تمام قوا به سرکوب انقلابیون و کمونیستها سرگرم است، چاره ای ندارد جز اینکه کسانی مانند آقای پرورش را "عماره انقلاب ملت" و "نماینده مردم" و "قانونگذار" معرفی نماید. رژیم، رژیم "مبارزه با بد" را وابسته و ضد کارگران و زحمتکشان است با بد هم از کسانی مثل آقای پرورش کمک بگیرد. ما رژیم مال آقای پرورش است. قهر انقلابی توده ها با خشن را خواهد داد.

مرکب امپریالیسم و ارتجاع داخلی علیه لیسرا، علیه حزب جمهوری اسلامی زنده بسا دیکتاتور شده ها سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۵۹/۱۰/۱۷ ★ ★ ★

درک میکنند؟)

آقای پرورش نشریات انقلابی علیه شاه و آمریکا شش را که توده ها به در دست آوردند بودند از دیوار بر میدارند (ببینید آیا او خادم به رژیم شاه بوده یا به انقلاب توده ها؟)

پرورش میگوید مردم را علیه کمونیستها بشوراند و آنها را مغرض و سواد دهی معرفی می نماید. در صورتیکه برای مارکسیستها افتخاری بزرگ است که همیشه در صف توده ها، در رادیکالترین موضعگیری های سیاسی و خشنی کننده توطئه های سازشکاران میباشند، دشمنی آقای پرورش و امثال او نسبت به کمونیستها خود سندی حقیقی برای کمونیستهاست.

آقای پرورش برده فریب از چهره یک مکتبی دیگر، یک وزیر دولت رجائی (که او هم "زنسل ۱۷ شهریور هست) نیز بر میدارد. پرورش نامی از مهندس میر محمدما دق میبرد او هم اکنون وزیر کار است که فقط خائنانی مثل حزب توده می توانند از او حمایت کنند. (که کرده اند)

میر محمدما دق و پرورش برای خاموش کردن صدای توده های انقلابی توطئه میچینند و با چند نفر از روحانیون با "تیمسار رئیس ساواک" به جستجوی "راه حل" ترمیم میبندند. (واقعاً تنگ بر شما بادای همکاران ساواک و ای باران رژیم شاه! وای دشمنان مردم!)

برای سومین بار آقای پرورش بدخواست آیت الله خادمی عامل اخراج مردمان زحمت خادمی و شکستن تحمیل و اعتماد آنها میگردد. (آیا ملاحظه میکنید که آنکس که توده ها چگونه موجب پنا بردن آنها به خانه فریبکاران و دشمنان تقابلهای مثل آیت الله خادمی میشود؟)

آقای پرورش در بیان "غلط کردم ما به خود گویی با تکبیر و منکر و پرورش شده است تمام معتقدات خود را روی کاغذ میریزد. فقط یکماه بازداشت، این ست عنصران سازشکاران را چگونه معجز میاورد!

او با تمام وجودش به نظام شاهنشاهی که جزو لاینفک قانون اساسی است ارج میگذارد. (آیا متوجه شدید کسانی که سه سال پیش ارتقا کامل نظام شاهنشاهی و وابسته به امپریالیسم راجع سوال میبردند و در راه او از کونی آن مبارزه مرگ وزندگی می نمودند چرا امروز "امریکاشی" معرفی میشوند؟ آیا متوجه شدید چرا آیت الله خمینی کمونیستها و نیروهای انقلابی را همدست با او کیبا قلمداد می نماید؟)

آقای پرورش، این مکتبی دوا تشه، تا کبید میکند که در تمام گفته ها و نوشته هایش برخلاف "اصل و اصل فکر" (نظام شاهنشاهی) که می برن داشته است.

او و آقای خادمی "مقام منبع سلطنت و قانون اساسی را مورد تکیه مجدد قرار میدهد و "توفیقات" سرلشکران قاتل هزاران تن از مردم زحمتکش امفهان را خواستار میشود.

این مکتبی است نمونه خروار! بی جهت نیست که اسناد را بیپوسته می سوزانند!

بگیرند و راه حلی بیابند. با زمین این پیشنهاد را جلب دیدم و قرار شد که آقایان هاشمی و بدری در معیت آقای میر محمد (ما دق) با تیمسار محترم رئیس ساواک تماس بگیرند و دیگر نمی دانم نتیجه مذاکرات آنها چه شود و با رسوم روز جمعه بود که محرکان از منزل ایشان به من تلفن زدند که لازم است بیای و افراد را از منزل ایشان بیرون کنی و بلافاصله آقای طالقانی بمسکن تلفن زدند که افرادی در منزل آقای خادمی هستند که لازم است بروی با آنها صحبت کنی و آنها را از منزل آقای خادمی خارج نمایی زیرا من با جناب سرهنگ ... (ناخوانا) و جناب آقای دکتر ... (ناخوانا) فرمائید محترم تماس گرفته ام که آنها تا من داده اند که تا دوساعت دیگر از منزل آقای خادمی خارج شوند به جهت من بمرمت رفتن و خواهش و تمنا و بیان تا من آنها را خارج نمودم و خود خارج شدم و در بار هم بستم این بود ماجرائی که اتفاق افتاد و من به تمام مقدسات نقش خود را خدمت میبینم و نمی دانم چرا با لخبیریکها هست بازداشت شده ام. و او ما در مورد افکار میگذارد چند سطر هم قلم بزنم و آن اینک من با تمام وجودم به نظام شاهنشاهی که جزو لاینفک قانون اساسی است ارج می نهم و در تمام گفته ها و نوشته هایم برخلاف این اصل و این فکر گامی ننهادم. به جهت با ردیگر و فاداری خود را به مقام منبع سلطنت و قانون اساسی اعلام داشته و از خداوند بزرگ توفیقات آن مقام محترم را در راه تحقق آرمانهای حیاتی جا معا بران خواستارم.

با تقدیم احترام اکبر پرورش (امضا)

رونوشت جهت اطلاع و اقدام مقتضی نزد ریاست محترم دادگاه تجدید نظر ارسال میگردد.

"غلط کردم" تا به آقای پرورش، این مکتبی کهنه کار، بر است از نکات قابل توجه:

- او به سرلشکران جی، این جلاد خلق، خطاب میکند.

- او "خدمت به رژیم شاهنشاهی" را خدمت می شمارد و مبارزه علیه آنرا "خیانت" میدانند.

- او اعتراف میکند که از جمع و تحمیل مردم مبارز شدیدا اگر ادا شده است.

- آیت الله خادمی را هم ضامن افشا میکند و اظهار میدارد که ایشان از جمع مردم "ناراحت" بوده است. (آیا ملاحظه میکنید کسانی که قیام سیل آسای توده ها را از برکت نفس روحانیست میدانند چقدر فریبکار و دروغگو هستند؟)

- آقای پرورش میگوید که آیت الله خادمی، مبارزان و انقلابیون را مغرض و نشریات آنها را مضره قلمداد کرده است ولی از ترس مردم چرات نمیکرده برود و آنها را از روی دیوار بکند و با ره کند.

- آیت الله خادمی آدمی مثل پرورش را در بین مردم "دارای نفوذ انقلابی" میدانسته است. (آیا معنی انقلابی بودن این حضرات را خوب

پیروز باد جنگ خلق در السالوادور

مبارزات قهرمانانه خلق السالوادور در راه سرنگونی ارتجاع اوج بیسابقه‌ای گرفته است. این مبارزات مسلحانه در هفته‌های اخیر بسیار شدت یافته و رژیم نظامی وابسته به امپریالیسم آمریکا را در آستانه سقوط کامل قرار داده است. پس از سقوط دولت مزدور ژنرال "کارلوس هرمندس تورویرو" رهبر "حزب آشتی ملی" امپریالیسم آمریکا برای به انحراف کشتن نژاد جنبش توده‌ای، در ۱۵ اکتبر ۱۹۷۹ یک شورای دولتی مرکب از ۲ نظامی و ۳ غیرنظامی بر سر کار آورد. آمریکا کوشید تا با تحویب مزدوران خود و انجام برخی اصلاحات عوام‌فروشی به نام نژاد لفو حکومت نظامی تبلیغات بر روی حقوق بشر و دروغ‌پردازی درباره انتخابات و تقسیم زمین، جنبش توده‌ای را به تسلیم کشته و نیروهای انقلابی را سرکوب کند، اما جنبش انقلابی مردم السالوادور این توطئه‌ها را خنثی نموده و نظامیان مزدور را وادار نمود تا به هدف‌های واقعی خود اعتراف نمایند. بنحوی که یکی از ژنرال‌های حاکم مطرح ساخت: برای حل مشکلات السالوادور باید ۲۰۰ هزار نفر را در این کشور

از میان برد.

اما توده‌های خلق تسلیم نشدند. آنان که می‌بینند رژیم حاکم بطور همه‌جانبه از طرف امپریالیسم آمریکا حمایت می‌گیرد، آنان که میدانند مملکتی سرمایه‌دار و زمین‌دار وابسته، انحصار تولید و تجارت پنبه، کاکائو، شکر، روغن - خرما، فسفات، دامداری و قهوه که مهمترین صادرات السالوادور میباشند را در دست خود داشته و فقر و فلاکت توده‌ها را دامن می‌زنند، آنان که می‌بینند امپریالیسم آمریکا را خونخوارترین به‌شدیدترین وجه به‌غارت کشور دست زده و رژیم موجود را همچنان مسلح میکنند تا مبارزین راه آزادی و استقلال را بخون بکشند، آری توده‌هایی که این همه جور و ستم را می‌بینند نمیتوانند دست از مبارزه بکشند. آنان برخاسته اند تا رژیم تبهکار را سرنگون ساخته و قدرت توده‌ای را مستقر نمایند. آنان میدانند که راه توده‌ای بودی حکومت وابسته به امپریالیسم آمریکا فقط در طی یک مبارزه توده‌ای و مسلحانه امکان پذیر است. به همین خاطر در هفته‌گذشته انقلابیون مسلح، حملات نظامی خود را به شهرها گسترده ساخته و توده‌های خلق اعتماد به نفس سیاسی خود را بنحویسابقه‌ای افزایش داده‌اند. در حال حاضر دولت حاکم به حالت فلج درآمده است و برای بقای خود تقاضای کمک بیشتری از آمریکا می‌خواهد. خود تقاضای کمک در همان رابطه آمریکا قرار است ۲۰ میلیون دلار کمک نظامی به رژیم السالوادور بکند که از این مبلغ تا بحال ۵ میلیون دلار داده است. این وام جهت خرید سلاحهای جدید و ترور مرگبارتر



برای کشتار انقلابیون و توده‌های مبارز است. علاوه بر آن با توجه به احتمال سقوط فوری رژیم حاکم، محتمل است که آمریکا به دخالت نظامی دست بزند. امپریالیسم نیکی که منافع خود را در خطر جدی می‌بیند بیش از هر زمان دیگر در صدد برآمده است که بطور همه‌جانبه انقلاب توده‌های السالوادور را سرکوب نماید، اما انقلاب مردم بطور حتم ارتجاع حاکم و ربا با بنش را در زیر گامهای خود نماند و همدست

مبارزات دانش آموزان در افریقای جنوبی

در افریقای جنوبی (آزانیای همپای مبارزات مسلحانه انقلابیون آزانیایی، مبارزات کارگران و زحمتکشان و در هفته اخیر مبارزات گسترده دانش آموزان همچنان ادامه دارد. در این کشور بورژوازی سفیدپوست که اقلیت جمعیت یعنی ۴/۴ میلیون نفر را تشکیل میدهد ۱۸ میلیون سیاهپوست حکومت کرده و شدیدترین و وحشیانه‌ترین سیاستهای نژادی را علیه توده‌های زحمتکش سیاهپوست اعمال می‌نماید. یکی از موارد ریزان سیاست نژادی سیاست حاکم بر آموزش و پرورش این کشور است بعنوان نمونه مخارج تحصیل یک دانش آموز سفیدپوست در سال ۹۴۱ دلار میباشند، درحالیکه برای یک دانش آموز سیاهپوست ۹۳ دلار است در اعتراض به همین سیستم آموزشی استعماری است که در هفته قبل هزاران دانش آموز سیاهپوست دست به مبارزه و تظاهرات زدند. آنان خواستار لغو امتیازات نژادی در زمینه آموزش شده و همچنین آزادی رهبران دستگیر شده دانش آموزان را مطرح ساختند. در این مبارزه مدارس به تعطیلی کشیده شد و دانش آموزان انقلابی به خیابانها ریختند. پلیس فاشیستی با گاز اشک آور به مقابله برخاسته و عده زیادی را کشته، زخمی و دستگیر نمود. مبارزات دانش آموزان هم اکنون نیز ادامه دارد. این مبارزات گویه‌ای از مبارزات خلق آزانیای در جهت سرنگونی حکومت نژادپرستان و قطع نفوذ امپریالیسم میباشند. زنده باد انقلاب مسلحانه خلق آزانیای در راه دمکراسی و استقلال واقعی!

اعتصاب کارگران در فلسطین اشغال شده

در هفته گذشته ۵۰۰ کارگر فلسطینی صنایع نساجی اسرائیل دست به اعتصاب و تظاهرات زدند. کارگران فلسطینی که شدیداً تحت استثمار قرار دارند و تبعیضات نژادی بسیاری در مورد آنان اجرا میشود، دست به اعتصاب زدند تا دولت صهیونیستی را وادار به افزایش حقوق خود نمایند. علاوه بر کارکنان شرکت هواپیمایی "الغال" دست به اعتصاب زدند و خواستار افزایش حقوق خود شدند. این مبارزات یکبار دیگر نشان میدهد که در برابر دولت صهیونیستی اسرائیل و امپریالیسم آمریکا، توده‌های مبارز صهیونیست‌ها و زحمتکش فلسطینی دارای اشتراک منافع می‌باشند. رژیم ارتجاعی اسرائیل دشمن مشترکی است که باید توسط توده‌های فلسطینی و دیگر مبارزین راه آزادی سرنگون شود.

لهستان: بحران اقتصادی و سفر والسأبه واتیکان

درحالیکه بحران اقتصادی همچنان به وخامت میگراید، بحران سیاسی نیز بطرز شگفت‌انگیزی حدت مییابد. در حال حاضر لهستان ۲۴ میلیارد دلار بدهی به بانکداران امپریالیسم غرب بدهکار است و مهمتر آنکه سررسید ۱۲ میلیارد دلار از قروض لهستان در ۱۹۸۱ - ۱۹۸۲ میباشند. اما دولت رویزیونیستی لهستان فاقد توانایی لازم جهت پرداخت این سررسید بوده و به همین منظور تقاضای وام‌های جدیدی نموده است. به تازگی دولت ارتجاعی لهستان سه میلیارد دلار و اما از امپریالیسم آمریکا تقاضا کرده است. علاوه بر رویزیونیستها و مقامات میمینگ ۶۰۰ میلیون دلار از آلمان غربی و ۳۲۵ میلیون دلار از ایتالیا و مشترک اروپا درخواست نموده اند. گفته‌ها نشان میدهد بحران کشاورزی لهستان، دولت را بر آن داشته تا جهت دریافت ۵۴ میلیون دلار گوشت گاو، غلات و محصولات لبنی به قیمت ۱۰ درصد کمتر از نرخ روز بین‌المللی تقاضای به‌جا معافیت اقتصادی اروپا را بدهد. اگرچه اخیراً بانک دولتی "نارودنی" مسکو جهت دادن ۲۵ میلیون دلار وام به لهستان موافقت خود را اعلام کرده، ولی آنچه شواهد است اینست که بورژوازی لهستان با این وام‌های امپریالیستی نمیتواند خود را از بحران عمیق سرمایه‌داری حاکم بر کشور نجات دهد. بویسژه آنکه بحران مبارزاتی همچنان ادامه دارد. طبقه کارگر و دهقانان لهستان که شدیداً تحت فشار و استثمار قرار دارند، همچنان در راه خواست

های بحق خود مبارزه میکنند. اما متاسفانه از آنجا که فاقد یک رهبری کمونیستی میباشند نتوانسته اند مبارزات عادلانه خود را در جهت تحقق یک انقلاب به پیش ببرند.

در حال حاضر لیبرالها در رهبری جنبش کارگری دارای نفوذ زیادی میباشند. اینان میکوشند تا با سوار شدن بر جنبش کارگری به اهداف طبقاتی خود برسند و در واقع تمام تلاشها را برای سوزن زدن بورژوازی کرده و لیبرالها بنا به ما هیت خود هیچوجه طرفدار انقلاب و پیروزی طبقه کارگر لیسان نمیباشند. اینان طرفدار امپریالیسم غرب میباشند و چنانچه به تدرت برسند خود را هندکوشیدنا سلطه سوسیالیسم امپریالیسم را به نفع نزدیکی با جهان امپریالیستی غرب بیا بیا بخشند. سیاستهای "لش والسا" رهبر اتحادیه مستقل کارگری، در محدود کردن جنبش کارگری به خواستهای صغی - سیاسی بیانگراست که لیبرالها می گویند تا از ایجاد صف مستقل پرولتاریا و متکبری جنبش سوسیالیست انقلاب سوسیالیستی جلوگیری نموده و این جنبش را در جهت اهداف نیروهای بورژوازی غیر کامسوق دهند. فقدان آگاهیه سوسیالیستی در میان کارگران و نفوذ افکار مذهبی در میان

آنها (که این خود نشان دیگری از خباثت رویزیونیستهاست) خود زمینه مساعدی است تا لیبرالها و مخالف بورژوازی مخالف دولت نفوذ خود را اعمال نمایند و از رفاهیتی های بحق کارگران در جهت اهداف طبقاتی خود استغاده کنند. بدین ترتیب می بینیم که در مقابل کمونیستهای لیسانتی و کارگران آگاه وظایف سنگینی فرار دارند. آنان با بدبختی سوزنا - لیبرالها را افشا میکنند و طبقه کارگر را از زیر رهبری اینان بیرون می آورند. زیرا اینان از نظر ما هیت خود بر ضد پرولتاریا هستند و در حقیقت اینان متحدین "ورسای ها" و علییه کموناردها میباشند. "لش والسا" به واسطه و ملاحظات اوبسکاپ، این نماینده کلیفای جهان امپریالیستی، بیانگر این حقیقت روشن است.

آری "لش والسا" نزدیکتر جمع سفر میکنند که اخیرا به دفاع از امپریالیسم آمریکا، جنبشهای آزادیبخش و انقلابی آمریکای لاتین را محکوم کرده است.

اعتصاب ملوانان در انگلیس

روز دوشنبه ۲۲ دیماه ملوانان انگلیسی اعتصاب ۲۴ ساعته ای را آغاز کردند تا بین اعتصاب

بخش عظیمی از کشتیرانی انگلستان در قاره اروپا و ناوگان تجارتنی این کشور را فلج نمود اتحادیه کشتیران انگلیسی که فراخوان این اعتصاب را دادخواست ۱۶٪ افزایش دستمزد هفتگی یا به افزایش اضافه کاری کارکنان کشتی ها و بنا در کردید در حال حاضر دستمزد پانزده هفتگی ۶۴ پوند میباشند. بحران اقتصادی در انگلستان بیش از پیش محرومیت زندگی کارگران و توده های زحمتکش را افزایش داده و آنان را به مبارزه گسترده تری میکشاند.

اعتصاب گسترده دانشجویان فرانسه

۱۲۰۰۰ دانشجوی دانشگاه پاریس و هزاران دانشجو دانشگاههای استراسبورگ، لیون و تولوز در اعتصاب سراسری شرکت کردند. اعتصاب این دانشجویان در اعتراض به "فرم تحصیلی" دولت امپریالیستی فرانسه که تحصیل دانشگاهی و اشتغال پس از تحصیل را محدود مینماید بصورت گرفته است و دولت بحران زده فرانسه را با متکل دیگری روبرو ساخته است.

بودیا داداشت کرده و به شهرداری تحویل دادند تا شهرداری در مورد اینکجا آنها ما خب خانه هستند با خیر تحقیق کند. نمایندگان پس از مراجعه به شهرداری با این وعده که شنبه ۲۷/۱۰/۵۹ جواب داده خواهد شد (!) با رگشتند.

شاه مزدور به آنها نداشتن "جواز قانونی" و با نداشتن "پروانه کسب" خانه های زحمتکش را خراب کرده و آنان را به خاک و خون میکشاند رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی هم که در دفاع از سیستم سرمایه داری وابسته با جای پای رژیم شاه خاش گذاشته است خانه های زحمتکش را خارج از محدوده را به همان بهانه های شاهنشاهی بر سرشان خراب کرد

توده های زحمتکش در تحریکات روزمره خود هر چه بیشتر به ما هیت رژیم جمهوری اسلامی پی - میبرند و می بینند رژیم که در حرف دم از مستضعفین میزند و صد وعده میدهد، در عمل نه تنها از سر آوردن کوچکترین خواست توده های یعنی تهیه مسکن خودداری میکند بلکه در جایش هم که توده ها خود استین ها را بالا زده و سرینا هی میسازند، رژیم آنها را خراب میکند. اما رژیم جمهوری اسلامی نمیداند که با خراب کردن یک آجر از سرینا زحمتکش یک قدم خود را به قبرستان تاریخ نزدیک مینماید و دور نیست روزی که توده های زحمتکش با بولدوزر مبارزه و انقلاب زحمتکش را ساختمان برار و فریب رژیم جمهوری اسلامی را ویران سازند! نفرت بر - چنین رژیمی که دشمن توده های زحمتکش خلق ما میباشند!

ساعت ۱۲ ظهر که اهالی محل متفرق می شدند جوانی ضمن افتخاری برای مردم توضیح میداد که بریدن یک درخت نه چندانندانه آره بلکه با تمام دندانه های آره امکان پذیر است این جوان ضمن تاکید بر اتحاد زحمتکشانی - ممکن میگفت هیچ کاری از جمله گرفتن حق خود از دولت بدون زور انجام نمیکرد. سپس او در مقابل سؤال یکی از اهالی محل که پرسید چه کار میکنیم؟ گفت: "با بدهم با هم سیل و کلنگ و میله گردیدیم و به شهرداری حمله کنیم آنها را بیدخراستی که به ما بدبختها وارد کرده اند پس بدهند" همه اهالی حاضر در محل سخنان او را تأیید میکردند، همچنین یکی از جوانان محل میگفت: "تنها راه، راه زور است جناح لیبرال و جناح حزب جمهوری اسلامی همه دشمنان ما کارگران هستند" او ضمن اشاره به ما ختم نهایی بلند نظران پاریس میگفت: "چرا این دولت آن سا ختم آنها را خراب نمیکند ما زحمتکش و کارگران با بدبا زور حق خود را بگیریم."

اهالی زحمتکش محل بشدت خشمگین بوده و منتظر بودند که یک ماشین با سداران از آنجا بگذرد تا شکم سداران را پاره کنند، چند نفر از آنها نیز بشدت گریه میکردند.

روز چهارشنبه ۲۴/۱۰/۵۹: نمایندگان زحمتکشانی می ممکن به شهرداری مراجعه کردند تا تکلیف خود را روشن کنند آنها پس از بازگشت، اسامی آنها بی که آلودگی شان خراب شده

بقیه از صفحه ۱۷ شهرت...

برادر همزن ۲ بچه دارا و هم خیلی بدهکار است.

زحمتکش دیگری دیگران چنین همدردی می کرد: "والله برادر من زیاد خرج نگرفته بودم فقط دوسه هزار تومان آجر آورده بودم که همانطور سرجایش است ولی دلبرای دیگران میسوزد که عده ای از آنها حتی لباس زن خود را فروخته بودند تا سرینا هی درست کنند که شهرداری بدبخت - شان کرد."

زحمتکشانی بی مسکن تهران پارس آنسروز پس از مدتی صحبت سه نما بنده از بین خود انتخاب کرده و به شهرداری فرستادند یکی از نمایندگان مذکور پس از بازگشت گفت: "در شهر - داری به شهر بانی و پاسداران بی سیم زده و گفته اند که عده ای با چوب و چماق به شهرداری حمله خواهند کرد اما مقامات شهرداری وقتی با ما روبرو شدند خیلی خوشحال شدند و گفتند فردا ساعت ۸ صبح بیاید تا مذاکره کنیم." سپس این نماینده که آدم سازنگاری بود از زحمتکشانی می مسکن با خواهش و تمنا میخواست که راهیما بی ننگند سخنان نماینده مذکور را عکس العمل هیسای متفاوتی روبرو شد عده ای بد رستی بر راهیما بی تاکیدار شده و میگفتند: "ما هم مثل تاکسیرانان با بدبا راهیما بی حقمان را بگیریم." عده دیگر میگفتند: "برویم به جماران و حرفمان را بگوئیم اما امپریالیسم ما گروهی با سخ دادند، خود ما مستور داده تا اینجا را خراب کنند."



سخنی با رفقا!

رفقا! اوچکیری مجدد جنبش سوسیالیستی را در یکا لبره شدن مجاهدین، تندبختک سوسیالیست‌ها و حزب جمهوری... شرایط مسا عدی را برای گسترش تبلیغات و بسیج توده‌ها بوجود آورده است.

همه و باغ دالالت سیرکترش دم افزون جنبش بوده ای دارد، تا نیرو برد افکار بهایسترکشته است که این خود در نتیجه گسترش رژیم دریا سخوئی بدخواستهای توده‌ها و افزایش بارزایی آنان و فروریختن توهم آنها و همچنین افشاکریهای مکرر کمونیست‌ها و دیگر انقلابیون بددarkerه است. لیکن هما نظور که صفوف جنبش انقلابی سوسیالیستی فشرده ترکشته و رادیکال لیمم در حال گسترش است در همان حال خائنتی گسترش اکثریت فدائی، نیریه کمک ضد انقلاب شتافته و وظیفه جلوکیری از فروریختن توهم توده‌ها را بعهد ه گرفته است. این نوکران بورژوازی که بیش از خود بورژوازی کم‌همت به حفظ نظم ضد انقلابی موجود بسته اند، از آنجا که قشر روشنفکران بورژوازی محسوب میگردند، بمراتب از نظر ذهنی بیشتر از خود جا کمیت در بخش سوم ایدئولوژیک ضد انقلابی نقش ایفا میکنند، این دشمنان جنبش کمونیستی و جنبش خلق بایوستن به رویزیونیستهای توده ای حکومت را دمسی تازه نفس تر کرده اند. اینان اکنون با توجه به پایگاه اجتماعی که در بخشهای از روشنفکران و اقشار خرده بورژوازی دارند و سبباً دست به تبلیغات ضد انقلابی برای دفاع از جا کمیت و منفرد نمودن انقلابیون و کمونیستهای زده اند در این میان لبه تیز حمله خود را متوجه مجاهدین خلق نموده اند، چه آنها با ممانات جوئی که در قبال لبرالها دارند، نقطه ضعفی بدست آنان داده اند تا بتوانند به ننگای آن مجاهدین را مورد حمله ضد انقلابی خود قرار دهند در عین حال نقش موثر مجاهدین در جنبش خلق، دلیل دیگری است که رویزیونیست‌ها راه هجوم علیه مجاهدین واداشته است.

رویزیونیست‌ها میداند که اگر بتوانند با استفاده از این بیکیریهای مجاهدین، اینان را به صف ضد انقلاب بکشانند (که نمیتوانند) آنکاه با توجه به نفوذ وسیع مجاهدین در درون جنبش خلق، عظیم ترین ضربات را به جنبش وارد آورده اند! در چنین شرایطی وظیفه کلیه رفقا است که در بحث‌های درگیری بین دوستان مجاهدین و رویزیونیست‌ها فعالانه شرکت کرده و اولاً به دفاع از مجاهدین بپردازند تا نیار رویزیونیست‌ها را تماماً قدرت افشا نمائند تا بتوانند لگنها را بیات لبرالی مجاهدین را نیز توضیح داده و دمومکراتیسم دوستان مجاهدین را ارتقا داده و دست آخربا افشای ماهیت هر دو جناح ضد انقلاب حکومت ضرورت طرح آلترناتیو انقلابی بطور اعموم و آلترناتیو کمونیستی، بطور اخص را توضیح دهند و ارسا ست بیکیری کمونیستی دفاع نمائند! بیروزیانند!



عده ای از رفقا ضمن ارسال نامه به قطع خبرنا مه جنگ اعتراض نموده اند و سوا آوردن نمونه‌های از نشانی در کارخان و... خواستار توضیح علل قطع خبرنا مه شده اند. آنکاه از ما خواسته اند هر نمودی در این باره آما بدیم. رفقا! هما نظور که قبلاً نیز توضیح دادیم، اکنون پس از گذشت سه ماه از جنگ، با برآمدن اوچکیری مجدد مبارزه طبقاتی، جنگ برای توده‌های میهنمان به مسئله ای فرعی تبدیل شده است. از اینرو ما که با حساسیت جنگ و محور گشتن این مسئله در نزد توده‌ها در آغاز جنگ رویرو بودیم، بنا بر وظیفه کمونیستی خود گسترش هر چه بیشتر تبلیغ و ترویج علیه جنگ ارتجاعی را برعهده داشتیم و انشا را خبرنا مه مرکزی جنگ نیز در این رابطه بود. در عین حال ما با توجه به اوچکیری مجدد مبارزه طبقاتی میبایست صفحات بیشتری را به مسائل سیاسی و مبارزه طبقاتی اختصاص می دادیم. از اینرو نظریه اینکه خبرنا مه جنگ خورستان بطور مرتب انتشار می یابد، نصدای آوارها از انتشارات کمیته افغان و فرساد آوارگان از انتشارات کمیته خورستان نیز منتشر میشود، تصمیم گرفتیم انتشار نشریه مرکزی خبرنا مه جنگ را متوقف کرده و تنها ۲ صفحه از یکا را به انعکاس مسئله جنگ و بویژه آوارگان اختصاص دهیم. این از توضیح علل قطع خبرنا مه و اما در مورد انتشار و هر نمودی که در باره جنگ تکی افشای جنگ کنونی و مبارزات مردم خواسته بودید بایادیکوئیم: اولاً خبرنا مه جنگ خورستان و فریاد آوارگان را نمیتوانند تکثیر نمائند و در منطقه خود بیخ نماشید. ثانیاً حتی فشرده اخبار جنگ که در خود یکا درج میگردد، قابل تکثیر است از اینرو نمیتوانند ۲ صفحه از اخبار جنگ یکا را تکثیر کرده و سبمیزان وسیع بخش کنند. بیروزیانند!

رفقا و دانشجویان هوا دار در خارج کشور: کزارشی که از مبارزات دانشجویی و توده ای در یونان تهیه کرده بودید چندی پیش رسید. مناسفاً نه چون وقت آن گذشته بود موفق به چاپ آن نشدیم. در شرایطی که امکان ارسال سریع اخبار و گزارشات بداخل کشور نیا شد، ترجمه با کزارش‌ها ئی را بفرستد که به مناسبت خاصی مربوط نیا شد و در صورت دیر رسیدن نیز قابل چاپ نیا شد.

با درودهای کمونیستی رفیق مسعود الف، دو کزارش مربوط به مبارزات کارگران جنوب را که فرستاده سودی رسید، با درودهای گرم منتظر کزارشهای دیگر شما هستیم.

رفقای دیگری که برامان نامه ارسال کرده اند نامرا از هوا زح، یکا از شهر ری - ت، الف از شیراز - ع، مکانیک جاده‌ها و - ه، شرق تهران - یک هسته کارگری از کمیته شرق تهران - ج، الف - دانش آموزی از شیراز - خلیل کارگر شراشکار - کا زگر - م از قزوین - رضا - د - رفقای افغان - ع، بیشرکه - Ms - ک، الف از شیراز - الف بنا از رشت - م، ب - مهناز

رفقا، اعضا و هواداران!

از آنجا که مدت‌هاست سعی داشته ایم برای آرم سازمان و همچنین عنوان نشریه یکا را آرم مناسبی تهیه کنیم در این رابطه رفقا تا کنون ایده‌ها و طرح‌های مختلفی ارائه نموده اند، ولی در مجموع این طرح‌ها نظور که با بدمزاسع سازمان را منعکس نمیکند، لذا از رفقا خواهیم هر چه زودتر طرح‌ها و ایده‌ها ئی را در مورد تهیه آرم سازمان و همچنین عنوان نشریه برای ما بفرستند.

موفق باشید

بقیه از صفحه ۱۵ تظاهرات...

دانش آموزی سرکوب مبارزات انقلابی دانش آموزان را از سوی رژیم جمهوری اسلامی و ارگانهایش، انجمن اسلامی و امورتربیتی، محکوم نموده و حمایت قاطع خود را از مبارزات انقلابی دانش آموزان اعلام میکنیم.

۷ - در شرایط کنونی اقدامات جمهوری اسلامی از یک سو از سوی دیگر لزوم پیش برد مبارزه بیرونی برای بازگشائی انقلابی دانشکاه، ضرورت احیای دانشجویان انقلابی را بیش از پیش روشن ساخته است. ما خواهیم کوشید که حرکت کنونی خویش را تداوم بخشیده و هر چه بیرون تر به پیش برویم.

کمیته سرکاری مراسم ۲۳ دی:

دانشجویان و دانش آموزان هوا دار سازمان رزمندگان دانشجویان پیشگام سازمان دانشجویان و دانش آموزان یکا



بقیه از صفحه ۳ چگونه...

عکس العمل‌های امپریالیست‌های غربی و سو استفاده‌ها نشان که به منظور رقابت با سوسیالیسم امپریالیسم از یک طرف و لوث کردن سوسیالیسم و کمونیسم از طرف دیگر صورت گرفته است، سعی میکنند ما هیت کارگری و اما ملت اهداف توده‌های کارگر لاهستان را مؤثرتر دید قرار دهند. آنها بیشتر ما نه مینویسند: "تجربه ۶۳ ساله سوسیالیسم در جهان از یک طرف و واقعیت‌های روزمره نظام جهانی سرمایه‌داری که هر روز مهر محکم میسند تا زهای برای این نظام کوبید، از طرف دیگر سر دست و بال آنها (منظور امپریالیست‌های غربی است - پیکار) در خودستانی می‌افزاید میزبسته بود." (کار روزیونیستی ۸۷) در حالیکه واقعیت اینستکه امپریالیست‌های غربی گنبدیگی "نظام جهانی سرمایه‌داری" باعث سرمایه‌داری شدن نظام کشورهای اروپای شرقی و نتیجتاً نصیب بردن این کشورها نیز از این گنبدیگسی، توانستند به تبلیغات گسترده‌ای برضمد سوسیالیسم و در جهت تظہیر خود، برآمده اند و مسبب اصلی اینهم، روزیونیستی‌های خروشنی و در راس آنها درودسته سوسیالیسم امپریالیست حاکم پرشوری میباشند، در صورتیکه در زمانیکه شوروی یک کشور سوسیالیستی و پرچمدار انقلابات بیولتاریایی جهان بود، از زمانیکه سوسیالیسم در بسیاری از کشورهای دیگر جهان برقرار بود آری در آن زمان که هنوز روزیونیستی‌های خاش نتوانسته بودند قدرت را در این کشورها بدست گیرند، برآستی که امپریالیست‌ها و تمام مسمی مرتجعین جهان را با رای لجن پراکنی بر علیه آلمان کبیر طبعه کارگر و سوسیالیسم، نمود. اما حال شادیم که چگونه امپریالیست‌های غربی از روی گسار آمدن بورژوا - روزیونیستی‌ها در کشورهای سوسیالیستی به جسد آمده و با خیسال آمده به سمیای بر علیه کمونیسم میپردازند، و البته که از سوی روزیونیستی‌ها نیز در این کشور یاری میشوند!

روزیونیستی‌های اکثریت ادعا میکنند که "بحران فعلی لاهستان بطور ما هوی بسا بحران‌های جوامع سرمایه‌داری فرق دارد." (کار روزیونیستی ۸۸) و برای اثبات ادعای خود به انواع و اقسام مارومقایسه منوسل میگردند (۲) و سرانجام سعی دارند با طرح چند انتقاد آبکی نظیر: غلبه "تولید خرد رکنش و رزی" و "عدم پیشرفت سنداوم دمکراسی سوسیالیستی" و "اصل قضیه را ما ستمالی کنند. آنها حتی خیلی راحت از روی بدی ۲۰ میلیار دلاری لاهستان به امپریالیست‌های غربی، میگذرند. و اصلاً به روی خود نمی-

آورند که چرا یک دولت به اصطلاح "سوسیالیستی" که فاقد عناصر بیدار آن اثری از استعمار و روتگی سرمایه‌داران نشاند، به چنین افلاسی دچار شده که برای تهیه مواد غذایی خود به گرفتن چنین وام‌هایی با بهره‌های کلان، از امپریالیست‌های غربی مجبور باشد. این مسائل فساد و گنبدیگی سیستم سرمایه‌داری دولتی را بروشنی بنمایش میگذارد.

اما اوج بیشترین روزیونیستی‌ها زمان نیست که خصومت خویش را با طبقه کارگر آشکار میکنند و کارگران لاهستان را بخاطر "شیوه‌شان که پاره پاره بر علیه دولت بورژوا - روزیونیستی این کشور است، سرزنش کرده و مینویسند: "چنین شیوه‌ای در برخورد به مسائل، ناشیست که کارگر آگاه به منافع طبقاتی خود نیست "و کارگران" اعتمادی با شیوه عمل خود به تنهایی به نیروهای انقلاب در سطح جهان را تقویت نمودند، بلکه زمینه‌های فراهم آوردند که امپریالیسم و ارتجاع جهانی با دستاویز قرار دادن آن به تبلیغات علیه روزیونیستی‌های اکثریت بدین ترتیب نه تنها بورژوازی حاکم لاهستان را تظہیر میکنند بلکه مبارزه کارگران را نفی کرده و انرا در خدمت امپریالیسم جلوه میدهند! شیوه عمل کارگران لاهستان اگر چه باعث محروم بودن آنها از یک رهبری کمونیستی، انحرافات مهمی داشت (مثلاً امکان بهره‌برداری دادن به لیبرال‌ها و مرتجعین وابسته به امپریالیست‌های غربی)، ولی از آنجا شیکه این جنبش مبتنی بر حرکتی خودهای با خواست‌های عمدتاً مترقی بود، نمیتوان علل آنرا که احداث تضادهای سرمایه‌داری دولتی لاهستان میباشد، انکار نمود. کاری که روزیونیستی‌های اکثریت سعی در انجامش دارند

حال آنکه در اینجا بوضوح مشخص میشود که در نبرد طبقاتی بین طبقه کارگر و بورژوازی جهانی بین انقلاب و ضد انقلاب، بین خلق و ضد خلق جا بجا روزیونیستی‌ها کجاست؟ آنها در کنارتامی خاشمین به توده‌ها و انقلاب، در صف مرتجعین امپریالیست‌ها قرار دارند. روزیونیستی‌های اکثریت تحلیل خود را به همین جا ختم میکنند آنها کمونیستی‌ها (این پیگیرترین و آشتی‌نا - پذیرترین دشمنان سرمایه‌داری را) مورد حمله قرار میدهند که گویا "با ذره بین دنبال چنین حوادثی در سایر کشورهای سوسیالیستی میگردند!؟ برای استی که هرگاه قضایای بدیهی ماه‌ها منافع روزیونیستی‌ها در تضاد افتد، انرا انکار خواهند کرد! آنها انحطاط و گنبدیگی جوامع تحت حاکمیت روزیونیستی‌ها بقدر کافی واضح نیست که روزیونیستی‌های اکثریت آنرا نمی - بیفند؟ امروز هر کسی بخواند اندکی در مورد جامعه امپریالیستی روسیه و اقداماتش مطالعه کند، علیرغم تمامی تبلیغات عوامفریبانه‌شان

و جلوگیری از درازخا بردرونی در این کشورها بخارج، بسادگی خواهد توانست دلایل و مدارک کافی در تاشد ما هیت سرمایه‌داری این جوامع و انعکاسات آن (بحران‌ها، بیکاری، تورم، سرکوبی توده‌ها و...)، بساید.

روزیونیستی‌ها ادعا میکنند که کارگران مبارز و اعتمادگین لاهستان، "عقب مانده - ترین توده‌ها" بوده اند! حال آنکه اولاً گسترش مبارزات بقدری بوده است که تقریباً تمام طبقه کارگر لاهستان در جنبش اخیر این کشور شرکت داشته اند، بنا بر این از پیشرو عقب مانده را شامل میگردند. بنا بر این اگر اعتماد خواست توده‌های عقب مانده کارگری بوده، پس خواست پیشروان این طبقه چه بوده و چگونه انعکاس یافته است؟ نا لاشا، این چگونه سوسیالیسمی است که بعد از ۳۵ سال هنوز کارگراش "عقب مانده" هستند؟ روزیونیستی‌های فدائی خواهند توانست جواب این سئوالات را بدهند چرا که با سخ آنها چیزی جز عوامفریبی آنها را بر ملا نخواهد کرد.

جنبش عظیم کارگران لاهستان اگر چه در شرایط فقدان رهبری کمونیستی دچار انحرافات مهمی بود، ولی با ردیگری بوضوح نشان داد که سوسیالیسم امپریالیست‌شوری و اقداماتش امروزه نه تنها برخلاف ادعای روزیونیستی‌ها "نمونه زنده سوسیالیسم" و "منبع الهام" کارگران و زحمتکشان جهان نیستند، بلکه در کنسار امپریالیست‌های غربی به استعمار و غارت طبقه کارگر و خلق‌های ستمدیده جهان میپردازد و به همراه اینان نیز دچار ریسیدگی تاریخی و احتقار گردیده اند. دبیرخواهدی بود آنزمانی که پرچم سرخ کمونیسم به هتزاز در آید و طبقه کارگر جهان و خلق‌های تحت ستم را بر علیه امپریالیسم جهانی به مبارزه طوفان آسای خویش برخیزند. مبارزه - ای که جز با بودی سرمایه‌داران و تمام مسمی نوکرانشان (از جمله روزیونیستی‌های خاش) نتیجه‌ای نخواهد داشت!

(۱) - به شماره‌های ۸۴ و ۸۵ پیکار رجوع کنید
(۲) - مثلاً طبق همین آمار بیش از ۸۰٪ زمین‌های زیرکشت در مالکیت خصوصی دهقانان است که "مزارع بزرگتر از ۷ هکتار بیش از نصف زمین‌های تحت مالکیت خصوصی را تشکیل میدهند و ۱٪ این زمین‌ها را مزارع بزرگتر از بیست هکتار تشکیل میدهد." (هما نجا) و این در شرایطی است که کشت و رزی کماکان در لاهستان نقش تعیین کننده - ای در اقتصاد دارد. روزیونیستی‌های اکثریت خود اعتراف میکنند که: "اقدامات بنیادی به ویژه در جهت بهبود کشت و رزی و کشاوری تیسویزه کردن و مکانیزه کردن آن انجام نگرفت." (کار ۸۹) برآستی چرا در جامعه سوسیالیستی "ادعایی روزیونیستی‌ها بنیادین است و اقدامات بنیادی - اقتصادی" اقدامات بنیادی "صورت گیرد؟

روزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم



بقیه از صفحه ۴ گزارشی ...

علاوه بر این کسانیکه به آبادان میروند باید تعهدنا مه ای بپیکند این تعهدنا مه طوری تنظیم شده است که کارکنان با پرکردن آن گویا از شرکت نفت میخواهند آنرا را بطور موقت بسرکار برگردانند و بدین ترتیب بطور غیر مستقیم قبول میکنند از زمانیکه آبادان خارج شده اند، در واقع اخراج گردیده اند! همچنین طبق این تعهدنا مه ها کارکنان متعددی میباشند که در آینده هرگونه تصمیمی که وزارت نفت برای ایشان بگیرد قبول خواهند کرد بدین ترتیب آنان این اختیار را به وزارت نفت میدهند که در آینده آنان را بازنشسته، اخراج و یا جریمه حقوقی نماید. در پایان اجتماع قطعنا مه ای خوانده شد که به تائید تمامی کارکنان رسیدن آن بدین شرح است:

- ۱ - ضمن محکوم نمودن هرگونه تفرقه، جدائی تبعیض میان کارگران رسمی و زیرپوشش، خواهان برخورداری کارگران زیرپوشش و رسمی از مزایای یکسان هستیم.
- ۲ - بعلت آوارگی و نداشتن سرپناه بویژه در فصل زمستان خواستار اقدام فوری و جدی در مورد تهیه مسکن برای کارگران جنگزده هستیم.
- ۳ - با توجه به تورم و گرانی و طبق مصوب شورای مزدخواهان استفاده از خواروبای روجیره هستیم
- ۴ - ما خواهان اجرای مقررات بازنشستگی بر طبق فرمول موجود برای همکارانمان در مناطق غیر جنگی هستیم و محول کردن پرداخت پاداش سابقه را به شرایط مناسب و پرداخت مستمری بصورت علی الحساب را محکوم میکنیم.
- ۵ - اعزامی رویه کارکنان به آبادان آنهم بدین شکل که هیچگونه امنیت جانی ندارند را محکوم کرده و وزارت نفت را مسئول عواقب آن میدانیم.

دفن مردگان

منبع درآمدی برای جمهوری اسلامی

"آستان قدس رضوی" سالانه میلیونها تومان در آمد دارنده از طریق "تابالتولیه" منتخب آیت الله خمینی خرج میشود. یکی از منابع درآمد "آستان قدس" از طریق دفن اجساد در "محرم میا شد، رژیم جمهوری اسلامی پس از قیام بهمن "ترخ" دفن رانا ۲۰ هزار تومان با شین آورده بود تا ثروتمندان که تنه با مشتریان چنین قبرهای گرانی هستند از "قیض" بیشتری برخوردار شوند. سردمداران جمهوری اسلامی که دیدند نباید از این منبع درآمد بهره کافی ببرند اخیرا نرخ دفن در محرم را به ۴۰ هزار تومان رسانیده اند. البته این نرخ هر قدر به حرم نزدیک تر شوم گران تر میشود. از نظر رژیم جمهوری اسلامی "اخراج خرو" نیز با بدست کسان شایسته در "این دنیا" نیز از رفاه و آسایش کافی برخوردارند. طبیعی است که رژیم جمهوری اسلامی بنا به همین جهت این پولها را در خدمت منافع طبقاتی اش میگرداند و سردمداران رژیم بخصوص روحانیت که این درآمدها را در اختیار دارند برای این پولها کیسه گشادی دوخته اند.

اجتماع رانندگان شخصی در مقابل شهرداری

روز ۱۳ دیماه با نصد نفر از رانندگان شخصی که پروانه کار در خطوط شهری را گرفته اند و در جلو شهرداری تجمع کردند. این رانندگان روزانه ۱۵ لیتر بنزین ۳۰ ریالی دریافت میکنند و مجبورند ماهانه ۶۰۰ تومان به شهرداری بپردازند. آنها با اجتماعان خواستار لغو عوارض ۶۰۰ تومانی و عرضه بنزین ارزانتر بودند که معاون شهرداری بجای پاسخ مثبتی مطابق معمول سردمداران رژیم شروع به فحاشی کرده و آنها را ضد انقلاب خواند. این اجتماع ۴ ساعت طول کشید و با افتخاری های رانندگان توأم بود.

بقیه از صفحه ۲ تظاهرات ...

پاسداران عبارت بود از: بلاک تهران - ۳۸۶۷۳ رنگ زیتونی، مدل ماشین شورت ۴۰۰ آمریکائی آری سپاه پاسداران مسئول مستقیم این جنایت است. اما نه شکنجه و نه زندان، نه ترور و نه تیر - با ران هم انطور که در زمان شاه خائن دیدیم نمیتوانند مانع مبارزات دانشجویان انقلابی گردد.

زحمتکشان!
از مبارزات برحق فرزندان راستینتان برای بازگشایی دانشگاه حمایت کنید. دانشگاه این سنگرزادی به همت توده ها، گشوده با دیگرود.

۶ - ما تعهدنا مه ای را که "سنادیرسنل بالایشگاه آبادان و خدمات" در مقابل همکاران صادر آبادان فرامیدهند و مقبومی جزضیت بسا سرنوشت و آینده کارکنان ندارد، شدیدا محکوم میکنیم.

۷ - ما ضمن محکوم کردن برخوردهای شمشیری و دیگر مسئولین سنا دجنگ زدگان با نمایندگان خواستار برخورد جدی و مسئولانه در جهت پاسخ گویی به نمایندگان خود میباشیم.

"تورای هما هنگی کارکنان جنگزده مستقر در ماهتسر"
هنگام قرابت قطعنا مه فوق، چندتن از هوا - داران روزیونیستهای اکثریت که از روحیه انقلابی کارکنان وحشت کرده بودند سعی کردند تا مانع خواندن قطعنا مه شوند. اما کارکنان با هشیاری خود مانع آنجا مروطه آنان شده و با طرد آنان مشتم محکمی برده ان خائنین به طبقه کارگزودند.
روحیه بالای کارکنان و همبستگی آنان با یکدیگر، بیانگور شد آکا هی آنان بود که بدرستی موجبات وحشت مرتجعین گردیده بود. کارکنان انقلابی در پایان برای آنکه مروطه رژیم مبنی بر بریرا کنده کردن آنها را خنثی کرده باشند، اعلام کردند که بعد از این هر هفته دوشنبه ها برای تبادل نظر و تصمیم گیری در همان محل اجتماع خواهند کرد.

اجتماع کارکنان جنگ زده صنعت نفت در شیراز

روز ۹/۱۰/۵۹ اجتماع مشایه اجتماع ما شهردر شیراز برگزار میشود که خواستهای کارکنان جنگزده آنجا کم و بیش شبیه خواستهای کارکنان جنگزده ما شهر و سا برکارکنان جنگ - زده صنعت نفت بود. در این اجتماع که خا نودا ه - های کارکنان نیز حضور داشتند، نمایندگان کارکنان به افشای برخوردهای ضد کارگری دولت در جواب خواستهای برحق آنان، پرداختند و گزارش تحمین و گروگانگیری نمایندگان کارکنان جنگزده صنعت نفت در تهران (رجوع کنید به پیکار ۸۹) را به اطلاع حاضرین رساندند.



بقیه از صفحه ۲۹ مصاحبه ...

بسته نگهداشتن دانشگاه و همچنین عامل خنثی کننده "کلیه تلاشهای گذشته نیروهای مردمی و انقلابی در جهت حل انقلابی مسأله دانشگاه" دانسته است.

البته گرایین موضعگیری را بحساب موضع دوستان مجاهدبگذا ریم (که با یابدگذا ریم) باید گفت این اولین بار نیست که از سوی آنها، نیروهای راستین کمونیستی و از جمله ما زمان ما منتهم به چپ روی، سگنا ریم و آنا ریشیم میشوند آنها همواره در برخوردشان با اساسی ترین مسائل جامعه و جنبش، بدلیل ماهیت طبقاتی و درک خرده بورژوازیشان از این مسائل، دچار نابیکگیری بسیار زیاد بوده اند که از جمله اند برخورد به هیات حاکمه و قدرت سیاسی، برخورد با لیبرالها، برخورد با آیت الله خمینی و دیگر سردمداران جمهوری اسلامی، موضعگیری در قبال واقعه سفارت، انتخابات مجلس شورا، مسأله شوراها، جنبش مقاومت خلق کرد، جنگ ایران و عراق و همکاری با نیروهای کمونیستی و دفاع از آنها... نحوه برخورد دوستان مجاهدونتا کتیک آنها در قبال بازگشائی دانشگاه، نیز بهیچوجه نمیتوانند از مسأله فوق جدا باشند. تا کتیک آنها هر چه که باشد، یک مشخصه برجسته در آوان قرار گرفتن این تاکتیک در چارچوب مشروعیت رژیم جمهوری اسلامی است و تا زمانی که بجای هدیدن خود را از زندان این چارچوب خلاص نگینند، برخلاف آنچه که مدعی هستند در به "حل انقلابی مسأله دانشگاه" نبوده و نخواهند بود. از همین رو تصادفی نیست که مجاهدین این تاکتیک کمونیستها و اقدام آنها به راهیما شئی ۲۲ دی را اقدامی مضربحال بازگشائی دانشگاه و خنثی کننده تلاشهای گذشته نیروهای مردمی و انقلابی بدانند و من بنوبه خود از دوستان مجاهد سوال

سیم برای توده های هوادار دمکرات و انقلابی خود و دیگر نیروهای انقلابی توضیح دهند که منظور از "تلاشهای گذشته نیروهای مردمی و انقلابی" که در اطلاعیه فوق آمده چیست؟ اگر منظور مقاومت در قبال تعطیلی دانشگاه و توطئه "انقلاب فرهنگی" است، که این مسأله ای است مربوط به نیروهای کمونیستی که چند روز متوالی در برابر یورش وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی مقاومت کردند و شما دفاعات دانشجویی تان را بسته و برای مطمئن ساختن هیات حاکمه اعلام کردید که بیاید و ببینند که شما دست از پا خطا نکرده اید! و اگر منظور تان از این تلاش چیز دیگری است که باید گفت ما از آن بی اطلاع هستیم و باید از دوستان مجاهد سوال کنیم که منظور خود را از این تلاش برای ما و دیگر نیروهای انقلابی و توده های مردمی با زگو کنند.

نکته آخری که باید اضافه کنیم این است که دوستان مجاهد، برای حفظ موضع انقلابی و دمکراتیک خود، چاره ای جز مرز بندی با گراشات عمیق لیبرالی خود در اساسی ترین مسأله جامعه و جنبش نندارند. نشستن میان دو صندلی نمیتوانند و ما بدوما بنوبه خود خواستار آنیم که دوستان مجاهد را در کنار نیروهای راستین جنبش کمونیستی و در مقابل لیبرالها و کسب هیات حاکمه ببینیم. امیدواریم که این خواست تحقق یابد.

توضیح و تصحیح:

در پیکار شماره ۸۹، صفحه ۲۲، عکسهای دور فیک شهید تفکری و فتحی اشتباها چاپ شده است.

همچنین سال شها در ترفیق صدیقه را شئی دیماه سال ۵۴ بوده که بدین وسیله تصحیح میگردد.

بقیه از صفحه ۱۶ مسکن ...

هیچ قدمی برداشته نشده بلکه آنجا نیز که توده ها بدرستی دست به معادله ساختنهای خالی زده بودند آنها را برای تخلیه این اماکن تحت نظر قرار داد. رژیم قطع آب و برق بروی آوارگان با زکردن شیرکا زخوابگاه محل سکونت آنها، باز کردن آب زیر آنها، قطع جیره غذا و سوخت، انداختن اوباشان به جان شان و وارد آوردن انواع و اقسام فشار به آنها سعی کرد زحمتکشان جنگ زده را از آن حداقل سرپناهی که برای خود دست و پا کرده بودند، محروم سازند و ملی مقاومت سرخستان آوارگان و افشائی این اعمال جنایتکارانه در نزد ما بر توده ها رژیم را بیش از پیش رسوا ساخته و مجبور به عقب نشینی کرده و لسی ارتجاع از دردیگری در آمده و سعی کرد با تبلیغات مزورانه در صحنه محاسن اردوگاههای جبرفت و... توده های جنگ زده را به تبعیدگاههای دسته جمعی بیا بانی "بکشاند و در آنجا به خیال خام خود دور از چشم مردم مهربلانی خواست بر سر آنها بیاورد. آری دیگر خنای رژیم برای آوارگان رنگی

ندارد. آنان میدانند که ما هیات رژیم در برابر وجود ما شهر، راه مرمز، بهیبهان، اصفهان، شیراز با جبرفت و جهرمونجف آبا دو... هیچ فرقی نمیکند رژیم که ده ها صدها هتل و ساختمانی بزرگ را (که در شهرهای مختلف در حال خاک خوردن هستند)، حاضر نیست در اختیار آوارگان قرار دهد رژیم که در مقابل پیشنهاد آوارگان در تهران که در هتل رویال زندگی کنند، مطرح میکنند ما هتل را کثیف میکنند! مسلمانان در بیابانهای جبرفت و... نیز مسکن و امکانات مناسبی برای آوارگان نندار نخواهد دید.

و به همین دلیل است که توده های جنگ زده دیگر گول فریبکاریهای رژیم را نخوردند و هیچگونه اعتمادی به وعده و وعده های تو خالی او نندارند و متحدها شعار میدهند: "ما به جبرفت نمی رویم" بسیاری از آوارگان در مقابل فشار و تهدیدات پاسداران و ماموران رنگ و وارنگ رژیم متحدها نندست به مقاومت زده و در مقابل هیچ فشاری حاضر به تخلیه اماکن صادره شده نگردیدند. آوارگان برای احقاق حقوق خویش و برای

بقیه از صفحه ۵ حماسه ...

حزب دمکرات نیز بسیاری اهالی روستا و پیشمرگان ما شتا فتند حدود ساعت ده و نیم صبح پاسداران و جاشها پیشروی بطرف روستا را آغاز کرده و در ابتدای ده چند خا نرا که نزدیک به تپه محل استقرار خودشان بود با زرسی کردند. در این هنگام ما نگاهان مورد حمله وسیع و همه جا نهمه مردم و پیشمرگان قرار گرفته و با رانی از آتش و گلوله بر سر آنها با ریدن گرفت. دشمن سرا سیمه و وحشت زده که انتظار چنین مقاومت جانانه ای را نداشت عقب نشینی نمود و ده ها کشته و زخمی از خود بجای گذاشت خبر آغا درگیری در ایندرا قاش بسرعت در تمام منطقه پیچید و اطلاعیه های مکرر را دیومها با دنیز با عث پخش هر چه بیشتر آن گردید. صدها نفر از زحمتکشان مسلح از روستاهای مناطق محال "شایران" (شهریوران)، "شامات" شلدوز "بسی ایندرا قاش بحرکت در آمدند. تا با ر دیگران تا دو یکپارچگی زحمتکشان را در برابر نیروهای سرکوبگر رژیم نشان دهند تا مقاومت کم نظیر توده ای تا ساعت ۳/۵ بعد از ظهر ادامه یافت همزمان با این درگیریها یکسوتن ارتشی شامل ۳ فروند تانک و چند زره پوش و ۲۲ خود رو از رومیه به ما با اعزام شد. ۳ فروند هلیکوپتر جمهوری اسلامی بر فراز روستای ایندرا قاش در پروا زبوندند و منطقه را با راکت میکوبینند.

دشمن سرانجام در مقابل مقاومت متحد و یکپارچه مردم و پیشمرگان قبل از تاریک شدن هوا مجبور به عقب نشینی گردید. مقاومت قهرمانان روستایان ایندرا قاش دوش به دوش پیشمرگان و شرکت وسیع زحمتکشان چندین منطقه در آن روحیه مبارزاتی مردم را بسیار بالا برده است و همه جا مردم با شور و هیجان از آن یاد میکنند

(ضمیمه خبرنا مه ۱۰۲ کومله)

تحت فشار گذاردن رژیم برای قطع فوری جنگ و تا مین زندگی و از جمله تا مین ممکن مناسب لازم است و با بیستی شورا های واقعی خویش را در هر محل تشکیل داده و با تماس با برشوراها، شورا های هماهنگی (سراسری) آوارگان جنگ را تشکیل دهند تا از این طریق بتوانند حقوق مسلم خود را از حلقوم ارتجاع در آورند.

زحمتکشان آواره!

در حالیکه شما از نداشتن حداقل سرپناهی در عذا بیدور رژیم ضد خلقی با وجود این همه هتل خوابگاه، باشگاه و ساختمانی بزرگ سرمایه داران وابسته و دولتی، حاضر نیست به شما خانه بدهد تنها راه اقدام مستقیم خود شما برای تصرف و معادله این اماکن میباشد. شما با بیستی با یک شنا سازی حساب شده متحدها نه و ما هنگ دست به اشغال ساختمانیهای بزرگ سرمایه داران و دولت و باشگاهها، هتلها و... بزنید تا از این در بدری در زیر برف و باران و سرمای طاقت فرسای زمستان نجات پیدا کنید.

بقل با اختصار از "فریاد آوارگان" (کمیته خورستان)

مصاحبه پیکار و آقایان بارفیک حسین روحانی،

عضو کادر رهبری سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، درباره:

بازگشائی دانشگاه و راهپیمائی ۲۳ دی

توضیحی برای خوانندگان نشریه ما دارید؟

رفیق روحانی: سوال شما را باید به چند بخش نموده و به هر یک جداگانه پاسخ داد، در مورد اینکه برگزاری راهپیمائی روز ۲۳ دی، در ارتباط با چه تحلیلی از شرایط وضعیت سیاسی کنونی است، قبلاً با دیدگوییم که کمونیستها از حرکت تاریخ و تحولات جامعه و سطح مبارزه طبقاتی توده‌ها، درک مادی داشته‌اند و تنها تشویری، برنا مه‌وا ستراژی خود را مبتنی بر جنبه علمی این حرکت و تحولات، تعیین میکنند، بلکه در تعیین تاکتیک، شیوه مبارزه و اشکال مختلف سازماندهی جنبش نیز، حرکت خود را منطبق بر عین واقعیت قرار میدهند و با هرگونه حرکت چپ روانه‌وا ستراژیستی از یکسویا حرکت عقب مانده و دنباله‌روانه از سوی دیگر مروز-بندی می نمایند. بعنوان مثال، تاکتیک کمونیستها در یکا رهبری اشکال مختلف مبارزه استفاده از شیوه‌ها و اشکال مختلف سازماندهی جنبش توده‌ها، نحوه و میزان استفاده از شرایط و امکانات علمی، میزان عقب نشینی و یا تعرض و تهاجم در قبال سرکوب جنبش توده‌ها توسط دشمن و چگونگی استفاده از شعارهای ترویجی و تبلیغی و... در شرایط رکود و پائین بودن سطح جنبش توده‌ها، یا شرایط اعتلا انقلابی و رشد و گسترش جنبش توده‌ها و این هر دو با شرایط موقعیت انقلابی تفاوت میکند.

حال باید به این سوال پاسخ دهیم که ما در چه شرایطی از وضعیت دهگان نفوق هستیم و اقعیت این است که جنبش دمکراتیک و فدا مپریا لیستی خلقهای ایران، علیرغم تمام قهرمانیها و جان فشانیهای خود بدلیل نبودن مستقمل پهرولتاریا و ضعف جنبش کارگری و کمونیستی نتوانست منجر به حاکمیت پهرولتاریا و زحمتکشان گردد و بورژوازی لیبرال و خردده-بورژوازی مرفه‌سنتی توانستند با لگام زدن بر امواج جنبش توده‌ها، آنرا از حرکت پیشرونده و توفنده خود با زداشته و آنرا به کجراه بکشانند و از این طریق سیستم سرمایه‌داری و وابسته‌را از ضیایات کاری توده‌ها محفوظ بدارند. با اینهمه جنبش انقلابی ما برخلاف آنچه که بعد از ۲۸ مرداد ایران و با پس از فدا انقلاب استولیبینی در ۱۹۰۷ در روسیه اتفاق افتاد، دچار رکود و توقف نگردید و علیرغم تمام می‌توهای که برای توده‌ها نسبت به حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی بوجود آمد، از

تکاهی انقلابی بدست ارتجاع و دارودسته‌ها دانشجویان و وابسته‌ها ن گردید، طبیعی است که ارتجاع و در اینجا رژیم جمهوری اسلامی نیز بطور متقابل، بعنوان جزئی از برنا مه سرکوب خود سعی دارد، به ترتیب که شده این سنگر را که به قیمت خون تمامی شهدای خلق و شکنجه و زندانی شدن هزاران دانشجویان و رگرو زحمتکش مبارزان و آگاه‌ها زگشوده شده، از دست انقلابیون و کمونیستها با زین گیرد، هما نظور که کوشیده و میکوشد از اینجا دور شد و زمانهای توده‌های نظیر شوراهای واقعی کارگری و دانش آموزی و... نیز بشدت جلوگیری نماید. خود شما و دانشجویان رزمنده و قهرمان ما حملات مکرر رژیم جمهوری وارگانهای سرکوب آنرا به‌دا نشگاه و فدا نسر سیاسی دانشجویان کمونیست و انقلابی و بویژه در اول اردیبهشت امسال را با خا طردا ریبند و طبیعتاً این وظیفه شما و دیگر همزمان شاونهای توده‌ها می تحت ستم بود که از این سنگر آزادی دفاع کنید که قهرمانان نیز دفاع کردند.

نکته‌ای که با بدرا اینجا روی آن تاکید کنیم، این است که بازگشائی دانشگاه از دیدگاه ما برخلاف آنچه که لیبرالها و روزیونیستها بر-اساس آن حرکت میکنند، نه با طریقیست بوروکراتیک و تکنوکراتیک تها اما به خدمت برای بورژوازی، بلکه هما نظور که گفتیم، بعنوان مرکز فعالیت علمی، سیاسی و آگاه‌گرانه و سنگر مبارزات فدا مپریا لیستی و فدا رتجاع کنونی دانشجویان انقلابی و با ری دهنده مبارزات دمکراتیک و فدا مپریا لیستی کارگران، زحمتکشان و خلقهای تحت ستم میباشد. این نکته‌ای است که شما باید چه در نشریه و چه در شعارها، آنرا برجسته نموده و برای توده‌های دانشجویی و زحمتکشان، آنرا توضیح دهید.

پیکار: هما نظور که اطلاع دارید، رژیم جمهوری اسلامی و تمامی جناحهای حاکم عم از حزب جمهوری و لیبرالها، و همچنین روزیونیست-های خائن "توده‌ها" و "اکثریتی"، اقدام سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار و دیگر تشکلات دانشجویی کمونیستی را در مورد راهپیمائی و تظاهرات ۲۳ دی، اقدامی در جهت ایجاد آشوب و تشنج و برآه انداختن جنگ داخلی قلمداد نمودند. سوال من از شما این است که این اقدام در رابطه با چه تحلیلی از شرایط و وضعیت سیاسی صورت گرفته و در این مورد در قبالتها ما ارتجاع و همدستان آن چه

هموطنان مبارز!
هما نظور که اطلاع دارید روز ۲۳ دی سالروز بازگشائی دانشگاه بوده- دانشجویان و استادان رزمنده و توده-های انقلابی خلق، راهپیمائی از سوی سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار و دیگر تشکلات دانشجویی کمونیستی (دانشجویان و دانش آموزان هواداران سازمان رزمندگان - دانشجویان پیشگام) تدارک و برگزار گردید. با توجه به اهمیت سیاسی این راهپیمائی و نتایجی که در برداشت، ما بر آن شدیم که با یکی از رفقای کادر رهبری سازمان رفیق حسین روحانی که برای جنبش کمونیستی و انقلابی ما چهره برجسته و شناخته شده‌ای است، در این زمینه مصاحبه‌ای بعمل آوریم. آنچه در زیر میاید متن مصاحبه‌ای است که خبر-نگاران ما با رفیق روحانی بعمل آورده‌اند.

تحریریه پیکار ۲۳ آبان *

آقایان: رفیق روحانی! اولین سوال من درباره مساله بازگشائی دانشگاه و ارتباط آن با جنبش انقلابی دانشجویی بطور خاص و با جنبش توده‌ها بطور عام است. در این مورد اگر توضیحی دارید به ما بدهید.

رفیق روحانی: جنبش انقلابی دانشجویی در میهن ما سابقه‌ای بس طولانی و پرافتخار دارد، این مبارزه قبل و پیش از آنکه جنبه منفی داشته باشد جنبه سیاسی داشته و همواره از زمان ابتدا تا بحال، بعنوان بخشی از جنبش دمکراتیک و فدا مپریا لیستی توده‌های تحت ستم و در پیوند دائمی و همیشگی با آن بوده است. متقابلاً این جنبش بدلیل خملت انقلابی و دمکراتیک خود، همواره از حمایت و پشتیبانی وسیع زحمتکشان و خلقهای تحت ستم برخوردار بوده است. خود شما و رفقای شما، بیش از من شاهد بوده‌اید که چه در دوران حکومت رژیم منغور بهلولی و چه در مقطع قیام دوره حاکمیت جمهوری اسلامی، چگونه دانشجویان انقلابی، مبارزات پر شور و گسترده‌ای را چه در عرصه جنبش دانشجویی و چه در پیوند آن با جنبش توده‌ها، از من زده و میزبند و با زهمه ما شاهد بودیم که چگونه این مبارزات، از سوی زحمتکشان آگاه و انقلابی مورد حمایت و پشتیبانی قرار می گرفت.

و اما جنبش انقلابی دانشجویی، میبایست از تمامی امکانات و وسایلی که در اختیار دارد و از آن جمله دانشگاه بعنوان سنگری در برابر دشمن استفاده کند و تا آنجا که در توان دارد مانع از افتادن این سنگر آزادی و کانون

علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده‌ها

کمونیستهای دربارها، شوب طلبی و برآه انداختن جنگ داخلی!

پیکار: رفیق روحانی، شما نظریه‌ها را طبعاً در رسیدن رژیم ووقیحا نه‌کوشیدید "آمریکائی" خواندن سازمان پیکار و با طرح این مسئله که سازمان ما و دیگر نیروهای کمونیستی میخواهند در شرایط جنگ ایران و عراق، جو شوب و تشنج بوجود آورده و جنگ داخلی را در ما بریزند، کوشید تا جوتبلیفاتی وسیعی را بر علیه کمونیستها و بویژه سازمان ما در ما بریزند. میخواهم نظرها را راجع به این تبلیغات، دلایل و تائید عملی آن بدانم.

رفیق روحانی: ترس و وحشت رژیم از این راه - پیمانها، مساله قابل پیش بینی ای نبود. اتفاقا خود این ترس و وحشت رژیم جمهوری اسلامی و بدست و پا افتادن ارگانهای تبلیغاتی و سرکوب آن ولجن پراکنی ها و آنها ما تویقیا نه و سراپا دروغینی که به سازمان ما و دیگر گروه - های کمونیستی نسبت داد، بیاننگارین است که تیرما کما ملا به هدف اما بت کرده است. رژیم کوشید با متهم کردن سازمان ما و دیگر نیروهای کمونیستی به وابستگی به "شرق غرب" و "آمریکائی" خواندن ما و لا اذتا تیر تبلیغات و نفوذ انکارنا پذیر ما بر میان توده ها بکا هدونانیا با وارد ساختن چنین اتهاماتی به ما زمینه را برای سرکوب و بخون کشاندن این راهیمائی و موجه جلوه دادن آن در نزد توده ها فراهم سازد و شایدهم از این طریق ما را از انجا چنین راه - پیمانها و نظراتی با مطلق بترساند!

در مورد با مصلحت آمریکا خواندن سازمان ما با بدگفت این اولین بار نیست که کمونیستها و متهم به چنین چیزهایی میشوند. کمونیستها و تمامی نیروهای انقلابی در تاریخ، مورد اتهام سرما به داری و نظامهای ارتجاعی بوده اند. چرا که دوربرویم، مگر همین رژیم شاه در طی سال - های اخیر، ما و دیگر نیروهای انقلابی را که هدفی جز مبارزه با امپریالیسم و سیستم سرما به - داری و وابسته و دفاع از منافع زحمتکشان ندا شتیم، "خرا بکار" و "وابسته به بیگانگان" نمیخواند. ما همه نظریه‌ها و رژیم‌ها را منتظاری جز این با و کوشیدیم ندا شتیم، از رژیم جمهوری اسلامی نیز که سردمداران آنرا لیبیرالها و مرتجعینی چون بازگان، بنی صدروبهشتی و رفسنجانی و رجائی تشکیل میدهند، نباید انتظار بر زبان راندن اباطیلی جز اینها را داشت. این اباطیل شایسته خود آنها و شایسته کسانی است که در زمان رژیم شاه با کارخانه دار بودند و در اوج مبارزات توده ها، سعی داشتند لاشه پوسیده سلطنت را همچنان حفظ کنند و با داخل و خارج از کشور سردار خور خود داشتند و با در ارگانهای آموزشی و سرکوب رژیم آریا مبری کمر به خدمت بسته بودند و هم اکنون تمامی آنها به استثنای رکارگران و زحمتکشان و بازاری سیستم سرما به داری و وابسته به امپریالیسم

ندا شتند "خرا بکار" میخواوند، کمونیستها هیچگاه طرفدار جنگ نبوده و شوب طلب نیستند. این نیروهای ارتجاعی و رژیمهای سرما به داری هستند که با استثماریشیدکا رگران و زحمتکشان و غارت هستی آنها، جنگ را بر آنها تحمیل می کنند. پرولتاریا و توده های تحت ستم در برابر دشمنان تا دندان مسلح خود هیچ چاره ای جز دست بردن به سلاح و جنگ با آنها را ندارند. این کارگران بیکار در دو اندیمشک نیستند که شوب - طلب و جنگ طلبند، این رژیم جمهوری اسلامی است که با "عدل" سرما به داری خود سبب بیکاری کارگران و خانه خرابی و دست آخر کشتار آنان میشود. این خلق رزمنده گرد نیست که خواهان جنگ داخلی است، بلکه این رژیم جمهوری اسلامی است که میخواهد ما را دستا وردها شای را که این خلق قهرمان در طول قیام بدست آورده بزور سرنیزه پس بگیرد و با کشتار و سرکوب خلع کرد، جنگ مقاومت را بر آنها تحمیل میکند. دانشجویان و دانش آموزان انقلابی شوب طلب و خواهان جنگ داخلی نیستند، آنها خواستار با زگشائی دانشگاه و آزادی فعالیت سیاسی این حق مسلم خود هستند. این رژیم جمهوری اسلامی است که با ممنوعیت هرگونه تحصن و تظاهرات و با بخون کشیدن تظاهرات آرام دانشجویان و دانش آموزان، جنگ را بر آنها تحمیل میکند و این درست در شرایطی است که رژیم جمهوری اسلامی در هر هفته و با هر روز راه - پیمانها و نظرات زیاد را با شرکت دادن توده های نا آگاه و با عمال و مزدورشان - میا نندازد. منتظر رژیم جمهوری اسلامی در واقع چنین است: راه پیمانها و نظرات برای طرفداران من آزاد و برای مخالفین من ممنوع و اگر مخالفین دست به اینکار بزنند، آ شوب - طلب و جنگ طلب هستند! اما ما ترجیح این نکته اساسی را نمیتوانند درک کنند که توده ها مهره شطرنج نیستند و حاضر نیستند برای همیشه تن به بردگی و استثماریشیدکا زمین رو آنها به مساله جنگ داخلی یعنی جنگ سرنوشت با دشمنان طبقاتی شان، بعنوان یک مساله اجتناب ناپذیر که از سوی دشمن به آنها تحمیل شده نگاه میکنند و از اینرو ناگزیرند که خود را برای آن آماده کنند، آماده برای نابودی بورژوازی بصورت قهرآ میزوا ستقرا ر حاکمیت خودشان.

بعنوان آخرین نمونه همین راه پیمانها شای ۲۲ دی را در نظر بگیرید. رژیم کوشید از همان ابتدا با تبلیغات دروغین و عوامفریبانه خود زمینه سرکوب خونین این تظاهرات را تحت عنوان اینکه کمونیستها میخواهند مسلحانه به دادشگاه حمله کنند... فرا همها زدوها منظور که دیدید با به میدان آوردن پاسداران و عمال مزدور خود و با حمله وحشیانه به راهیما یا ن، این تظاهرات را بخون کشید و تعداد بسیار زیادی را دستگیر و روانه زندان ساخت. آری این است مفهوم آزادی و دمکراسی جمهوری اسلامی و این است مفهوم آنها ما ت دروغین ووقیحا نه این رژیم -

همان فردای قیام به این طرف، جنبش توده ای درمتنی از اغتلابی انقلابی قرار داشته است و هر روز که از عمر جمهوری اسلامی میگذرد و با فرو ریختن توهم هر چه بیشتر توده ها، جنبش توده ای اوج بیشتری میگیرد و چشم انداز جنگ داخلی را که البته زهما کنون در گوشه ای از ایران یعنی در کردستان قهرمان نیز جریان دارد، برای ما تصویر میکند.

در چنین شرایطی از وضعیت سیاسی و در چنین متنی از اغتلابی انقلابی است که با بدتاکتیک ما در قبال دشمن، خصلت تعرضی داشته باشد - تنادفعی. ما هم اکنون، بویژه پس از شروع جنگ ایران و عراق در شرایطی بسر میبریم که پیش از هر موقع دیگر رژیم را بحران سیاسی و اقتصادی فرا گرفته و فقر و فلاکت توده ها و نارضایتی آنها در حال افزایش است و به سرعت آنرا در مقابل رژیم جمهوری اسلامی قرار میدهد. در چنین شرایطی از رشد و گسترش جنبش توده ای و عجز رژیم از تامین خواسته های اساسی توده ها و ناتوانی وی در تثبیت قدرت سیاسی خود و سرکوب متحرک جنبش توده ای، با جاب میکند که توده ها و بویژه پرولتاریا را هر چه وسیعتر و گسترده تر آگاهی انقلابی داده و جنبش مبارزاتی - اشان را از نظر شکل و مضمون ارتقاء داد. باید آلترناتیو کمونیستی را وسیعاً به میان توده ها برد و نه تنها آلترناتیوهای ارتجاعی حاکم، یعنی حزب جمهوری و لیبرالها و همدستان رویزیونیست آنها، یعنی توده های اکثریتی ها را برای توده ها افشا و طرد کرد، بلکه حتی ضروری است تا با جریانات دمکرات نا پیگیری چون میاهدین که با درک التقاطی و دوآلیستی خود، میکوشند با مصلحت راه حل سومی را میان سرما به داری و سوسیالیسم عرضه کنند، مبارزه ایدئولوژیک نمود، در چنین شرایطی، کمونیستها وظیفه دارند، تعرض و کوشش خود را برای ایجاد حزب طبقه کارگر و کسب قدرت سیاسی در این مرحله صدچندان کنند و برخلاف دوران رکود که دوران عقب نشینی منظم است، پیشروی خود را شروع کرده و حملات و سرکوب دشمن را تحقیر و جو خفقان کنونی را بشکنند. راهیما شای و نظرات ۲۳ دی، نمونه ای از این قبیل است و با بدین تاکتیک را در سایر عرصه ها و بویژه در عرصه جنبش کارگری بکار گرفت. ضرورت رهبری جنبش توده ای توسط کمونیستها، چنین مساله - ای را بشدت از کمونیستها طلب میکند و هرگونه برخورد انفعالی با آن، عقب ماندگی ما را در مقابل جنبش توده ای افزایش خواهد داد.

و اما در مورد ایجاد شوب و تشنج و ایجاد جنگ داخلی که رژیم و رویزیونیستها ما را بدان متهم میکنند با بدگفت که در این باره نیز رژیم این حربه را از ما می ترجیح تاریخ و رژیم شاه به ارث برده است. رژیم شاه نیز کمونیستها - و نیروهای انقلابی را که هدفی جز مبارزه با امپریالیسم و رژیم سرما به داری و وابسته

اشغال دارند، این اتهامات و این لجن - پراکنی ها هیچگاه در نیروهای رزمندگان انقلابیون جان برکفی را که هیچگاه اندیشه جدا شدن از توده ها و منافع آنها را در سر نبروراندند، آلوده نخواهد ساخت. و این اتهامات دشمن، خوددلیل و سند قاطعی است بر حقانیت راه و آرمان والای آنها، بدون تردید توده ها این اباطیل را بی پاسخ نخواهند گذاشت و در جریان یک مبارزه قطعی و سرنوشت ساز رژیم جمهوری اسلامی، این رژیم حافظ و مدافع سیستم سرمایه داری و بسته راه بازمانده ای تاریخی خواهند ساخت.

پیکار: رفیق روحانی، بنظر شما دلایل تکیه

اصلی رژیم جمهوری اسلامی و تمامی ارگانهای ارتجاع روی سازمان پیکار و لجن پراکنی علیه آن چیست؟

رفیق روحانی: آنجا که کمونیستها مدافع

واقعی منافع طبقه کارگر و زحمتکشان و سرسخت ترین دشمنان بورژوازی و طبقات ارتجاعی هستند، همواره مورد اتهام رژیمهای سرمایه داری قرار دارند. رژیم جمهوری اسلامی نیز بعنوان دشمن کارگران و زحمتکشان و توده های تحت ستم و بعنوان رژیم حامی سرمایه داران، همواره کینه و دشمنی آشکار خود را نسبت به کمونیستها ابراز داشته و زمان ابتدا یکدم از سرکوب و کشتار آنان غافل نمانده است. دشمنی و حملات پیاپی رژیم جمهوری اسلامی به سازمان ما نیز در همین رابطه قابل توضیح است. این واقعیتی است که سازمان ما با پشتوانه ارزشمند مبارزات ۱۵ ساله خود و با توجه به پتانسیل و ظرفیت انقلابی و مواضع پیشرو خود تاکنون بیش از هر نیروی کمونیستی دیگری توانسته است به افشای ماهیت رژیم جمهوری اسلامی و مبارزه علیه آن بپردازد و با توجه به امکانات و ظرفیت خود، بسیاری توده ها و رفته و به آگاهی انقلابی آنان بیفزاید و مبارزات آنان را در عرصه های مختلف در اینجا و آنجا هدایت نماید. این نقش بویژه پس از شروع جنگ ایران و عراق و اتخاذ مواضع اصولی و پرولتری سازمان در این زمینه و بردن آنها بمیان زحمتکشان و مبارزه با نظرات و مشی های انحرافی و رویزیونیستی در این مورد، بسیار زینبختی داشته است. افزایش نا رضایی و نفرو فلاکت توده ها و در همین رابطه و جگیری جنبش توده ای و اتحادات کتیکهای انقلابی و شعارهای مناسبی که منافع زحمتکشان را منعکس میکرد و بویژه خملت تعرضی و تهاجمی این تاکتیکها و استقبال سازمان، با تمامی ضعفها و کمبودها پیش آرزند و گسترش جنبش توده ای، تا ما عواملی بودند که سازمان را بیش از هر موقع دیگر برای توده ها مطرح ساخت و این خود کافی بود که رژیم را در موضع تدافعی قرار داده و وحشت زده و نگران به لجن پراکنی علیه سازمان ما بپردازد.

۱۳۳۱ بان: ارزیابی شما از برگزاری این

راهیمائی و میزان موفقیت آن با توجه به هدفهای مورد انتظار چیست؟

رفیق روحانی: ارگانهای تبلیغاتی رژیم،

سپاه پاسداران و کمیته مرکزی کوشیدند تا برای توده ها اینطور وانمود سازند که گروههای مسلح در نظر دارند به دستاورد ها حمله کنند. رژیم جمهوری اسلامی با وارونه جلوه دادن اهداف برنامهاهیمائی ۲۳ دی، زمینه را برای تجمع پاسداران و فلاتهای حزب اللهی برای جلوگیری از اجرای راهیمائی و سرکوب تظاهرات فراهم ساخت و همانطور که تا حدودید از ابتدای روز ۲۳ دی، دسته دست پاسداران همراه لباس شخصی و دیگر مزدوران و عمال جمهوری اسلامی همراه با وسائل و اسلحه سرد و گرم جلوه دادند و جمع شدند و با فحاشی به کمونیستها و سازمان ما و دادن شعارهای بنفع آیت الله خمینی و دیگر سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، زمینه را از جهت برای جلوگیری از برگزاری مراسم راهیمائی فراهم ساختند. و واقعا هم ارتجاع انتظار داشت که با چنین تمهیداتی بتواند ما را وادار به عقب نشینی نماید. اما مدارس تحت مقرر برخلاف انتظار دشمن دهها هزار نفر از دانشجویان و دانش آموزان انقلابی و زحمتکشان آگاه و رزمنده در اطراف دانشگاه گرد آمدند و بدون کوچکترین توجهی به اعلامیه منع تظاهرات و تحن وزارت کشور و حملات حزب اللهی ها، آماده برگزاری راهیمائی بودند. اما علیرغم تغییر برنامه که طبیعا مشکلاتی را بدنبال داشت و علیرغم تمامی تهدیدات دستگیری و سرکوب و ضرب و شتم تمامی عیار پاسداران و عمال ارتجاع، راهیمائی با شرکت بیش از ۱۵ هزار تن از هموطنان رزمنده و انقلابی ما صورت گرفت و این خود با توجه به تمامی کوششها، تهدیدات، تمهیدات و سرکوب دشمن در نوع خود موفقیت بزرگی را برای نیروهای شرکت کننده و از جمله سازمان دانشجویی و دانش آموزی ما بود و این یکبار دیگر درستی تاکتیک ما را در برگزاری این تظاهرات و نمونه های مشابه آن و جنبه تعرضی و تهاجمی آنها و تحقیر هرگونه تهدید و سرکوب دشمن به اثبات رساند، امری که با بدبا جمع بست نقاط قوت و ضعف این راهیمائی و تجربیات حاصله از آن درس بر ما را در نیز از آن سود جست.

۱۳۳۱ بان: رژیم جمهوری اسلامی و رویزیونی-

ستنها را از منتهی همکار با لیبرالها و دانشجویان مسلمان هوادار مجاهدین، ما را آنا رشیست و سکتاریست نامیدند. نظر شما در این مورد چیست؟

رفیق روحانی: همانطور که قبلا گفتیم رژیم

جمهوری اسلامی بلافاصله پس از اعلام راهیمائی روز ۲۳ دی از سوی سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار و سکتاریست کلیات دانشجویی کمونیستی کوشید تا با تبلیغات سراپا دروغین و اتهامات و قبیحانها و از آنجمله متهم کردن ما به همکاری و پشتیبانی از لیبرالهای خائس

مضمون و اهداف این راهیمائی را در نزد توده ها وارونه جلوه داده و با صلاح ما را منزوی سازد. در این مورد مانند بسیاری از موارد دیگر، رویزیونیستها نیز با هیات حاکمه همصدا شدند و اظهار داشتند که این نیروها یعنی کمونیستها از جانب محافظ لیبرال حمایت میشوند. حال آنکه مساله همانند روز روشن است و توده ها خود بدروستی میداند که ما لیبرالهای خائن را بخشی از هیات حاکمه ارتجاعی دانسته و آنها را در تمامی جناحیات رژیم جمهوری اسلامی و از جمله سرکوب خونین جنبش انقلابی خلق کرد، کشتار کارگران پیکار در ورود و اندامک، اعلام کمونیستها و انقلابیون، سرکوب و بخون کشیدن دانشگاه در اردیبهشت ۵۹ و بستن آن شریک میدانیم و از همین روشها را ما نیز بهر علیه یک جناح، بلکه مبارزه علیه هر دو جناح حکومت و از آنجمله لیبرالهاست. و شعار "علیه حزب جمهوری علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده ها" که بر درودیو و شهرود در صفحات نشریات ما بطور برجسته ای چشم میخورد جلوه ای از این واقعیت میباشد و با هم نظور که در پاسخ به سوالات قبلی شما اشاره کردم، موضع ما در قبال بازگشتی دانشگاه نیز در اساس با آنچه که مورد نظر لیبرالها در این باره است تفاوت دارد. گواها بر این مساله، موضع گیری لیبرالها در قبال این راهیمائی است. روزنامه میزان، ارگنان لیبرالهای مرتجع روز بعد از راهیمائی به نقل از خبرگزاری پارس، طرح بازگشتی کمونیستها را از سوی گروههای کمونیستی یک توطئه خوانده و از همین گروهها بعنوان گروه های "چپ آمریکا" نام میبرد.

اما در باره رویزیونیستها با یاد افه کنم که مساله اینبار فقط به لجن پراکنی و اتهامات دروغین و تحریم و محکوم ساختن این تظاهرات از سوی آنها محدود نشد، همانطور که خود شما تیسز شا هد بودید، رویزیونیستها "توده ای" و "اکثریتی" بطور فعال چه در تبلیغات علیه ما و چه همکار با پاسداران و عمال ارتجاع و رخنه میان صفوف و برهم زدن آن و حمله به شرکت کنندگان در تظاهرات، نقش خود را بعنوان نوکران بی مقدار بورژوازی حاکم نشان دادند و این یکبار دیگر نشان دهنده این است که رویزیونیستها و دشمنان قسم خورده ما رگیم - لنینیسم، پرولتاریا و همدستان صمیمی بورژوازی هستند. در باره موضع سازمان مجاهدین، آنچه مضمون تا این لحظه از آن اطلاع داریم جنبش اطلاعیه ای است که از سوی "اتحادیه انجمنهای دانشجویان مسلمان دانشگاهها و مدارس عالی" وابسته به مجاهدین روز قبل از راهیمائی منتشر گردیده در این اطلاعیه اقدامات و نیروهای شرکت کننده در این تظاهرات، بعنوان یک "حرکت چپ روانه، سکتاریستی و آنا رشیستی" تلقی شده و نه تنها آن را گامی در جهت بازگشتی دانشگاهها ندانسته بلکه این حرکت را به نفعی برای ارتجاع جهت

«ملاحظات کوتاه»

الفاتحه!

"مبارزه‌خدا میریالیستی جمهوری اسلامی"، انقلابی بزرگتر از انقلاب اول "واینگه آمریکا" هیچ غلطی نمیشنا ندبکند "با لایحه مثل با لایحه برپا دترکید، مثل خانه‌ای برفی آب شودبه گرفتن قطعات بدکی نظا می و"توبه و تنگامل معنوی آمریکا" انجا مید، توفان تبلیغاتی ای که رژیم بر سر تصرف جا سوسخا نه‌آ میرکا براه انداخت هما نظوره که نیروهای راستین کمونیستی معتقد بودند و با زهما نظوره که در اسناد افشاگری نشریه مجاهد در مورد جریان سفارت آمده است "صرف داخلی" داشت؛ برای آن بود که "قانون اساسی ولایت فقیه بصوب برسد و جلوی اعصاب است گرفته شود!"

آن طبل تو خالی که "آوازدهلش" بسیاری را خوش آمده بود و "نزدیکان بی بصر" را نیز از دیدن واقعیت جریان کور کرده بود، سرانجام بقول آقای رجائی به "فضیله ای مرده" تبدیل شد که با بیدهر چه زود تر از شرش رها شود و بواسطه وابستگی را با آمریکا مجددا مستحکم کرد و می - بستم که مساله رادارتیا حکمیت و "قبول آمریکا!" برای رها کردن قسمتی از پولهای بلوکه شده فیصله میدهند و در مجلس ترحیم "مبارزه خدا میریالیستی" شان فریاد "الفاته" را سر - داده اند.

این تجربه یکبار دیگر در عمل به توده ها نشان داد که مبارزه پیگیرانه و پیروز مند بنا میریالیسم خونخوار رجائاتی کار هر مدعی نیست "آنتی تز" میریالیسم، رهبری مبارزه بوسیله طبقه کارگراست .

گنا هر بزنید، حرم کوفتن

گنا و نر میخواد هم مرد کهن

امضا با قلم یا تسبیح!؟

رژیم جمهوری اسلامی روزی نیست که برای خود "افتخاری" دست و پا نکند طی چند هفته گذشته همزمان با سمینار "اشمه جمعه" و تبلیغاتی که برای روحانیت ولایت فقیه بها کردند در بین ده ها دروغ بزرگ که برای فریب دادن توده های ناآگاه تکرار کردند به این هم اشاره نمودند که "امضای هیچ روحانی پای قراردادده های استعاری نیست!"

رژیم میکوشد روحانیت را بیدیده ای غیر - طبقاتی، "مقدس و الهی" جا بزنگوی که در میان روحانیون کسانی که بیشترین خدمات را به طبقات استعاریا گرا کم نموده اند و خود را نداشته اند و گویا با تائیدهای خود رژیمهای ضد خلقی، بزرگترین ضریات را به توده های

نگاهی به آمار برخی از اخراجیهای دانشسرای تربیت معلم سراسر کشور

توطئه های رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی بر علیه معلمین مبارز همچنان ادامه دارد . اخراجیهای بی دردی آنان همراه با سرکوب جنش او و گیرنده‌ها نش آموزش انقلابی، بخشی از سیاست سرکوب رژیم را در مقابل جنبش دمکراتیک نشان میدهد . اما رژیم ضد خلقی به خیال خام خود می پندارد که سرکوب هر چه بیشتر جنبش را خفه میکند . برعکس معلمین انقلابی اخراجی همچنان به مبارزه خود ادامه داده و میگویند تا مبارزه خود را به جنبش زحمتکشان پیوند ندهند ، آنان در برابر رژیم ضد خلقی می - ایستند و تسلیم نمیشوند . اما رژیم بدبختی از توطئه ضد انقلابی رژیم را خارج معلمینی که به جرم عقاید سیاسی اخراج شده اند نشان میدهد :

- دانشسرای راهنمائی رشت ، ۱۹۰ نفر اخراج
- دانشسرای راهنمائی تبریز ، ۲۱۰ نفر اخراج
- دانشسرای راهنمائی تهران (دختران) ، ۱۶۲ نفر اخراج
- دانشسرای راهنمائی تهران (پسران) ، ۵۱۰ نفر اخراج
- دانشسرای راهنمائی شهرری (دختر و پسر) ، ۳۹۰ نفر اخراج
- دانشسرای راهنمائی همدان ، ۶۵ نفر اخراج به جرم کذب بودن .
- دانشسرای راهنمائی سنندج ، ۱۶۰ نفر اخراج .
- دانشسرای مقدماتی ورامین (دختران) ، ۶۸ نفر اخراج
- دانشسرای مقدماتی دنبابکان ، ۸۰ نفر اخراج .
- دانشسرای مقدماتی دامغان ، ۳۰ نفر اخراج ،
- دانشسرای روستائی "داران" ، ۷۰ نفر اخراج ،

"نقل از "خبرنامه جمعی از معلمان اخراجی" ، بازنشسته‌ها جای ری. آ ما ده بخدمت و... تهران و شهرستانها" (با اندکی تغییر)

چه کسانی از او باشان پشتیبانی میکنند؟

اخیرا از طرف بی سیمهای مشترک پلیس - باسداران به کلیه ما مورین انتظامی دستور داده شده است که در صورت حمله "مردم" (یعنی جماعتاران و اوباشان) به تجمع نیروهای کمونیست و انقلابی و انقلابیونی که نشریه و اعلامیه بخش میکنند بهیچوجه دخالت نکنند و از "بهر" و "غضب" آنان جلوگیری ننمایند . همچنین دستور داده شده است پلیس با پاسداری که مزاحم جماعتاران گرداندند بسیار تنبیه شده و با مشخصات کامل به مقامات مافوق معرفی میشوند .

کمکهای مالی دریافت شده

۱۲۵۰	۲۲۰۰۰	۳۵۰۰۰	۱۵۰۰	۷۰۰۰	۵۲۰۰	۷۲۰۰	۵۰۰۰
۱۵۰۰	۲۷۰۰۰	۸۰۰۰	۱۲۸۰۰	۵۲۰۰	۱۲۶۰۰	۱۱۰۰۰	۱۹۰۰
۱۵۰۰	۲۷۰۰۰	۸۰۰۰	۱۲۸۰۰	۵۲۰۰	۱۲۶۰۰	۱۱۰۰۰	۱۹۰۰
۱۵۰۰	۲۷۰۰۰	۸۰۰۰	۱۲۸۰۰	۵۲۰۰	۱۲۶۰۰	۱۱۰۰۰	۱۹۰۰
۱۵۰۰	۲۷۰۰۰	۸۰۰۰	۱۲۸۰۰	۵۲۰۰	۱۲۶۰۰	۱۱۰۰۰	۱۹۰۰

سید علی	۱۰۰۰۰	سید محمد	۲۰۰۰۰
... (نامهای دیگر) (نامهای دیگر)	...

توضیح و تصحیح:

اخباری که پیرامون سرکوب طلاب مبارز - ریکار ۸۲ و مبارزات آنان در یکسال ۸۶ آوردیم انعکاس مثبتی از خود بجای گذارده است تنها یک نکته را در فقیه ها و اربابان در قم تذکر داده اند یعنی تصحیح در اینجا ما و رسم و آن اینکه نظراتی که جنیدی پیش در قم صورت گرفته بود و ما با استناد کزارش یک رفیق نوشته بودیم که جنبه توده‌ای داشته (شماره ۸۶) ، چنین نبوده و نظرات اولی به تحریک لیسرا لیسرا بوده و دومی به تحریک حزب جمهوری اسلامی

از انتشارات جدید سازمان



بقیه از صفحه ۳۲ **یادداشتن** ...

عالمی برای تحت فشار گذاشتن رژیم و کسب امتیازات بیشتر در جهت وابسته تر کردن رژیم به خود استفا ده نماید. شروطی که رژیم کنسون بخاطر سازش با امپریالیسم به آن تن میدهد تنها با وعده های سال گذشته رژیم در مورد گروگانها از زمین تا آسمان فاصله دارد، بلکه ثروت هنگفتی از غارت زحمتکشان ایران را در اختیار آنها نصیحتات امپریالیستی آمریکا قرار میدهد تا بعنوان غرامت، هر چند که میخواهد از ثروت ایران برداشت کند و در واقع به امپریالیسم امکان میدهد بخاطر گروگانگیری رژیم باج هنگفتی از ثروت های ایران بخود اختصاص دهد. ما در همان هنگام که بسیاری از سازمانهای سیاسی، انقلابی و حتی کمونیست برای واقعه سفارت هورا میکشیدند، گفتیم که رژیم هرگز ضد امپریالیست نبوده و نمیتواند باشد. اما آن نیروها که در آن زمان به فریب توده ها

بقیه از صفحه ۳۲ **تظاهرات** ...

بر لانه فساد خواندن دانشگاه "با ورنداشته از گشایش این سنگر آزادی هواداری کرده و میکنند با توجه به حساسیت توده ها به دانشگاه و حقانیت مبارزات دانشجویان انقلابی، مطبوعا تا ارتجاع ستونها و صفحات متعددی را با تیرهای درشت صفحه اول به ضدیت با نیروهای انقلابی و مخصوصا سازمان ما اختصاص داده، تا شاید مبارزه برای بازگشایی دانشگاه را لوث نمایند. در این میان "مردم"، "گارا کثرت"، "صبح آزادگان" "جمهوری اسلامی"، "کیهان" و "اطلاعات" ... (ارگانهای حزب روزیونیونستی مرتجع طرفدار حزب) با "میزان"، "انقلاب اسلامی" و "رنجبر" (روزیونیونستی مرتجع طرفدار لیبرالها) در ضدیت با نیروهای کمونیست و مبارزه انقلابی در جهت بازگشایی دانشگاه به مسابقه برخاستند و وقیحا نه تنها اینکه گاهی اوقات، در تداوم جنگ قدرتش پای جناح رقیب را نیز میداند می کشیدند، خاشن توده های وفادار (اکثریت) برای مخدوش کردن مرز انقلاب و ضد انقلاب و حمایت از جناح حزب، لیبرالها را در کنسار کمونیستها قرار دادند! و لیبرالها که از وحشت مبارزه انقلابی دانشجویان کمونیست برای بازگشایی دانشگاه برخوردارند، ضمن حمله شدید به کمونیستها و "امریکا" میخواستند آنها، این "غشاشان" را محکوم کردند! و به "بسی تدبیری" جناح رقیب که موجب پایه گرفتار کمونیستها میشود، تا ختنند، در حال تبلیغات گسترده همه جناحهای رژیم روزیونیونستیهای حامی آنها در مقابل به نیروهای کمونیست و مخصوصا سازمان ما نشان ضعف و زبونی آنها در مقابل به شما را انقلابی گشایش دانشگاه به معنای سنگر آزادی بود و نشان میداد که تبلیغات و مبارزات ما به هدف اما بت کرده است.

برداختند، اینک چه پاسخی دارند؟ رژیم با گروگانگیری با مصلحت چه ضربتی به امپریالیسم زد؟ جز آنکه امروز دست امپریالیسم را با زمی گذارد تا علاوه بر گسترش روابطش با ایران میلیاردها دلار ثروت ایران را نیز غارت کند؟ طبیعی است رژیمی که در طی این مدت با تمام قوا به بازی سیستم سرما به داری وابسته و سرکوب انقلابی و حفظ و جراث منافع امپریالیسم پرداخته است، امروز به این سازش ننگیست و خفت با ربا امپریالیسم بپردازد. ولی آیا توده ها سازش رژیم با امپریالیسم را بروی خواهند بخشود؟ آیا تمام مدروغها و وعده های مبارزه "فدا امپریالیستی" را که به توده ها میداد تا بردوشان سوار شود و قدرتشان را برای سرکوب انقلاب حفظ کند، فراقوش خواهند کرد؟ مبارزه طبقاتی جاری و روند گسترش یابنده انقلاب بر علیه امپریالیسم و ارتجاع به این سوالات پاسخ منفی میدهد.

استقبال دهها هزار نفر از این تظاهرات،

نشانه گسترش انقلاب

علیرغم تبلیغات ارتجاع، راهپیمایی ۲۳ دی اجرا گردید، منتها نه از جلوی دانشگاه بلکه در خیابانهای اطراف دانشگاه، جمهوری و ... در این روزها طرف دانشگاه، از دهها هزار نفر توده های انقلابی میهن موج میزد که بسیاری پشتیبانی از مبارزات دانشجویان کمونیست به اطراف دانشگاه آمده بودند، این استقبال پر شور توده ها از این تظاهرات و شرکت آنها در تظاهرات اطراف خیابان دانشگاه، نشان میدهد که علیرغم خرابکاری های روزیونیونستها، جنبش انقلابی روزیونیونیونستروا نبوهرتر میگردد. طبیعی است مبارزه برای بازگشایی دانشگاهها بعنوان جزئی از مبارزات دمکراتیک ضد امپریالیستی در شکستن جوفشار و اختناق کنونی تا شیر خود را بجای خواهد گذاشت و شرکت فعال توده ها در این مبارزات در عقب راندن ارتجاع و جلوگیری از شدت حملات ارتجاع به نیروهای انقلابی موشرو خواهد بود. هر چند که ارتجاع کوشید با دروغ پردازی و تحریف، تظاهرات ۲۳ دی را کم اهمیت جلوه دهد و وقیحا نه ادعا کند که مبارزات دانشجویان کمونیست را در "نطفه خفه کرده" و یا "اینکه نیروهای انقلابی در جلوی دانشگاه حضور نداشته" و یا "تعداد بسیار اندکی بوده اند" و یا "توده های حاضر در آنجا گویا طرفدار رژیم بوده اند!" این یک دروغ آشکار است شرکت توده های بسیار وسیعی را در این مبارزات با یستی بعنوان یک پیروزی (با در نظر گرفتن همه نکات مثبت و همه نقائص و ضعف ها) که در مجموع داشته است (ارزیابی نمود. با توجه به شرایط اعتلا انقلابی موجود در جامعه ما استفاده از تاکتیکهای مشابه، برای فشرده تر کردن صنایع انقلاب و افشا، منفرد کردن و عقب -

ملاحظات کوتاه

سندیده و زحمتکش و ارتنبا ورده اند! توجه کنید:
- علامه مجلسی یکی از بزرگترین علمای شیعه در مقدمه کتاب "زاد المعاد" حدودیک صفحه کا مل مداحی شاه سلطان حسین صفوی را نموده است.
- میرزای قمی مجتهد بزرگ دوره قاجاریه تا صراحتین شاه را کلا تا شاید میکرد و تنها ایرادی که به او میگردید این بود که سیل شاه بلند است و موقع آب خوردن مگروه است!
- میرزا محمد تقی شیرازی مجتهد بزرگ نجف با سفرای انگلیس و آمریکا نامه های دوستانه مینوشت و از آنها باری میخواست،
- آیت الله خمینی در کتاب "کشف الاسرار" بارها تا کید میکند که هیچیک از علما با اساس سلطنت مخالف نبوده و نیست،
- آیت الله کاشانی که در رژیم جمهوری اسلامی "نقدیر" سوکه "دارد همراه با آیت الله بهبهانی واقعه سفید ۱۳۳۰ را موجب شد و شاه را طی تظاهراتی فرما بشی و ملت شما نه از سفر به خارج باز داشت و سپس کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ را مورد تا شید قرار داد.
- آیت الله بروجردی بزرگترین مرجع تقلید زمان خود با زگشت شاهس از کودتای واشتریک گفت و تا سال ۴۰ که زنده بود با دربار شاه روابط بسیار نزدیک داشت.
عمده مجتهدین معروف در سالهای گذشته مردم را از مبارزه انقلابی علیه رژیم شاه بر حذر می داشتند و خود به دعا گوشتی مشغول بوده اند حتی خود آیت الله خمینی هم که در تظاهرات آشکارا شاه قرار داشت دیدیم که در قیام ۲۲ بهمن چگونه مانع از مبارزه مسلحانه توده ها برای درهم شکستن دولت سرما به داری وابسته به امپریالیسم گردید.
اگر این اقدامات امضا و تا شید رژیمهای ضد خلقی گذشته و روابط آنها با استعمارگران و امپریالیستها نیست، پس چیست؟
بدون شک و شوق الدوله ها، تقی زاده ها، امینی ها و نمازی ها و زاهدیها خاشن اند اما آیا امضا فقط با "فلم خود نویسی" "جرم است و بسا تسبیح، حلال!"

راندن ارتجاع را ضروری میدانیم، به یقین میتوان گفت، با تبلیغات کمونیستها و تظاهرات نیروهای کمونیست در ۲۳ دی، رژیم جمهوری اسلامی نزدیک توده های بیشتری رسوا شده و شمار مبارزاتی دانشگاهها بعنوان گشایش سنگسری برای آزادی و انقلاب توده ای فرگشته است.



پذیرفتن اصل حکمت: نهایت خفت و ذلت برای سازش با امپریالیسم

رژیم برای سازش با امپریالیسم روز بروز خفت بیشتری را می پذیرد. با دکنک "فلسفه امپریالیستی" رژیم اکنون دیگر ترکیبده است و توده های مابعدی می بینند که رژیم چگونگی با هزاران زاری و ذلت برای سازش و اشتی بسوی امپریالیسم می شناید. تمام وعده و وعیدهای رژیم مبتنی بر محامه گروگانها، محامه امپریالیسم آمریکا، گرفتن تمام ثروت شاه و بازگرداندن اموال و میلیاردها دلار بیگانه ایران در بنای انگلیس آمریکا... اکنون جای خود را به رسواترین التماسها و خواهشها از امپریالیسم داده است. لایحه دوفوریتی، پذیرفتن اصل حکمت در اختلافات مالی ایران و آمریکا که با اکثریت آراء در مجلس که تحت حاکمیت ارتجاع است به تصویب رسید، آنچنان خفت بار است که عملاً حتی شروط سازشکارانه پیشین رژیم را در مورد گروگانها نیز بکناری میگذارد. در این لایحه که در ۲۴ دیماه به تصویب شده است: "بدولت اجازه داده میشود، در مورد اختلافات مالی و حقوقی دولت جمهوری اسلامی ایران با دولت آمریکا از طریق داور مرضی - الطرفین (یعنی انتخاب مشترک داور که مورد رضایت طرفین باشد - پیکار) اقدام و اختلافات مذکور را حل و فصل نماید." جالب اینجاست که الجزایر پیش از تصویب این لایحه، حکمیت را پذیرفت و اعلام کرد که آمریکا نیز این حکمیت را پذیرفته و نزاع الجزایر بر تعدد سپرده است (کیهان ۲۴ دی نقل از مصاحبه ۲۳ دی، احمد عربی - مسئول امور گروگانها) بدین ترتیب رژیم عملاً دو اصل از چهار اصل پیشین (یعنی اصل تحویل اموال و یبولهای ایران در آمریکا و نیز اصل بازگرداندن اموال شاه) را که خود به اندازه کافی ذلت بار و سازشکارانه نبود، بکناری می - نهد و در عوض می پذیرد که این مسائل از طریق "حکمت!" بتدریج حل و فصل گردد. بدین ترتیب رژیم در مورد آزادی گروگانها، تنها به یک گول! امپریالیسم که در امور ایران دخالت نکند، اکتفا می کند (اگر امپریالیسم قبول و قرار را می نگیرد که دیگر امپریالیسم نیست!) و نیز تحریک اقتصادی را بشکند، گذشته از آنکه این شکستن تحریک اقتصادی به وابسته تر شدن بیشتر رژیم به امپریالیسم انجامد و سرمایه داری وابسته را برای غارت و استثمار زحمتکاران رنگ و جلای

یادداشت های سیاسی هفتگی

می بخشد، بیانگر هیچ امتیازی نیست، چرا که تنها مناسبات ایران و آمریکا را در زمینه معاملات اقتصادی به پیش از گروگانگیری باز میگرداند. با توجه به اینکه این مناسبات که داد و ستد مناسبات اقتصادی رژیم شاهنشاهی بود، جز بسود امپریالیسم عمل نمیکنند، رژیم شرط داد و ستد مناسبات اقتصادی با امپریالیسم را که در جهت تحکیم سرمایه داری وابسته است، میفرواهد امتیازی به نفع توده های وابسته، بدین ترتیب رژیم بسا آزادی گروگانها نه تنها امتیازی نگرفته بلکه مقادیر هنگفتی از ثروت ایران را بلبلکسر در حقیقت به منافع امپریالیسم واگذا کرده که با حکمیت کشورنا لشی، هر چند رخو است از آن به جیب بزنند، از این سازشکارانه تر و خا شنانه تر نمیشود. موقعیت امپریالیسم و تسلط بر بخش وسیعی از ثروت ایران پس از گروگانگیری - بهتراز زمان پیش از گروگانگیری شده است. اکنون تصمیم گیری در مورد میلیاردها دلار ثروت موجود ایران در بنای انگلیس امپریالیستی را در حقیقت به سیاستهای امپریالیسم آمریکا وا میگذارد، تا با آنها را به جیب بزنند و یا بعبوان

بقیه در صفحه ۳۱

تظاهرات ۲۳ دی: دروغ پردازی و وحشت ارتجاع

هفته گذشته، با اعلان تظاهرات در جلوسوی دانشگاه تهران بمناسبت سالروز ۲۳ دی، ارتجاع وحش زده به واکنش پرداخت. نیروهای ارتجاعی علیرغم نام همگونی و تفاوهایشان متفق القول و متحد، بر علیه نیروهای کمونیست به پا خاستند. از "مردم" فروشان و اکثریتی ها تا حزبی ها و از لیبرالها گرفته تا داروسترنجبران و اتحادیه ریزونیستها یکمدا همگی کارزارهای تبلیغاتی بر علیه این مبارزه برحق بر راه انداختند. در این "سمپاشی"ها همه منظور که شیوه تاریخی ارتجاع است، کمونیستها را که دلآورانه بدفاع از دانشگاه این سنگرزادی و آگاهی به پا خاسته و بسرای گشایش آن می رزمیدند، و قبحانه "چپهای افراطی"، "امریکائی"، "ضدانقلابی" و... خواندند! آنها با دروغ پردازی و تحریف گویند، دعوت به تظاهرات فاشاگرانه دانشجویان کمونیست را "هجوم گروهای مسلح برای اشغال دانشگاهها جلوه دهند! ما در اینجا قصد نداریم به اشغال دانشگاهها اراجیف که حضرات فوق بخوبی آشاها شن آموخته اند، پاسخ دهیم، چرا که توده ها روز بروز دوستان و دشمنان خویش و انقلابیون راستین از یکطرف و حزبها، لیبرالها و ریزونیستهای ارتجاعی از طرف دیگر را بیشتر و بهتر میشناسند بلکه تنها به توضیح وحشت ارتجاع از این مبارزات و استقبال دهها هزار نفر از توده های انقلابی میهن و تا سیر این مبارزات در شکستن جوخقان کنونی، بسنده میکنیم.

ارتجاع به دست و پامی افتد

علت انعکاس گسترده این مبارزات در صفوف ارتجاع وحشت و دروغ پردازی آنها را با یستی در نقطه ضعف اساسی رژیم در مورد دانشگاهها جستجو کرد. نقطه ای آیت الله خمینی خطبه های نماز جمعه و با هوشیهای مطبوعات و رادیو و تلویزیون ارتجاع در مورد دانشجویان کمونیست، هرگز نتوانست کشتار و سرکوب دانشجویان انقلابی و تعطیلی دانشگاهها را توجیه نماید، توده ها مبارزات انقلابی دانشجویان کمونیست را بر علیه شاه خا شن و جان سازسها و آگاهیهای آنها را بخاطر داشتند و به همین خاطر هم به آن سنگرزادی نام نهاده بودند. توده ها، شرها و رهبران رژیم را مبنی

بقیه در صفحه ۳۱

به ابتکار رفقای ارمنی هواداران سازمان پیکار، این تقریم بمناسبت آغاز سال نو میلادی منتشر شد:

★
ارمنان و زحمتکاران...
سازش ارمنی، انبوی و...
★
1981
1359
★
DUSKUT QASAPU...
هواداران سازمان پیکار در راه آزادی ملی ایران

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست